

## هوالمحبوب

### شما می‌توانید...

امسال در رقابت‌های کنکور حضور مراکزی که قبل از قیب مراکز بزرگ محسوب نمی‌شدند کارنامه درخشانی برای سمپاد یهاست. کسب رتبه اول علوم تجربی از فرزانگان بابل و رتبه اول ریاضی - فیزیک از شهید بهشتی اردبیل، در کنار کسب رتبه اول علوم انسانی که به مجموعه افتخارات مرکز فرزانگان تهران افزوده شد به همراه رتبه اول گامی به سوی نوبل، ۴ دیپلم افتخار، ۳۰ طلای کشوری و مجوز ورود به دانشگاهها بدون کنکور از جمع ۳۵ نفر در کل ایران از پنج المپیاد فیزیک، شیمی، ریاضی، کامپیوتر و زیست‌شناسی و با وجود این ۱۸ رتبه اول تا دهم کنکور سراسری در مجموعه افتخارات سمپاد به یاد ماندنی خواهد بود. به همین خاطر بود که روزی که یکی از مسئولان، سازمان استعدادهای درخشان را کثراههای در آموزش و پژوهش ایران نامید، اعلام کردم این الماسی است بر تارک آموزش و پژوهش کشور که چشم خیلی هارا زده است و نباید بخاطر کم درکی، آنرا به زباله دان انداخت بلکه باید تلاش نمود - فقط تلاش - تا مراکز مشابه بوجود آیند. آن هم نه به قیمت نابودی مراکز سمپاد. آدمهای بلند قد در جمیعت درخواست نشستن دیگران را برای دیدن پیرامون خود نمی‌کنند و کسانی که خردورز هستند و کمی کوتاهتر، بر فراز پله‌ای می‌روند تا بتوانند همانطور ببینند که بلند قدها.

○ ○ ○

کنگره قرآنی سمپاد در حالی که دوازدهمین دوره خود را که با دیدار

راه یافتن گانگشواری با رهبر انقلاب از معنویت ویژه‌ای برخوردار شد، پشت سرگذاشت، در کنار دو مین جشنواره ورزشی سمپاد پل ارتباطی خوبی پس از تجمعی است.

متأسفانه پس از تجمعی در یک جا چراغ بشر به سال سومی هاشان می‌دهند که بیانند در مدرسه غیر انتفاعی‌ها رایگان ثبت نام کنند، بهترین دبیرهایی را که در اختیار سازمان استان است برایتان می‌آوریم - که بچه‌ها نمی‌روند - بعد هم صدایش را در نمی‌آورند، فقط می‌ماند ضربه‌ای که مادر جای دیگر باید بخوردیم. پس از یک سال تحصیلی، مدیر را اول با کلام و بعد با خطاب و عتاب دعوت به استعفا می‌کنند و در نهایت بدون توجه به مصوبات شورایعالی اداری و هیئت امناء سمپاد، بر کنارش می‌کنند، چون از آدم مستقل بدشان می‌آید!

در یک جا پس از اطمینان از عدم پذیرش مسئولیت توسط فردی، اسم او را همراه با دو نفر که واجد شرط نیستند می‌دهند. نتیجه روشن است. نفر مورد توافق آمادگی ندارد و وقتی درخواست اسامی جدید می‌شود اعتراض می‌کنند که تهران باما کنار نمی‌آید! جای دیگر بدون اینکه زحمت بکشند و نیم‌نگاهی به مصوبات ابلاغی از دفتر وزارتی و ارسالی از طریق ستاد مرکزی بیندازند. صرفاً برای دفع الوقت درخواست مستندات قانونی می‌کنند. آنجا هم که مستند است قانونی را می‌دانند با بی‌اعتنایی مدیر را در محرومیت امکانات طبیعی و محدودیت قرار می‌دهند. گذشته از این موارد قابل تحمل، تشکر عمیق من از اکثر سازمان‌های استانهاست که طبق ضوابط با حفظ حقوق واگذاری، پس از تجمعی یا اورمان بوده‌اند و نتایج خوب امسال مراکز این استانها نتیجه همین همدلی است و همانطور که افت برخی مراکز موفق سالهای قبل نیز نتیجه کم لطفی‌هایی است که دو دش به چشم بچه سمپادیها رفته است.

○ ○ ○

۸۰۰ سمپادی از ۳۸ دانشگاه علوم پزشکی ایران، سی ام مردادماه امسال در تبریز گردیدم آمدند تا مسؤولیت دیگری را در کنار بچه‌های مؤسسه ابن سینای بزرگ، دزkalبد دیگری نمونه ظهور بر ساند راهبران این مجموعه آنقدر از

صفا و صمیمیت برخوردار بودند که با لغو برنامه‌های دیگرم، چند ساعتی را در تبریز میهمانشان شدم و خستگی ستیزه‌ها را به فراموشی سپردم.

○ ○ ○

اما نامه دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، و بسیجیان چندین دانشگاه صنعتی، در مورد تأمل در پیوستن به پروتکل الحاقی ۹۳+۲ ف (PT) همانقدر برایم عزیز و ارزشمند بود که نفر اول شدن یک داوطلب در کنکور سراسری. این تبلور عزت هدیه شده در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به مردم ایران بود که خود سرنوشت خویش را در ۲۴ همه‌پرسی و انتخابات تامروز رقم زده‌اند و این ندای راستین فرزندان ایران اسلامی برای حفظ آن عزت و اقتدار بود.

در این نامه، ایرانی شرافتمند که در گستره دانش جهانی «**طلب العلم و لوبالصین**» را از دهه اول انقلاب پیامبر گرانقدر اسلام به آستانه هزاره سوم کشانده بود، فریاد برآورده بود که «مامی توانیم!» و حرف من این است که عزیزان من! «می‌توانید:» در صورتیکه سیاه نمائی‌ها را بی اثر کنید و به توان خودتان امیدوارتر باشید. والسلام.

مدیر مسئول  
جواد اژه‌ای

## سرمایه‌ای از همه سرمایه‌ها نفیس‌تر

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش آموزان قرآنی سمپاد

### اشاره

راه یافتنگان به مرحله نهایی دوازدهمین کنگره سراسری قرآن کریم سمپاد، بزرگداشت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر، در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۸۲، این افتخار را یافتد تا با رهبر عزیز خویش اقامه نماز جماعت نمایند و پای صحبت‌های ارزشمند ایشان بنشینند. با هم صحبت‌های رهبر انقلاب را می‌خوانیم.

«سمپاد»

○ ○ ○

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران و فرزندان عزیز! خیلی خوش آمدید. از دیدار شما عزیزان، چه جوانهای عزیزی که بحمد الله از متاع و سرمایه‌هوش وافر خودشان، علاوه بر کارهای علمی و درسی، در زمینه انس با قرآن و فراگیری قرآن و معارف دینی استفاده کرده‌اند، و چه برادران و خواهرانی که مسئولیت اداره علمی و فکری این عزیزان را بر عهده گرفته‌اند، خوشوقتم. به شما جوانهای عزیز عرض می‌کنم که هوش وافر و استعداد بالا یک ثروت معنوی بسیار دلیل و یک سرمایه است. مثل همه سرمایه‌های دیگر، از این سرمایه اولاً باید استفاده بشود - چون سرمایه اگر راکد بماند، بودن و نبودنش یکسان خواهد بود - ثانیاً باید سرمایه در جهت صحیح به کار گرفته شود. فرض بفرمایید اگر کسی که ثروت و سرمایه پولی و مالی بالایی دارد، از آن به

عنوان تولید استفاده کند، خوب است؛ اما اگر از این پول مثلاً برای تجارت مواد مخدر استفاده کند، خیلی بد است. پس به کار گرفتن سرمایه درست، شرط دوم است. علاوه بر اینها، صاحب سرمایه از این سرمایه باید به عنوان سرمایه ملی هم استفاده کند. بعضی سرمایه‌ها اگرچه متعلق به یک شخص است، اما در عین حال متعلق به یک ملت هم هست. مثلاً فرض بفرمایید یک تابلوی نفیس قیمتی در یک کشور متعلق به کسی است، اما ثروت آن کشور هم محسوب می‌شود؛ لذا کشورها اجازه نمی‌دهند آثار هنری برجسته آنها از مرزهایشان خارج شود. همه اینها چیزهایی است که برای یک سرمایه باید مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ صاحب سرمایه موظف است.

سرمایه‌های هوش شما از همه سرمایه‌های مادی بهتر و نفیس‌تر است و - همان طور که عرض کردم - یک سرمایه بی‌بدیل است. پول، بدیل دارد؛ اما هوش و استعداد بشری یک چیز بی‌بدیل است و با هیچ چیز نمی‌شود آن را مبادله کرد. این سه نکته‌ای که درباره سرمایه‌های مادی گفته شد، در مورد این سرمایه هم باید در نظر بگیرید. اولاً باید از این سرمایه استفاده بشود؛ این توصیه ما در درجه اول به مسئولان است که از سرمایه هوش و استعداد برجسته جوانهای ما بدرستی استفاده کنند.

این را هم به شما بگویم، علی‌رغم سیاهنمایی‌هایی که در این مورد انجام می‌گیرد که مغزها رفتند، هوشها چنین شدند و کشور خالی ماند، خوشبختانه در داخل کشور بحمد الله مجموعه صاحبان استعداد بالا، خلاقیت و ابتکار که الان در کشور با همه وجود مشغول کارند، رقم عظیمی است. اگر تعدادی هم رفتند، در مقابل آنچه امروز در داخل کشور هستند و از وجود آنها دارد استفاده می‌شود، چیز زیادی نیست.

من معتقدم از هوش جوان ایرانی، بیشتر از آنچه امروز استفاده می‌شود، باید استفاده شود. جوانها باید برای به کار گرفتن استعداد خود در جهت پیشبرد کشورشان و برای جبران عقب‌ماندگی تاریخی تحملی براین ملت، میدان پیدا کنند. این ملت هوش برجسته خود را امروز پیدا نکرده؛ این بومی ما و متعلق به تاریخ ما و ریشه‌دار در میان ماست. شما ببینید تاریخ علم چقدر بر جستگان ایرانی را در صدر طومارها و جزو برترین‌های خود ثبت کرده؛ اینها واقعیت دارد. امروز هم ما همانیم. علی‌رغم این استعداد تاریخی، قرنها متمادی و بخصوص از روزی که پای استعمار و سلطه خارجی در این کشور بازشد، به استعداد جوشان ایرانی سرکوب و مهار زده شد.

دوران بعد از انقلاب، بحمد الله فضای باز و گستره وسیع کار ما را به اینجا رسانده که جوانهای ما در المپیادهای علمی دنیا مرتب افتخار می‌آفرینند؛ اینها چیز کمی نیست؛ نشان‌دهنده این است که فضا و گستره برای بروز استعدادها آماده است.

من در بازدید از دانشگاه‌های مختلف و مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها و کارهایی که جوانهای ما در آن جاها دارند انجام می‌دهند، به نمونه‌های بسیار برجسته‌ای برخورد می‌کنم؛ در همه زمینه‌ها این طور است؛ حوزه علمیه هم همین طور است. امروز در حوزه علمیه ما نسل جوان فرزانه فهیمی تربیت شده‌اند که می‌توانند تفکرات اسلامی را با استواری هرچه تمام‌تر عرضه کنند. این همان حصارهای مستحکمی است که علی‌رغم میل دشمنان، برای حفظ هویت ملی و اسلامی ما به وجود آمده است.

فضای جوان‌کشور، فضای خوبی است. علی‌رغم بعضی از بدینی‌هایی که آدمهای بدین و سوء‌ظن دار مرتب ابراز می‌کنند، من به فضای جوان‌کشور - جوان دانشگاه، جوان حوزه، جوان فعالیتهای مهارتی کاری - بسیار خوشبین و امیدوارم. فضای خوبی است و آینده‌ای را برای این کشور نوید می‌دهد که انشاء الله درخشش استعداد ایرانی در آن آینده، همه دنیا را متوجه خود خواهد کرد.

فراخور استعدادهای گوناگون، هوش جوان ایرانی باید برای پیشرفت علمی، فنی و فکری در همه زمینه‌ها؛ چه در علوم محض، چه در صنعت، چه در علوم انسانی - فلسفه، ادبیات، هنر - و چه در آموزش‌های دینی و هرچه بیشتر عمق بخشیدن به اندوخته فکری عمیق فرهنگ اسلامی و آن را آماده عرضه به افکار جهانی جوانهای دنیا قراردادن، به کار افتد؛ اینها کار شماهاست. شماها می‌توانید برای همه جوانهای جوامع اسلامی الگو باشید؛ کما این که از اول انقلاب تا امروز هم به فضل پروردگار همین طور بوده است.

شما جوانان عزیز، دوران جنگ تحملی را یادتان نیست؛ جوانهای مسن تراز شماها که در این جلسه هستند، یادشان هست. در جنگ تحملی، نمونه‌های همین نبوغها و استعدادها دیده شد. جوان هفده هجره ساله، اول جنگ به عنوان یک فرد عادی و بسیجی ساده وارد میدان دفاع مقدس شد؛ اما به فاصله سه چهار سال آن چنان استعداد او بروز کرد که شد فرمانده یک لشکر، فرمانده یک تیپ، اداره کننده چند هزار آدم و پیشبرنده تاکتیکهای جنگی و ضربه‌زننده به دشمن؛ اینها بروز استعداد در زمینه‌های گوناگون است. همین‌ها وقتی بعد از جنگ وارد دانشگاه‌ها شدند، توانستند رتبه‌های عالی علمی را هم کسب کنند. امروز بحمد الله ما در بین

جوانهای با آن سوابق درخشنان، کسانی را داریم که از لحاظ علمی هم برجسته‌اند؛ این بروز استعدادهای است.

جوانهای عزیز! این موهبت و ثروت را قادر بدانید؛ مسئولان هم باید حداکثر تلاش خود را بگند تا میدان برای بروز این استعدادها در زمینه‌های مختلف باز شود. در زمینه قرآن و معارف دینی هم که شماها وارد شده‌اید، زمینه بسیار مبارکی است. هرچه بیشتر با قرآن انس پیدا کنید، دلستگی تان به آن بیشتر می‌شود. قرآن مثل یک دریای عمیق است. در سطح، انسان چیزهای را می‌بیند؛ اما اگر کسی اهل غواصی باشد، در عمق چیزهای تازه‌ای مشاهده می‌کند. هرچه به اعماق بیشتر فروبرید، حقایق بیشتر، چیزهای تازه‌تر و مطالب خیره کننده‌تری در آن‌جا مشاهده می‌کنید؛ و این البته به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. این طور نیست که هرگز یک مقدار در قرآن مطالعه کرد، بگوید من به اعماق آن دست پیدا کردم؛ نه، چیزهایی وجود دارد که متعلق به راسخین در علم است. باید رسوخ در علم پیدا کرد؛ و این به برکت انس طولانی و بلند مدت با قرآن برای انسان پیش می‌آید و هدایت قرآنی شامل حال انسان می‌شود.

امیدواریم انشاء الله همه شما موفق باشید. برای همه شما دعا و آرزوی توفيق می‌کنم و از مسئولان محترم این بخش از کار هم صمیمانه تشکر می‌کنم.

والسلام عليکم و رحمة الله وبركاته



## سمپاد در المپیادها و کنکور سال ۱۳۸۲

جواد اژه‌ای

### اشاره

المپیادها با توجه با آغاز زودهنگامشان که در عمل دو سال تحصیلی دانش‌آموزان را براساس مجوز حضور هر پایه‌ای که شرکت کننده داشته باشند می‌گیرد پر حضورتر از سایر رقابت‌های دانش‌آموزان در مدارس است. این حوزه بخصوص در رشته‌های ریاضی و رایانه تقریباً تمام دوره دیبرستان را در بر می‌گیرد. هر چند جشنواره خوارزمی نیز چنین است ولی گستردگی اش چون المپیادها نیست.

افزایش داوطلبان شرکت کننده از ۲۱۵۷۶۱ نفر در سال گذشته به ۲۳۴۳۶۵ نفر تنها به کاهش درصد داوطلبان سمپادی از ۵/۹۳ درصد به ۵/۸۵ درصد منجر نشد بلکه در درصد پذیرفته شدگان مرحله دوم هم برای سال ۱۳۸۳ از ۶۶/۹۶ به ۶۹/۹۶ کاهش یافت که عمدتاً به راه یافتن کشوری در المپیاد شیمی و کامپیوتر مرتبط است. جدول ۱ مقایسه‌ای کامل از تعداد داوطلبان شش المپیاد را به تفکیک جنس در مراحل اول و دوم برای سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ بین کل داوطلبان و داوطلبان سمپادی نشان می‌دهد. در این جدول در المپیادهای فیزیک (از ۷۰/۷۳ درصد به ۸۱/۸۲)، ریاضی و ریاضی مقدماتی (از ۸۱/۳۹ درصد به ۸۵ درصد)، زیست‌شناسی (از ۸۷/۱۷ درصد به ۸۷/۸۸ تغییر ناچیز)، ادبیات (از ۵/۵۵ درصد به ۱۲/۸۲) موفقیت دانش‌آموزان نسبت به سال قبل بهتر بوده است. در کامپیوتر در دو سال متوالی صدرصد دختران سمپادی بوده‌اند، متنها پسران سمپاد نسبت به سال قبل (۸۹/۶۵ درصد) تنها ۷۵

جدول ۱- مقایسه داوطلبان و پذیرفته شدگان مرحله اول و دوم سمپاد در شش المپیاد به تفکیک جنس برای سال های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳

الມີاد		جنس		کل داوطلبان		درصد داوطلبان سمپاد		درصد پذیرفته شدگان سمپاد (مرحله اول)		درصد پذیرفته شدگان سمپاد (مرحله دوم)	
				۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳
شیمی	پسر	۷۹/۳۱	۳۸/۱۹	۳۳/۷۶	۸/۵۴	۸/۵۷	۹۳۴۷	۸۶۸۴	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	دختر	۷۳/۳۳	۳۸/۳۶	۳۸/۵۶	۴/۹۱	۴/۶۵	۱۷۲۵۶	۱۵۳۵۷	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	کل	۷۷/۲۷	۳۸/۲۶	۳۵/۵۰	۶/۱۹	۶/۰۷	۲۶۶۰۳	۲۴۰۴۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	پسر	۶۷/۵۶	۴۲	۴۳/۸۸	۱۲/۹۷	۹/۹۷	۵۵۹۸	۷۵۰۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
فیزیک	دختر	۱۰۰	۴۷/۷۳	۵۷/۸۹	۸/۶۰	۶/۱۵	۴۹۲۹	۷۱۵۲	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	کل	۷۰/۷۳	۴۳/۲۵	۴۶/۴۰	۱۰/۹۲	۸/۱۱	۱۰۵۲۷	۱۴۶۰۵	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	پسر	۷۹/۴۸	۴۴/۷۱	۴۵/۰۷	۶/۸۶	۷/۱۲	۴۸۲۶۶	۴۳۹۹۸	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	دختر	۴۳/۶۰	۳۱/۸۹	۳/۸۸	۳/۸۵	۶۲۱۴۷	۵۵۵۴۴	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳
ریاضی + ریاضی مقدماتی	کل	۸۱/۳۹	۴۴/۴۲	۴۰/۹۰	۵/۱۸	۵/۳۰	۱۱۰۴۱۳	۹۹۴۴۲	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	پسر	۸۹/۶۵	۵۴/۳۴	۴۹/۸۸	۱۱/۵۳	۱۳/۱۰	۲۰۸۹۰	۱۷۸۲۲	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	دختر	۶۵/۰۲	۳۷/۶۲	۶/۳۶	۷/۶۹	۲۱۲۵۹	۱۶۸۹۷	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳
	کل	۹۰/۶۲	۵۶/۲۳	۴۶/۶۹	۸/۹۲	۱۰/۴۷	۴۲۱۴۹	۳۴۷۱۹	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
کامپیوتر	پسر	۴۳/۵۶	۳۱/۵۶	۵/۱۹	۶/۲۵	۳۴۰۸	۳۴۸۵	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳
	دختر	۹۴/۷۳	۴۲/۹۰	۱۹/۴۷	۴/۳۰	۴/۳۶	۱۲۸۸۹	۱۴۱۶۹	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	کل	۸۷/۱۷	۴۳/۱۶	۲۲/۴۹	۴/۴۹	۴/۷۳	۱۶۲۹۷	۱۷۶۵۴	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	پسر	۲۲/۵۱	۲۰/۴۷	۵/۷۸	۴/۸۰	۵۸۳۰	۴۵۸۵	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۳
ادبیات	دختر	۷/۴۰	۱۳/۹۰	۷/۷۶	۱/۵۶	۰/۸۸	۲۲۵۴۶	۲۰۵۶۵	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	کل	۱۷/۴۲	۱۷/۴۲	۱۲/۹۷	۲/۴۲	۱/۶۰	۲۸۳۷۶	۲۵۱۵۰	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	پسر	۷۴/۲۳	۴۳/۶۱	۴۲/۵۴	۸/۳۱	۸/۵۹	۹۳۳۳۹	۸۶۰۷۷	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
	دختر	۵۸/۳۳	۳۷/۱۱	۲۶/۰۵	۴/۲۱	۴/۱۶	۱۴۱۰۲۶	۱۲۹۶۸۴	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲
جمع شش المپیاد	کل	۶۹/۳۶	۴۱/۴۱	۳۶/۱۳	۵/۸۵	۵/۹۳	۲۳۴۳۶۵	۲۱۵۷۶۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۲

درصد راه یافتن کشوری را بخود اختصاص داده اند. ولی چنانچه به جدول ۲ مراجعه کنیم تعداد پسران سمپادی در این المپیاد ۲۴ برابر دختران است. در ادبیات هم در حالیکه در سال قبل هیچ راه یافته کشوری نداشته اند امسال با ۱۴/۲۹ درصد بنظر می رسد حضور پرنگکتری از دختران سمپادی (۱۲/۵) درصد داشته اند. در حالیکه تعداد دختران ۴ برابر پسران می باشد!!

□ نگاه مقایسه ای به جدولهای ۱ و ۲ بیانگر این امر است که درصد ها وقتی اعداد در مقابلشان نباشد گمراه کننده خواهند بود. چون ارتباط درصد ها با ارقام بزرگتر یا کوچکتری است که وزن درصد ها را

تغییر می‌دهند. به همین دلیل چون در پنج المپیاد (غیر از ادبیات) حضور پسران بیشتر است در صد مراکز پسرانه سپاه معنای دیگری دارد.

□ در آمارهای داوطلبان المپیادها برای سال ۱۳۸۳ در مقایسه با سال ۱۳۸۲ در حالیکه داوطلبان پسر در فیزیک کاوش یافته است، داوطلبان پسر سمپاد در این المپیاد تغییر نداشته اند لذا ظاهراً افزایش را می‌رسانند.

□ نکته‌ای که همه ساله باید به آن اشاره کنیم تعداد کل داوطلبان در مرحله اول هر المپیاد است که معمولاً بیشتر از اجزاء آن به تفکیک دختر و پسر می‌باشد و چاره‌ای جز تصحیح شخصی نداشته‌ایم.

جدول ۲- کلیه شرکت کنندگان در شش المیاد به تفکیک جنس همراه با پذیرفته شدگان سپیدار در هر مرحله برای سال ۱۳۸۳

## ● نتایج کشوری المپیادها برای سال ۱۳۸۳

توانمندی دانش آموزان مراکز یک روی سکه است، روی دیگر سکه وضعیتی است که قبل و بعد از تجمعیع برای برخی مراکز وجود داشته و دارد و یا اینکه بوجود آمده است. نگرش مثبت، مثبت امنی و منفی در نتایج مقدماتی مرحله اول و مرحله دوم بسیار مؤثر بوده است. آنچه در جدول ۳ مشاهده می شود تصویری عددی از راه یابی فرزندان سمپاد در مرحله اول المپیادهای ۶ گانه + ریاضی مقدماتی است که در اواخر سال ۱۳۸۱ برگزار و راه یافتگان بدین مرحله، جهت مرحله کشوری با هم به رقابت پرداختند.

○ وقتی براساس نامه یکی از فرزانگانیها رئیس سازمان استان در جمع دانش آموزان معرض به عدم تخصیص دبیران قویتر به مرکز می گوید: «شما با دیر متوسط هم موفق می شوید دبیران قوی را باید به مدارس ضعیف و متوسط اختصاص داد»، انتظار هیچ موقفيت علمی را در آن استان باید داشت.

□ جدولهای ۱، ۲ و ۳ هر سه گزارش عددی و مقایسه‌ای هستند. جدول ۱ مقایسه دو سال متفاوت رقابت سمپادیها با غیر سمپادیها به تفکیک جنس و نوع المپیاد است. جدول ۲ هرچند به ظاهر شبیه جدول ۱ می باشد ولی با حضور اعداد در کنار درصدها، ارزش واقعی درصدها را می رساند که داوطلبان در مرحله اول چه تعدادی بوده‌اند و در مراحل بعدی چه تعدادی تا مرحله کشوری آمده‌اند.

□ اما جدول ۳ تصویری از موقفيت و عدم موقفيت مرحله اول مراکز سمپاد است هرچند به خاطر حجم اعداد و ستونها امکان انتقال نتایج غیر سمپادیها بسیار مشکل بود ولی در انتهای جدول تعداد پذیرفته شده سمپادی و غیرسمپادی به تفکیک جنس و المپیاد مشخص شده‌اند.

□ مرکزی که در مرحله اول برای سال ۸۳ هیچ قبولی نداشتند شامل شهیدبهشتی آبدان، شهیدبهشتی و فرزانگان یاسوج و فرزانگان بوشهر می شوند.

□ اما مراکزی که با نتیجه ضعیف در این مرحله روبرو بوده‌اند شامل: شیخ انصاری و فرزانگان دزفول، فرزانگان شهرهای کاشان، ایلام، بجنورد، سمنان، زاهدان و بروجرد.

□ در مورد مراکزی که قبولیهای مطلوب داشته‌اند، می توان به ترتیب علامه حلی تهران با ۳۴۶ نفر، فرزانگان تهران با ۱۷۰ نفر، شهیدسلطانی کرج با ۱۴۷ نفر، شهیدآزادی اصفهان ۱۴۵ نفر، شهیدهاشمی نژاد مشهد با ۱۱۰ نفر، شهید دستغیب شیراز با ۸۱ نفر، فرزانگان امین اصفهان با ۶۴ نفر نام برد. این هفت مرکز برتر در بین کلیه مراکز سمپاد و قطعاً ایران می باشند.

جدول ۳- نتایج مراکز سمپاد در مرحله اول ۶ المپیاد ملی ایران برای سال ۱۳۸۳

مراکز دخترانه										مراکز پسرانه						
مراکز دخترانه					مراکز پسرانه					شهر مرکز		شهر مرکز				
شیوه زیست ادبیات	کامپیوتر فیزیک	ریاضی	فیزیک	شیوه زیست ادبیات	شیوه زیست ادبیات	کامپیوتر	ریاضی	فیزیک	شیوه زیست ادبیات	ریاضی	فیزیک	ریاضی	فیزیک			
۲	۱	۱	-	-	۱	۱	۱	۱	-	-	-	-	-	شید بیشتر آبادان	-	
۱	-	۲	-	-	۲	۱	۱	۱	-	۴	۱۱	۱۷	-	علامه حلی اراک	-	
۲	۴	۳	-	-	-	۱	-	۵	۴	۲	۳	۲	-	شید بیشتر اردبیل	-	
۱	۸	۷	۲	-	۱	۱	۲	۶	۱	۵	۸	۸	-	شید بیشتر ارومیه	-	
۱	۱	۷	-	۵	۱۴	۲	۱	-	۶	۶	۷	۹	۲	شید رجایی اسلامشهر	-	
۸	۱۵	۴	۱۱	۹	۱۳	۴	-	۱۰	۱۵	۶	۱۶	۴۷	۳۹	شید ازهای اصفهان	-	
۱	-	-	۱	۱	-	-	-	۱	-	۵	۸	۷	۳	شید بیشتر آمل	-	
-	۳	-	-	-	۱	-	-	۱	۴	-	۸	۶	۵	شید بیشتر اهواز	-	
۱	۱	-	-	-	-	-	-	۳	-	-	۱	۱	۲	شید بیشتر اسلام	-	
-	۲	۱	۱	۳	۴	-	-	۲	-	۴	۹	۱۶	۱۶	شید بیشتر بابل	-	
-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	۲	۱	شید بیشتر بجنورد	-	
۱	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۱	۲	شید بیشتر بروجرد	-	
۱	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	۲	-	-	-	شید حقانی تهریه عباس	۱	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۳	۱	شید بیشتر بوشهر	۱	
۱	۱	-	-	-	-	-	-	۳	-	۱	۱	-	-	شید بیشتر بیرجند	-	
-	۳	۶	۸	۳	۱۰	-	-	-	-	۳	۱۰	۷	۸	۱۲	شید مدنی تبریز	۸
۶	۱۵	۱۸	۱۸	۴۱	۵۶	۱۶	-	۵	۱۶	۱۹	۵۴	۱۱۲	۱۰۲	۳۸	علامه حلی تهران	-
-	۴	۳	۱	۱	۴	۱	-	-	۳	۲	۳	۷	۱	شید بیشتر خرم‌آباد	-	
-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	شیخ انصاری ذوق‌ول	-	
۷	۳	-	۲	۴	۲	-	-	-	۲	۵	۸	۸	۸	۲	میرزا کوچک‌خان رشت	-
-	۲	۲	۱	۳	۵	-	-	-	-	۲	۱۰	۱۰	۱۳	۶	شید بیشتر شهری	-
-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	-	۲	۱	۲	۳	۱	شید بیشتر زاهدان	-
-	۲	۱	۲	۱	۳	-	-	-	۱	۱	۵	۱	۱	۱	شید بیشتر زنجان	-
۱	۳	۴	۱	۱	۳	۱	-	۳	۱۱	۱۱	۸	۱۵	۴	شید بیشتر ساری	-	
۱	۲	-	۱	۴	۲	-	-	-	-	۱	۲	۲	-	شید بیشتر سیروان	-	
-	-	-	۱	-	۱	-	-	-	-	۱	۱	۲	۵	شید بیشتر سمنان	-	
-	۳	۱	-	-	-	-	-	-	۳	۲	۳	۷	۱	شید بیشتر ستارچ	-	
۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱	-	-	شید بیشتر شاهزاد	-	
۶	۵	۲	۴	۸	۱۰	۱	-	-	۲	۵	۱۶	۱۷	۳	شید بیشتر شهرکرد	-	
۷	۱۳	۳	۲	۶	۴	۳	-	-	۱	۸	۱۱	۱۲	۲۲	۳	شید دستهبند شیراز	-
-	۵	۳	۱	-	-	-	-	۲	۱	-	-	۲	۲	شید بیشتر قائم‌شهر	-	
۱	-	۲	۲	۴	۸	۱	-	-	۵	۳	۶	۹	۹	شید بیانی قزوین	-	
۱	۳	۲	۳	۲	۱	-	-	-	۱	۱	۸	۸	۴	شید قدوسی قم	-	
-	-	-	۱	۱	-	-	-	-	۱	۱	۹	۶	۹	شید بیشتر کاشان	-	
۷	۸	۷	۳	۸	۴	۳	-	-	۱	۱	۱۵	۲۸	۴۵	۱۵	شید سلطانی کرج	-
۱	۲	۳	۱	۱	۲	۳	-	-	۱	۸	-	۴	۱۲	۳	علامه حلی کرمان	-
-	۲	-	۱	۲	۳	-	-	-	۶	۵	۷	۱۱	۵	شید بیشتر کرمانشاه	-	
-	۱	-	۱	۱	۲	-	-	-	۱	۱	۸	۸	-	شید بیشتر گرگان	-	
۵	-	-	۱	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱	شید بیشتر لار	-	
۹	۱۰	۲	۶	۱۳	۱۱	۲	-	-	۶	۱۰	۱۲	۳۵	۳۲	۱۰	شید هاشمی‌زاده مشهد	-
۲	۱	۲	۱	۱	-	-	-	-	۵	-	۶	۱۲	۱۶	۲	شید بیشتر نیشابور	-
۱	۲	۲	۲	۴	۴	۱	-	-	۶	۳	۴	۶	-	علامه حلی مهدان	-	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	شید بیشتر یاسوج	-	
-	۲	-	-	۱	-	۱	-	-	۳	۱	۲	۱۳	۹	۲	شید صوفی بزد	-
۷۷	۱۳۳	۸۹	۸۴	۱۲۲	۱۷۵	۲۳	-	۸۶	۸۸	۱۳۹	۲۶۵	۴۸۲	۴۹۰	۱۳۶	قویولدگان سمیاد (پسر)	-
۵۵۴	۳۱۰	۲۲۲	۱۷۶	۲۰۳	۴۲۳	۷۷	-	۳۸۸	۳۶۴	۶۳۱	۸۸۷	۱۱۹۰	۲۱۰	کل قویولدگان بیان (پسر)	-	
کل					۱۶۸۶	پسر	کل					۳۸۶۶	پسر	کویولدگان ایران		
دختر					۷۳۳		کل					۱۹۷۵	دختر	کویولدگان ایران		

توجه: تفاوت احتمالی اعداد مقابله مراکز اشتباہ در شمارش چشمی می‌تواند باشد ولی جمع کلی مبنای محاسبه می‌باشد.

□ طبق ارقام جدول ۳، در بین مراکز پسرانه شهیدبهشتی ساری با ۵۴ نفر، شهیدبهشتی بابل با ۵۱ نفر، شهیدبهشتی شهرکرد و شهید مدنی تبریز هر کدام با ۴۸ نفر در رده‌های ششم تا نهم قرار دارند.

□ در بین مراکز دخترانه فرزانگان مشهد با ۵۳ نفر، فرزانگان کرج و شیراز هر کدام با ۳۸ نفر، فرزانگان شهرکرد با ۲۶ نفر، فرزانگان تبریز و اسلامشهر هر کدام با ۳۰ نفر تا رده هفتم مراکز دخترانه را بدست آورده‌اند که این مراکز قطعاً در بین مراکز دخترانه ایران هم بی‌رقیب هستند. حضور اسلامشهر در این جمع قابل تقدیر است.

□ از نظر مجموع در شهر علامه حلی و فرزانگان تهران (منهای اسلامشهر) که جمعاً ۶۱ نفر و شهری که جمعاً ۴۹ نفر داشته‌اند) با ۵۱۶ اول مراکز اصفهان (شهیدآزادی و فرزانگان امین) با ۲۰۹ نفر دوم، مراکز کرج با ۱۸۵ نفر سوم، مراکز مشهد با ۱۶۳ نفر چهارم، مراکز شیراز با ۱۱۹ نفر پنجم و مراکز شهرکرد با ۸۴ نفر راه یافته به مرحله دوم رتبه ششم را در بین شهرهاییکه سمپاد مرکز دارد بدست آورده‌اند که حضور شهرکرد در جمع ۶ شهر برتر ایران قابل تقدیر است.

□ براساس داده‌های جدول ۳ از کل ۵۸۴۱ نفر (۳۸۶۶ پسر و ۱۹۷۵ دختر) راه یافته به مرحله دوم المپیادها ۲۴۱۹ نفر (۱۶۸۶ پسر و ۷۳۳ دختر) از سمپاد بوده‌اند. یعنی با ۵/۸۵ درصد داوطلب در این مرحله، ۴۱/۴۱ درصد راه یافتگان سمپادی هستند.

## ● مرحله دوم ۶ المپیاد برای سال ۱۳۸۳

□ هر چند در موقع نگارش این گزارش اردوی تابستانی ۲۲۷ راه یافته به مرحله کشوری ۶ المپیاد به انتهای رسیده است ولی براساس روال همه ساله وضعیت راه یافتگان کشوری را به تفکیک المپیاد مورد بررسی قرار می‌دهیم. و نتایج طلای کشوری المپیادها برای سال ۱۳۸۳ را به بعد موکول می‌نماییم.

### □ المپیاد شیمی

برای سیزدهمین المپیاد شیمی از مجموع ۲۶۶۰۳ داوطلب (۱۷۲۵۶ دختر) که ۶/۱۹ درصد آنها (۱۶۴۶ نفر) سمپادی بودند جمعاً ۵۹۶ نفر در مرحله اول پذیرفته شدند. در این مرحله سهم سمپاد ۳۸/۲۶ درصد (۲۲۸ نفر) بود که ۸۹ نفر دختر و ۱۳۹ نفر پسر بودند. (جدول ۲)

در مرحله دوم این المپیاد ۳۸ نفر (۱۶ نفر دختر) به مرحله کشوری راه یافتند که ۲۳ نفر سمپادی بودند. از ۱۶ دختر راه یافته به مرحله کشوری ۱۲ نفر سمپادی بودند.

براساس جدول ۴، فرزانگان ساری، علامه حلی تهران (۳ نفر)، شهیدبهشتی کرمانشاه، شهیدسنتیغیب شیراز، شهیده‌اشمی نژاد مشهد (۳ نفر)، فرزانگان همدان، شهیدبهشتی گرگان، فرزانگان تهران (۲ نفر)،

فرزانگان قروین، فرزانگان کرج، فرزانگان امین اصفهان، فرزانگان اراک، فرزانگان تبریز، علامه حلى همدان، شهید بهشتی بابل، فرزانگان قائمشهر، فرزانگان کرمان، فرزانگان ارومیه جمیعاً ۱۸ مرکز در مرحله کشوری المپیاد شیمی برای سال ۸۳ حضور داشته‌اند.

جدول ۴- پذیرفته شدگان مرحله دوم سیزدهمین المپیاد شیمی برای سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرستان	نام دبیرستان
۱	ابراهیمی گردشی	ساری	فرزانگان
۲	سید ارسلان اصلانی	شیراز	توحید
۳	آنوری	تهران	علامه حلى
۴	بدزی	کرماتاش	شهید بهشتی
۵	بهادری	خوی	نمونه مدرس
۶	محمد طه	بهمن سلطانی	شهید دستغیب
۷	ترابی فرد	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۸	توکلی	همدان	فرزانگان
۹	جباری ارفی	گرگان	شهید بهشتی
۱۰	چاری طلقانی	تهران	فرزانگان
۱۱	جدلی ها	قزوین	فرزانگان
۱۲	جانی	تهران	فرزانگان
۱۳	خادم	حوراء	ابوعالی سینا
۱۴	خدابنده لو	کرج	فرزانگان
۱۵	خلیلی	بهاره	فرزانگان امین
۱۶	ربیع حقیقی	شیراز	رازی
۱۷	سلمانزاده	پهارا	فرزانگان
۱۸	سید اسماعیل	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۱۹	شاهین کهریز	تبریز	غیر انتفاعی آزادگان
۲۰	شمیران	تبریز	فرزانگان
۲۱	صابری	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۲۲	طباطبائی	مشهد	امام رضا(ع)
۲۳	طهماسبی	همدان	علامه حلى
۲۴	عادلی	بابل	شهید بهشتی
۲۵	علیپور	تبریز	نمونه دولتی سعدی
۲۶	علیرضا	شیراز	رازی
۲۷	فریدور	تهران	علامه حلى
۲۸	کیانی هر چگانی	تهران	امام حسین
۲۹	گرمهودی لطف آباد	قائم شهر	فرزانگان
۳۰	مانی	تهران	طباطبائی
۳۱	مزدھی	زاهدان	دانشگاه
۳۲	مریم	شهریارک	شهید اسلامی
۳۳	سجاده	کرمان	فرزانگان
۳۴	موحدی نیا	تهران	مریم
۳۵	موسی زادگان	تهران	علامه حلى
۳۶	نصیری محلاتی	تهران	فرزانگان
۳۷	نقی زاده	ارومیه	کمال
۳۸	نیک فزان	تهران	حسام
	حضرت زهرا(س)	تهران	یاسمن

پذیرفته شده از سمپاد

## □المپیاد فیزیک

برای پانزدهمین حضور در سی و چهارمین المپیاد فیزیک ۱۰۵۲۷ نفر (۴۹۲۹ دختر) داوطلب که حدود ۱۰/۹۲ درصد آنها (۱۱۵۰ نفر) سمپادی بودند در مرحله اول به رقابت پرداختند و از بین آنها ۷۸ نفر در مرحله اول برگزیده شدند، بیش از ۴۳ درصد از این افراد (۳۴۹ نفر) سمپادی بودند. (جدول ۲)

جدول ۵- پذیرفته شدگان مرحله دوم شانزدهمین المپیاد فیزیک برای سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرستان	نام دبیرستان
۱	الهه احمدی	قزوین	فرزانگان
۲	مهدی احمدیان	تهران	ازری اتمی
۳	مهرناش بایادی	تهران	علامه حلی
۴	سیداحسان بنی الحسینی	تهران	علامه حلی
۵	مراد بهاندیش	تهران	علامه حلی
۶	پیمان بیرانوند	کرج	شهید سلطانی
۷	محمد بیکران بهشت	کرج	شهید سلطانی
۸	فرهاد پاشاخانلو	تهران	علامه حلی
۹	امیر پرتوی قربانی	آرومیه	شهید بهشتی
۱۰	رضا تریبا	قزوین	شهید بابایی
۱۱	پکاه توتوچی افشار	فرزانگان	علامه حلی
۱۲	محمد ثامنی	اراک	علامه حلی
۱۳	حمدی رضا چلبی	تهران	علامه حلی
۱۴	سیامک دهد	تهران	علامه حلی
۱۵	محمد حسن ذکانی	تهران	علامه حلی
۱۶	سعید رضانی جوزدانی	اصفهان	شهید آزادی
۱۷	کیوان رضانی مقدم	تهران	علامه حلی
۱۸	سینا سالاری	اهواز	شهید بهشتی
۱۹	اصلان ستاری دیزجی	تهران	علامه حلی
۲۰	سورنا سپاهی نژاد	ساری	شهید بهشتی
۲۱	سید حمید سید علتری	تهران	صلاح (م پ غ)
۲۲	سجاد سیف الداکری	تبریز	شهید مدنی
۲۳	عرقان عاشوری	تهران	علامه طباطبائی
۲۴	محمد فرشاد عبدالله	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۲۵	بهروز عیری	شیراز	شهید دستغیب
۲۶	الهام عزیزی	تهران	فرزانگان
۲۷	حسین عضدی	تهران	علامه حلی
۲۸	محمد علوبان قوانتینی	تهران	علوی
۲۹	الهام علیپور خیر	تهران	فرزانگان
۳۰	محسن غریکل	کرج	شهید سلطانی
۳۱	سلمان غفارانی چهرمی	شیراز	شهید دستغیب
۳۲	پویان فروتنی	اصفهان	شهید اژه‌ای
۳۳	سهیل فیض خانکندي	اردبیل	شهید بهشتی
۳۴	فرید کاهه	کرج	شهید سلطانی
۳۵	سید محمد جواد مرتضوی اشکندری	تهران	ازری اتمی
۳۶	کامران مسعودی	تهران	علامه حلی
۳۷	سیمینه مصطفوی	تهران	الزرا
۳۸	رضی موتفی جور شری	رشت	میرزا کوچک خان
۳۹	پویا مولوی	تهران	علامه حلی
۴۰	مهرداد میری بابایی	قزوین	شهید بابایی
۴۱	فرشاد میر شفیعی	تهران	ازری اتمی
۴۲	علیرضا وحید	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۴۳	محسن وطنی	اصفهان	شهید اژه‌ای
۴۴	مسعود بیزدانی چهرمی	تهران	علامه طباطبائی

پذیرفته شده از سمپاد

□ در مرحله دوم ۴۴ نفر (۵ دختر) برگزیده شدند که ۳۶ نفر آنها (۴ دختر) سمپادی بودند (درصد ۸۱/۸۲).

□ براساس جدول ۵ راه یافته‌گان سمپادی از این مراکز بودند:

فرزانگان قزوین، علامه حلى تهران (۱۲ نفر)، شهیدسلطانی کرج (۴ نفر)، شهیدبهشتی ارومیه، شهیدبابایی قزوین، فرزانگان ارومیه، علامه حلى اراك، شهیداژه‌ای اصفهان (۲ نفر)، شهیدبهشتی اهواز، شهیدبهشتی ساری، شهیدمدنی تبریز، شهیده‌اشمی نژاد مشهد (۲ نفر)، شهیددستغیب شیراز (۲ نفر)، فرزانگان تهران (۲ نفر)، شهیدبهشتی اردبیل و میرزا کوچک خان رشت که در مجموع ۱۶ مرکز سمپادی، راه یافته به مرحله کشوری را داشته‌اند و یک سوم آنرا هم علامه حلى تهران به خود اختصاص داده است.

#### □ المپیاد ریاضی

بیست و یکمین حضور ایران در چهل و پنجمین المپیاد ریاضی و ریاضی مقدماتی (مخصوص سال اولیها) ۱۱۰۴۱۳ نفر (۶۲۱۲۷ دختر) داوطلب حضور داشتند که ۵/۱۸ درصد آنها سمپادی بودند (۵۷۲۳ نفر که ۲۴۱۱ نفر دختر بودند). از این تعداد ۱۹۰۰ نفر در مرحله اول گرینش شدند که ۸۴۴ نفر آنها (۲۱۸ دختر) سمپادی بودند یعنی ۴۴/۴۲ درصد. در مرحله دوم (کشوری) ۴۰ نفر گرینش شدند که ۳۴ نفر آنها (۵ دختر) یعنی معادل ۸۵ درصد از سمپاد هستند. (جدول ۲)

لازم به یادآوری است که لیه پذیرفته‌شدگان کشوری دختر در این مرحله از سمپاد هستند.

□ براساس جدول ۶ سمپادیهای راه یافته به مرحله کشوری از این مراکز بودند:

شهیدبهشتی گرگان (۲ نفر)، فرزانگان اهواز، علامه حلى کرمان (۴ نفر)، شهیددستغیب شیراز (۳ نفر)، شهیداژه‌ای اصفهان (۶ نفر)، علامه حلى تهران (۷ نفر)، شهیدصدوقی یزد، فرزانگان مشهد، شهیدبهشتی کرمانشاه (۲ نفر)، شهیدبهشتی بجنورد، شهیدبهشتی بابل (۲ نفر)، فرزانگان تهران (۲ نفر)، شهیدبهشتی شهرکرد، فرزانگان همدان. که در مجموع ۱۴ مرکز سمپادی (۴ مرکز دخترانه) در این مرحله حضور دارند، علامه حلى تهران با ۷ نفر، شهیداژه‌ای اصفهان با ۶ نفر و علامه حلى کرمان با ۴ نفر بالاترین حضور را در این مجموعه دارند.

جدول ۶- پذیرفته شدگان مرحله دوم بیست و یکمین المپیاد ریاضی برای سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرستان	نام دیبرستان
۱	کاظم افشنی بور	تهران	رشد پسران
۲	حامد امنی	تهران	ازری اتمی
۳	محمد باقر ایرجی	گرجان	شهید بهشتی
۴	فاطمه باقریان بهبهانی	اهواز	فرزانگان
۵	پویان بدایت	کرمان	علامه حلی
۶	فرزنین برکت	شیراز	شهید دستغب
۷	پدرام پاد	اصفهان	شهید آزاده‌ای
۸	هادی جرجانی	گرجان	شهید بهشتی
۹	صابر جعفری پور	شیراز	شهید دستغب
۱۰	عادل جوانمرد	اصفهان	شهید آزاده‌ای
۱۱	بردیا جهانگیری	تهران	علامه حلی
۱۲	امید حاتمی ورزنه	اصفهان	شهید آزاده‌ای
۱۳	مسعود حبیبی	تهران	علامه حلی
۱۴	سید امیر حجازی	شیراز	شهید دستغب
۱۵	رضا خسروی فارسانی	اصفهان	شهید آزاده‌ای
۱۶	علی اکبر دائمی	تهران	علامه حلی
۱۷	امین دهش	کرمان	علامه حلی
۱۸	میثم زارع زاده مهریزی	یزد	شهید صدوچی
۱۹	اکرم شیخ علیشاهی	مشهد	فرزانگان
۲۰	محمد جمال صادقی	تهران	ازری اتمی
۲۱	عرفان صلوانی	تهران	علامه حلی
۲۲	میلاد صیامی	کرمانشاه	شهید بهشتی
۲۳	ناصر طالبی زاده	کرمان	علامه حلی
۲۴	هادی عمار لوقا چکانلو	بنجورد	شهید بهشتی
۲۵	آرش غلامی داوودی	بابل	شهید بهشتی
۲۶	روزبه فرهودی	تهران	علامه طباطبائی
۲۷	پگاه قهرمانی	تهران	فرزانگان
۲۸	سهیل قلی	کرمانشاه	شهید بهشتی
۲۹	سید جلیل کاظمی تبار امیر کلاسی	بابل	شهید بهشتی
۳۰	پاوند کشاورز	کرمان	علامه حلی
۳۱	عباس محربانی	تهران	علامه حلی
۳۲	احمد محمدودی قیداری	تهران	روزبه
۳۳	قاسم مصیبوی	تهران	۲ شهدا
۳۴	صادق معتمدی قهقرخی	شهرکرد	شهید بهشتی
۳۵	مهسا ملک محمدی	همدان	فرزانگان
۳۶	سعید ملکی	تهران	علامه حلی
۳۷	محمد متظر القائم	اصفهان	شهید آزاده‌ای
۳۸	آزالیا میر حسینی	تهران	فرزانگان
۳۹	محمد محسن وفادوست	تهران	علامه حلی
۴۰	علی ویسی	اصفهان	شهید آزاده‌ای

پذیرفته شده از سمپاد

## □المپیاد کامپیو تر

برای سیزدهمین حضور جهانی در المپیاد کامپیو تر با ۴۲۱۴۹ داوطلب (۲۱۲۵۹ دختر) سهم داوطلب سمپاد ۸/۹۲ درصد یعنی ۳۷۶۱ بود (۱۳۵۲ دختر). در رقابت های مرحله اول از این تعداد ۱۰۹۰ نفر (۲۰۳ دختر) راه یافتند که ۶۱۴ نفر آنها (۱۳۲ دختر) یعنی معادل ۵۶/۳۳ درصد سمپادی بودند. که از این عده در مرحله دوم (کشوری) تعداد ۳۳ نفر برگزیده شدند که ۲۵ نفر آنها (۷۵/۷۶) درصد سمپادی بودند، تنها دختر راه یافته در مرحله کشوری نیز سمپادی بود. (جدول ۲)

جدول ۷- پذیرفته شدگان مرحله دوم سیزدهمین المپیاد کامپیو تر برای سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرستان	نام دیبرستان
۱	سارا احمدیان	شهرکرد	فرزانگان
۲	علی ازکیا	کرج	شهید سلطانی
۳	پویا اسفندیار	تهران	علامه حلی
۴	حمدرضا امنی	اصفهان	شهید ازهاری
۵	مهندی انوشه پور	تهران	امام صادق(ع)
۶	حجت جشن نیلوفر	ساوه	علی بن ابیطالب
۷	محمد رضا چیت گرها	قزوین	شهید بابائی
۸	پویا حاتمی	کرج	شهید سلطانی
۹	امیر هوشیگ حسین پور دهکردی	شهرکرد	شهید بهشتی
۱۰	میلاد خامی	اراک	علامه حلی
۱۱	امین خرمیان کرمانشاه	اراک	علامه حلی
۱۲	صالح دیندار	قم	شهید قدوسی
۱۳	محسن رمضان پور	تهران	علامه حلی
۱۴	رضا روحی	شیراز	احسان
۱۵	محمد امین صادقی	تهران	روزبه
۱۶	محمد صالح	تهران	علامه حلی
۱۷	حمد صفرزاده	اصفهان	شهید ازهاری
۱۸	مصطفی عینال زاده صمدی	تهران	علامه حلی
۱۹	علی غلامی روڈی	بابل	شهید بهشتی
۲۰	مهرداد فرج تبار	کرج	شهید سلطانی
۲۱	محمد علی قاضی مقدم	شیراز	توحید ۱
۲۲	سید حسین کفاس بخارائی	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۲۳	فتح الله لطفی عاقل	اسدآباد	پژوهش
۲۴	اردشیر محاسنی گویا	تهران	شیخ مفید
۲۵	سیدالبرز مظلومیان	بابل	شهید بهشتی
۲۶	علی ملکزاده	تهران	نیکان
۲۷	فرهاد سی پور آنائز	شهری	شهید بهشتی
۲۸	بهزاد مهرداد	تهران	علامه حلی
۲۹	محمد مهینی	کرج	شهید سلطانی
۳۰	آیدین نصیری شرق	کرج	شهید سلطانی
۳۱	حسن نیک آتنی	اصفهان	شهید ازهاری
۳۲	مصطفی وفادوست	تهران	علامه حلی
۳۳	نیما هزار	تهران	علامه حلی

پذیرفته شده از سمپاد

□ براساس جدول ۷ راه یافته‌گان سمپادی از این مراکز هستند: فرزانگان شهرکرد، شهید سلطانی کرج (۵ نفر)، علامه‌حلی تهران (۷ نفر)، شهید ازهای اصفهان (۳ نفر)، شهید بابایی قزوین، شهید بهشتی شهرکرد، علامه‌حلی اراک (۲ نفر)، شهید قدوسی قم، شهید بهشتی بابل (۲ نفر)، شهید هاشمی نژاد مشهد و شهید بهشتی شهری که در مجموع در المپیاد کامپیوتر ۱۱ مرکز حضور دارند و تنها فرزانگانی از شهرکرد است و علامه‌حلی تهران، شهید سلطانی کرج و شهید ازهای اصفهان رتبه‌های اول تا سوم را از نظر تعداد پذیرفته شده بدست آورده‌اند.

#### □ المپیاد زیست‌شناسی

برای ششمین حضور در پانزدهمین دوره جهانی المپیاد زیست‌شناسی ۱۶۲۹۷ داوطلب ۱۲۸۸۹ دختر) شرکت داشتند کل سمپادیها ۴/۴۹ در صد داوطلبان یعنی ۷۳۱ نفر (۵۵۴ دختر) را شامل می‌شدند. در مرحله اول ۵۱۲ نفر برگزیده شدند که ۲۲۱ نفر (۱۳۳ دختر) از آنها یعنی ۴۳/۱۶ در صد از سمپاد بودند. در مرحله دوم ۳۳ نفر پذیرفته شدند ۱۴ دختر که ۱۳ نفر آنها سمپادی بودند و ۱۹ پسر که ۱۶ سمپادی در بین آنها دیده می‌شد سهم مقدماتی ۴/۴۹ در صدی این المپیاد در مرحله کشوری به ۸۷/۸۸ درصد (۲۸ نفر) افزایش یافت. (جدول ۲)

○ در جدول ۸ فهرست پذیرفته شدگان مرحله دوم المپیاد زیست‌شناسی را ملاحظه می‌کیم.  
سمپادیهای برگزیده از این مراکز بودند:

میرزا کوچک خان رشت (۲ نفر)، علامه‌حلی تهران (۴ نفر)، فرزانگان تهران (۳ نفر)، شهید دستغیب شیراز (۲ نفر)، شهید بهشتی ساری، شهید هاشمی نژاد مشهد، شهید بابایی قزوین، فرزانگان امین اصفهان (۲ نفر)، شهید بهشتی اردبیل، فرزانگان شهرکرد (۲ نفر)، علامه‌حلی کرمان، فرزانگان شیراز (۲ نفر)، شهید ازهای اصفهان (۲ نفر)، فرزانگان کرمان، فرزانگان مشهد (۲ نفر)، فرزانگان زینب شهری.

۱۶ مرکز آموزشی سمپاد با پیشتری علامه‌حلی و فرزانگان تهران برترین‌های این المپیاد در مرحله کشوری بودند.

جدول ۸- پذیرفته شدگان مرحله دوم ششمین المپیاد زیست‌شناسی برای سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی قاسم آبادسفلی	شهرستان	نام دیوبستان
۱	پویا	رشت	میرزا کوچک خان
۲	فرزان	تهران	علامه حلی
۳	سیده‌نفیسه اسحق حسینی	تهران	فرزانگان
۴	محمدحسین امری	تهران	علامه حلی
۵	حمد	شیراز	شهید ستغیب
۶	محمد	ساری	شهید بهشتی
۷	احسان	مشهد	هاشمی نژاد
۸	عباس	حسین پور آذری	شهید بابائی
۹	هاجر السادات	اصفهان	فرزانگان امین
۱۰	شهربانو	تهران	فرزانگان
۱۱	حسین	دانش	کمال
۱۲	حسن	ذوق‌القاری خیاوی	شهید بهشتی
۱۳	سعید	شیراز	شهید ستغیب
۱۴	نسیم	شهرکرد	فرزانگان
۱۵	علی	زندیه	علامه حلی
۱۶	پگاه	ساسانپور	فرزانگان
۱۷	عمار	کرمان	علامه حلی
۱۸	فرزان	عبدالله	توحید ۱
۱۹	هانیه	فلاحتی	فرزانگان
۲۰	آزاده	فیض‌گلستانه	فرزانگان امین
۲۱	عارفه	قدسی‌زاده	فرزانگان
۲۲	علیرضا	کارگر	شهید ازهای
۲۳	آرش	کائن برازجانی	توحید ۱
۲۴	مریم‌السادات	گنجعلی خانی	فرزانگان
۲۵	شهرزاد	محسنی بیانه	فرزانگان
۲۶	دانش	مردادی گرواند	شهید ازهای
۲۷	افسانه	مرتضی	فرزانگان
۲۸	سیده‌نیتا	معصوم	فرزانگان
۲۹	مریم	مؤمن	فرزانگان زینب (س)
۳۰	امیر	مؤمن رکن‌آبادی	علامه حلی
۳۱	محمدحسین	میرلوک	میرزا کوچک خان
۳۲	هدی	یکزارع	ابویحان

پذیرفته شده از سمپاد

**□المپیاد ادبی**

در این المپیاد، با وجود اجازه شرکت دانش آموزان رشته های غیر علوم انسانی از بین ۲۸۳۷۶ داوطلب تنها ۲/۴۲ درصد (۶۸۸ نفر) از سمپاد بودند که در مرحله کشوری ۲۹ نفر (۲۳ دختر) راه یافتند سهم سمپاد در مرحله کشوری ۵ نفر (۱ پسر) یعنی ۱۲/۸۲ درصد راه یافتگان بود. (جدول ۲)

- براساس آنچه جدول ۹ نشان می دهد، علامه حلی تهران، فرانگان شهرهای شهرکرد، تهران، شاهروд و مشهد پنج مرکزی بودند که در جمع کشوری این المپیاد راه یافته اند.

جدول ۹- پذیرفته شدگان مرحله دوم شانزدهمین المپیاد ادبیات برای سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرستان	نام دبیرستان
۱	مجتبی اشرافی	آرال بیدگل	آرال عبدالله
۲	مرضیه افراصایی	تهران	فرهنگ
۳	رضوان افشین پور	گچساران	شاهد
۴	سیده خدیجه امیریان	مشهد	نمونه دولتی فرنگ
۵	آرزو امین خندقی	مشهد	نمونه دولتی فرنگ
۶	آناهیتا اوستایی	تکابن	هدفه شهروپور
۷	مونا پایانی	تهران	فرهنگ
۸	مرضیه توفیقی داریان	تهران	فرهنگ
۹	مصطفی حسین زرگری	شهرورد	نمونه الزهرا
۱۰	الهام خلیلی جهرمی	شیراز	فرهنگ ۱
۱۱	علیرضا خوشنویس	تهران	علامه حلى
۱۲	سمیه رضائی	ابهر	الزهرا
۱۳	رضا رمضانعلی	جهرم	دستغب
۱۴	زنیب زرهانی	تهران	فرهنگ
۱۵	سارا سعیدی ورنوسفارانی	تهران	فرهنگ
۱۶	اقدس شریفی	یزد	شاهد
۱۷	محمد شریفی	آباده	حسابی
۱۸	سمیه شمسی	داراب	حجاب
۱۹	مرضیه السادات صادقی	تهران	فرهنگ
۲۰	هاجر طبیبی	جهرم	خلیلی (۱)
۲۱	سارا عبدالله دهدشتی	کرمان	نمونه دولتی فرنگ
۲۲	محمد عبدالهی اشینه	تهران	رازی ۱۴۱ پ
۲۳	الهام فتحی هفشهجانی	شهرکرد	فرزانگان
۲۴	زهرا کریمی	تهران	فرهنگ
۲۵	نورالهدا کریمی اصفهانی	تهران	رفاه
۲۶	فرهنگ گنج داش	تهران	فرهنگ
۲۷	مارال لطیفی	تهران	فرهنگ
۲۸	ارحام مرادی	شیراز	رازی
۲۹	سمانه مرادیانی ازنانی	تبریز	فرهنگ
۳۰	تهمینه مردانی	فیروزآباد	صدیقه طاهره
۳۱	فرزاد مروجی	شیراز	توحید ۱
۳۲	هنگامه مظلومی	تهران	نرجس
۳۳	شایسته سادات موسوی	اراک	فرهنگ
۳۴	سحر مهرابی شریف آباد	تهران	فرزانگان
۳۵	فاطمه السادات بیر حسینی	کرمان	نمونه دولتی فرنگ
۳۶	اسانه میرزازاده	نی ریز	ترتیت
۳۷	مریم مینائی	تهران	شکوه
۳۸	لیلا ورهم	شهرورد	فرزانگان
۳۹	آزاده هوشیار سوداگر	مشهد	فرزانگان

پذیرفته شده از سمپاد

□ اما قبل از اینکه به نتایج ۶ المپیاد در سال ۱۳۸۲ و نتایج نهایی برگزیدگان کشوری بخواهیم نگاهی داشته باشیم بد نیست مجموعه جدولهای این بخش از گزارش را با یک جدول مقایسه‌ای از مراکزیکه در این مقطع حضور داشته‌اند تکمیل کنیم (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- نتایج مراکز سمپاد در مرحله کشوری ۶ المپیاد ملی ایران برای سال ۱۳۸۳

مراکز دخترانه								مراکز پسرانه							
شهر مرکز	ریاضی	کامپیوتر	فیزیک	شیمی	زمیست	ادبیات	مجموع کل	شهر مرکز	ریاضی	کامپیوتر	فیزیک	شیمی	زمیست	ادبیات	مجموع کل
فرزانگان ارومیه	-	-	-	۱	۱	-	۲	علمده جلی اراک	-	-	-	-	-	-	۴
فرزانگان اصفهان	-	۲	۱	-	-	-	۳	شهید بهشتی اردبیل	-	-	-	-	-	-	۲
فرزانگان اهواز	-	-	-	-	-	۱	۱	شهید بهشتی ارومیه	-	-	-	-	-	-	۱
فرزانگان تبریز	-	-	-	۱	-	-	۱	شهید ازمام اصفهان	-	-	-	-	-	-	۱۴
فرزانگان تهران	۲	۲	۲	۲	۲	-	۱۰	شهید بهشتی اهواز	-	-	-	-	-	-	۱
فرزانگان زیب شهری	-	۱	-	-	-	-	۱	شهید بهشتی بابل	-	-	-	-	-	-	۵
فرزانگان ساری	-	-	۱	-	-	-	۱	شهید بهشتی بجنورد	-	-	-	-	-	-	۱
فرزانگان شاهروند	-	-	-	-	-	-	۱	شهید مدنی تبریز	-	-	-	-	-	-	۱
فرزانگان شهرکرد	-	۲	-	-	۱	-	۴	علامه جلی تهران	-	-	-	-	-	-	۳۴
فرزانگان شیراز	-	۲	-	-	-	-	۲	سیز اکوچک خان رشت	-	-	-	-	-	-	۳
فرزانگان قائم شهر	-	-	۱	-	-	-	۱	شهید بهشتی شهری	-	-	-	-	-	-	۱
فرزانگان فزوین	-	-	۱	۱	-	-	۲	شهید بهشتی ساری	-	-	-	-	-	-	۲
فرزانگان کرج	-	-	۱	-	-	-	۱	شهید بهشتی شهرکرد	-	-	-	-	-	-	۲
فرزانگان کرمان	-	۱	۱	-	-	-	۸	شهید دستغیب شیراز	-	-	-	-	-	-	۸
فرزانگان مشهد	-	۲	-	-	-	-	۳	شهید پایانی فزوین	-	-	-	-	-	-	۳
فرزانگان همدان	-	-	۱	-	-	۱	۱	شهید قدوسی قم	-	-	-	-	-	-	۱
قویولدگان سمپاد(دخت)	۴	۱۳	۱۲	۴	۱	۵	۳۹	شهید سلطانی کرج	-	-	-	-	-	-	۹
قویولدگان بران(دخت)	۳۲	۱۴	۱۶	۵	۱	۵	۷۳	علامه جلی کرمان	-	-	-	-	-	-	۵
قویولدگان سمپاد(پسر)	۱	۱۶	۱۱	۳۲	۲۴	۲۹	۱۱۳	شهید بهشتی کرمانشاه	-	-	۱	-	-	-	۲
قویولدگان بران(پسر)	۷	۱۹	۲۲	۳۹	۳۲	۳۵	۱۵۴	شهید بهشتی گرگان	-	-	۱	-	-	-	۲
کل قویولدگان سمپاد	۱۵۲						۷	شهید هاشمی نژاد مشهد	-	-	۲	۱	-	-	۷
کل قویولدگان ایران	۲۲۷						۱	علامه جلی همدان	-	-	۱	-	-	-	۱
							۱	شهید صدوقي بزد	-	-	-	-	-	-	۱

## ● ایران در آوردگاههای علمی جهانی دانشآموزی سال ۱۳۸۲

### □ ریاضی

بیستمین و بیشترین حضور جوانان ما در چهل و دومین المپیاد ریاضی دانشآموزی در ژاپن بود که در روزهای ۱۶ تا ۲۸ تیرماه برگزار شد. در این مسابقات ایران به کسب رتبه ۱۷ قناعت نمود، ۳ مدال نقره (احمد پیوندی، محمد عباس رضابی و حسام مهدوی فر) ۱ برنز (محمدامین خواجه نژاد) و یک دیبلم افتخار (نیما نورشمس) دست آورد این سفر بود. (جدول ۱۱)

### □ کامپیوتر

قبل‌با خاطر مسئله انگشت نگاری توسط آمریکانیها هیئت امناء باشگاه تصویب نموده بود تیم کامپیوتر در یک مسابقه منطقه‌ای اروپائی شرکت کند. این شرکت با نتایج خوبی همراه بود. لذا همه طلای کشوریها شرکت داده شدند و قرار شد در صورت کسب مدال از معافیت خدمت وظیفه همه برخوردار شوند. ۵ نقره (۳ نقره از شهیداژهای و دو نقره هم از علامه حلی تهران و روزبه) تیم ایران را در مقام دوم مسابقات منطقه‌ای اروپا در آلمان قرار داد. امسال دوازدهمین حضور تیم ملی المپیاد کامپیوتر در مسابقات جهانی بود. (جدول ۱۱)

### □ زیست‌شناسی

پنجمین حضور تیم ایران در چهاردهمین المپیاد زیست‌شناسی در روسیه سفید (مینسک) برای ایران رتبه نهم را به مراد داشت. تیم ایران در این مسابقات موفق به کسب ۳ مدال نقره و یک برنز گردید. جدول ۱۱ مراکز و افراد برگزیده را نشان می‌دهد.

### □ فیزیک

بعد از المپیاد ریاضی بیشترین حضور ایران در المپیاد جهانی فیزیک بوده است. پانزدهمین حضور ایران درسی و چهارمین المپیاد فیزیک دانشآموزی کسب رتبه چهارم را برای ایران به ارمغان آورد. در حالیکه در سه المپیاد قبلی دانشآموزان ایرانی امسال رنگ طلا را بخود ندیدند در این المپیاد با ۲ طلا و ۳ نقره در تایوان توانمندی خوبیش را در بین ۵۴ کشور شرکت کننده به اثبات رساندند. (جدول ۱۱)

### □ شیمی

در دوازدهمین حضور ایران در سی و پنجمین المپیاد شیمی در یونان پریارترین و بهترین نتیجه را داشت. تیم ۴ نفره ایران با کسب ۳ مدال طلا و یک نقره بر روی سکوی دوم جهان بعد از چین قرار

جدول ۱۱- برندهای مدار طلای کشوری در پنج المپیاد و همینطور نتایج اعضاء تیمهای ملی برای سال ۱۳۸۲

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	مرکز	مدار جهانی	المپیاد
۱	صادق بلوکی	اهواز	شهید بهشتی	□	ریاضی
۲	احمد پیوندی کاربزیداقی	مشهد	امام رضا	نفره	
۳	محمد امین خواجه‌نژاد	اصفهان	شهید ازهای	برنز	
۴	محمدعباس رضائی	تهران	علامه حلی	نفره	
۵	حیدر سبحانی خاکستر	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	□	
۶	محمد قراخان	شهری	شهید بهشتی	□	
۷	حسام مهدوی فر	شهری	شهید بهشتی	نفره	
۸	سید غلام‌حسین مهیمنی امامزاده	تهران	علامه حلی	برنз	
۹	وحیدرضا نصیریان	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	□	
۱۰	نیما نورشمس	کرج	شهید سلطانی	دیپلم افتخار	
۱۱	شايان اويس قرن	اصفهان	شهید ازهای	نفره	* کامپیووتر
۱۲	سیاوش رهبرنوده‌ی	تهران	علامه حلی	نفره	
۱۳	مرتضی زادی مقدم	آمل	شهید بهشتی	□	
۱۴	سید امین سیدی رشخوار	اصفهان	شهید ازهای	نفره	
۱۵	کیان میرجلالی	اصفهان	شهید ازهای	نفره	
۱۶	محمد نوروزی	تهران	روزبه	نفره	
۱۷	گلناز آغازاده تبریزی	اصفهان	فرزانگان امین	نفره	زیست
۱۸	زهرا ارمی رودمعجنی	قم	فرزانگان	□	
۱۹	بهزاد امین‌زاده	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	برنز	
۲۰	امیر خسروی	شیراز	شهید دستغیب	نفره	
۲۱	بیتا عباسی	مشهد	فرزانگان	نفره	
۲۲	حسن کنگرانی فراهانی	تهران	علامه حلی	□	
۲۳	آرمان اکبریان کلچاهی	تبریز	شهید مدنی	طلای	فیزیک
۲۴	مرتضی حکیمی سینی	شهری	شهید بهشتی	نفره	
۲۵	اوین عماد	شیراز	شهید دستغیب	□	
۲۶	هادی فاطمی شریعت‌بناهی	تهران	روزبه	طلای	
۲۷	فرشید قاسمی	تهران	علامه حلی	نفره	
۲۸	مانی کاشیان‌فرد	کرج	شهید سلطانی	نفره	
۲۹	محمد صادق کاویانی	تهران	انرژی اتمی	□	شیمی
۳۰	حامد ثانی خانی	کرج	شهید سلطانی	طلای	
۳۱	محمد رشیدیان	کرج	شهید سلطانی	نفره	
۳۲	آذین شهاب	تهران	فرزانگان	□	
۳۳	حسین صادقی اصفهانی	کرج	شهید سلطانی	طلای	
۳۴	نوافرائی	کرمان	شهید ابرانمش	طلای	
۳۵	فرید موحدی نائینی	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	□	

دانش آموز از مراکز سمپاد

□

\* تیم ملی المپیاد کامپیووتر به علت مسئله انگشت‌نگاری و ممانعت آمریکانیها در دهمین دوره مسابقات منطقه اروپای مرکزی با هر شش طلای کشوری شرکت نمود که براساس جمع امتیازات ۴ نفر اول تیم، رتبه دوم را در این مسابقات کسب نمود.

گرفت و تایلند سوم شد. در این تیم ۲ طلا و یک نقره را شهیدسلطانی کرج و طلای دیگر را دانش آموز پر تلاش نوازهای فرزانگانی کرمان که به علت وقفه تحصیلی مجاز به تحصیل در پیش دانشگاهی فرزانگان کرمان نبود بست آورد. (جدول ۱۱)

□ در المپیادهای جهانی سال ۱۳۸۲، امسال بجای ۲۳ نفر، ۲۵ نفر شرکت داشتند که موفق به کسب ۵ طلا، ۱۵ نقره و ۳ برنز شدند. سهم سمپاد از این موفقیت‌ها ۴ طلا، ۱۳ نقره و ۳ برنز بود. با آرزوی موفقیت برای همه عزیزانمان.

### سمپاد و کنکور ۱۳۸۲

امسال نتایج کنکور سراسری یک در هم ریختگی مطلوب داشت، یعنی در حالیکه داوطلبان منطقه ۱ کنکور رتبه‌های برتر خود را تغییرناپذیر می‌دانستند، منطقه ۲ سه رتبه اول ۳ گروه ریاضی فیزیک، تجربی و هنر را به خود اختصاص داد. در کسب رتبه اول هم شهرستانهای سمپاد گل کاشتند. فرزند یک جانباز از فرزانگان بابل بر قله گروه علوم تجربی قرار گرفت و تهرانی‌ها را دوم کرد و فرزند شهیدی از شهید بهشتی اردبیل نیز در مرتبه اول کنکور ریاضی - فیزیک ایستاد. در یک سال، ۴ فرزند شهید جزء ۲۳ نفر تیمهای ملی المپیادهای ایران قرار داشتند و امسال نیز دو نفر که باید سهمیه‌ای باشند، برتر از همه داوطلبان توانمندی خویش را نشان دادند شاید برخی از یاوه سرایان کوتاه بیایند. فرزانگان تهران هم به آلبوم افتخارات خود نفر اول علوم انسانی را نیز اضافه نمود. شهید بهشتی زنجان و کرمانشاه هم رتبه دوم و سوم زبان را به خود اختصاص دادند.

در مجموعه ده نفر اول رشته‌های مختلف کنکور جمماً ۱۸ سمپادی از شهید بهشتی اردبیل، فرزانگان بابل، فرزانگان و علامه حلی تهران، شهید بهشتی زنجان، کرمانشاه، بروجرد و ساری، فرزانگان آمل، شهید ازهای اصفهان، شهید هاشمی نژاد مشهد، شهید دستغیب شیراز، میرزا کوچک خان رشت و شهید مدنی تبریز حضور داشتند. (جدول ۱۲)

اطلاعات دریافتنی از مراکز تاموقع تدوین مقاله به گونه‌ای نبود که کل دورقمی‌های کنکور سراسری را اعلام کنیم ولی براساس اطلاعات محلی در کنکور امسال تنها شهید بهشتی و فرزانگان بابل، ۸ برگزیده ۲ رقمی داشته‌اند (که به احتمال قوی در رقابت با منطقه یک عمدهاً با جابجایی مختصری دست نخورده مانده‌اند).

جدول ۱۲ - رتبه‌های اول تا دهم پذیرفته شدگان کنکور سراسری سال ۱۳۸۲ از مراکز سمپاد

نام و نام خانوادگی	دیبرستان	شهر	رشته	رتبه در کنکور سراسری
رضا پورابوالقاسم	شهید بهشتی	اردبیل	ریاضی	اول
پریسا یوسف پورقصاب	فرزانگان	بابل	تجربی	اول
فاطمه حمزی عابدی	فرزانگان	تهران	انسانی	اول
البرز شرافتی	علامه حلی	تهران	تجربی	دوم
سیدمسعود صدرالاشرافی	شهید بهشتی	زنجان	زبان	دوم
نوید شریفی	شهید بهشتی	کرمانشاه	"	سوم
فاطمه جوادی زرنقی	فرزانگان	قم	تجربی	سوم
سیدمحمد رضا داودالحسینی	شهید ازهای	اصفهان	ریاضی	سوم
سروناز پارسا	فرزانگان	تهران	"	پنجم
مازیار حمدی	شهید بهشتی	بروجرد	"	ششم
الهام پیروز	فرزانگان	آمل	تجربی	ششم
امیرحسین مدیریا	میرزا کوچک خان	رشت	"	هفتم
مسعود تاج فرد	شهید بهشتی	سبزوار	ریاضی	هفتم
محمد نقشوار	شهید بهشتی	ساری	"	هشتم
محمدعلی نیکو	شهید دستغیب	شیraz	تجربی	هشتم
امیر نوروز پور	شهید هاشمی نژاد	مشهد	"	نهم
روزبه تبریزیان	علامه حلی	تهران	ریاضی	نهم
سیدپیام علیپور متعلم	شهید مدنی	تبریز	"	دهم

○

○

○

## ابهامات تشخیص و نخبگی تحصیلی

بحث ویژه: یکپارچه‌سازی آموزشی و پرورش نخبگی تحصیلی  
«مطالعه راهبردی»

ناصرالدین کاظمی حقیقی

### چکیده

علاوه بر ابهامات مفهومی، سوء تعابیر ارزشی و تنوع تیزهوشی دو ابهام دیگر نیز امر تشخیص را دچار نارسایی و محدودیت می‌کند: مسأله نخبگی در اقلیتها و نشانگان اختلالی. اما تشخیص نخبگی تحصیلی هیچ یک از این نارساییها را ندارد. رقابت‌طلبی و خودباوری تحصیلی از خصایص اساسی نخبگی تحصیلی محسوب می‌شود و شرایط را برای فشردگی دوره تحصیلی از طریق کلاسهای همگن با معلمان ویژه فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد که می‌توان از طریق تحقق کلاسهای همگن به پرورش نخبگی تحصیلی پرداخت و تنگنایی مربوط به مهارت‌های زندگی واقعی و هوش عملی را برطرف ساخت.

**کلید واژه‌ها:** پرورش، تشخیص، مبانی، نخبگی تحصیلی، خودباوری، رقابت، تسریع تحصیلی، هوش عملی.

○ ○ ○

### نخبگی و تیزهوشی

شناسایی و تشخیص تیزهوشی، قلمروی ضروری در امر آموزش و پرورش نخبگان محسوب می‌شود. پیش از این در جای خود بیان گردید که علی‌رغم پیشرفت‌های درخشان روان‌شناسی نخبگی وجود شاخصهای معتبر و نیرومند، کماکان ابهاماتی بنیادین حداقل در سه حوزه وجود دارد که امر تشخیص را دچار محدودیت می‌سازد: ابهامات مفهومی، سوء تعابیر ارزشی و غفلت

از تنوع تیز هوشی. هنوز اجماع و توافقی اساسی در تعاریف وجود ندارد؛ ملاحظات فرهنگی و ارزشی هر جامعه‌ای در درک و شناسایی نخبگی تأثیر می‌گذارد و سرانجام انواع مهم تیز هوشی به خوبی شناخته نشده‌اند.

ثرمه وجودی چنین ابهاماتی، غفلت بزرگ و نگران‌کننده‌ای است که دامنگیر امر تشخیص نخبگان شده است و جامعه بشری را از بهره‌گیری از خیل عظیم تیز هوشان نهفته، محروم ساخته است.

مطالعات جدید در حوزه نخبگی و تیز هوشی چون گذشته، تلویحاً یا تصريحاً بر وجود برخی ابهامات دیگر تأکید می‌ورزند. در این بخش به دو پدیده‌ای که در امر تشخیص، هاله‌ای از ابهام ایجاد می‌کنند، اشاره می‌نماییم:

#### الف) مسئله نخبگی در اقلیتها

مدتهاي مدید در محافل تخصصي، برتری نژادی هوش يك تصور و پنداش غالب بود؛ اما دستاوردهای پژوهشی به تدریج پایه‌های لرزان این تصور را روشنتر ساختند. در نتیجه توجهات محافل مزبور به سوی شناسایی و کشف انواع نخبگی در اقلیتهاي نژادی معطوف گشت. توجهات ياد شده پس از مدتی گسترشی جهانی یافت و جوامع فراصنتی در جذب نخبگان از ممالک كمتر توسعه يافته و اقشار اقلیت نژادی، قومی و غيره از يكديگر پيشي گرفتند.

اکنون اين کوششها در قالب شناسایي و جذب نخبگان جوامع و اقشار اقلیت ريشه‌هایي مستحکم يافته و با جديت تمام روبه گسترش است. بنابراين بخش قابل ملاحظه‌اي از پژوهشها و تحقیقات در حوزه تشخیص، به روش‌های کشف و شناسایي نخبگی در میان اقلیتها می‌پردازند. چنان‌که پيش از اين ياد شده است:

«تدابير تشخيص در گروههای اقلیت نژادی و قومی مبتنی بر گسترش و بهینه‌سازی روشهای ارزشیابی و کوششهاي کارکنان مدرسه، در پایه‌های تحصیلي دو تا پنج منجر به هشتادويك درصد افزایش در جذب و تشخيص تیز هوشان اقلیت شده است».<sup>(۱۵)</sup>

«اصلاح و بهسازی روشها و منابع تشخيص می‌تواند به شناسایي گستره‌تر و رواتر منجر گردد. اگر تداول و رواج قابل ملاحظه منبع معلم را - على رغم اعتبار اندک آن - در امر تشخيص پذيريم، به نظر می‌رسد که اصلاح روشها و منابع تشخيصي - بویژه آنچه مربوط به معلم و کارکنان مدرسه می‌شود - دليل افزایش بسيار قابل ملاحظه مزبور بوده است. استنتاج ديگر آن است که تفاوت‌های قومی و نژادی هوشی باید مورد بازنگری قرار گيرد.

ظاهرآ تفاوتهای مزبور از منابع تشخیص ناشی می‌شوند و بیانگر تصویری واقع بینانه و روشن از توزیع بالقوه هوش در گروههای اقلیت قومی، نژادی و فرهنگی نیستند. به نظر می‌رسد که منابع تشخیصی رسمی (نظیر معلم) اساسی‌ترین عامل غفلت از وجود تیزهوشان در جوامع اقلیت بوده‌اند؛ بویژه اگر این منابع عضو جوامع اقلیت محسوب نشوند. نتیجه آن که تشخیص در گروهها و جوامع اقلیت مستلزم کاربرد روشها و منابع اقتضایی و مناسب (بویژه والدین) است.<sup>(۱)</sup>

در اینجا به نتایج دو پژوهش جدید اشاره می‌شود:

«یک گروه مرکب از دویست و پنجاه و هفت کودک و دانش‌آموز پیش دبستانی و پایه‌های دوم، چهارم و پنجم از بومیان سرخپوست و آمریکاییان مکزیکی تبار بررسی گردیدند. شناسایی براساس «ماتریسهای ریون» انجام شد و نتایج نشان داد که بالغ بر ۲۲/۹ درصد دانش‌آموزان اقلیت به عنوان تیزهوش تشخیص داده شدند. تفاوتهای جنسیتی، معنادار نبود». <sup>(۱۱)</sup>

«طرح کودکان تیزهوش اقلیت به منظور ارتقای پرورش شناختی و تحصیلی کودکان پیش دبستانی در یکی از مناطق نیوجرسی در ایالات متحده به کار رفت. بیش از پایه‌ریزی این طرح، در هیچ مدرسه منطقه مزبور برای شناسایی نخبگان اقلیت، اقدامی نمی‌شد. فقط دو دهم درصد کودکان ورودی به نخستین پایه ابتدایی به عنوان تیزهوش شناسایی می‌شدند اما پس از اجرای این طرح، میزان کشف و شناسایی به ده برابر افزایش یافت و دورصد کودکان به عنوان تیزهوش شناسایی گردیدند.

این روش تشخیص از حیث کارایی اقتصادی در تقلیل هزینه‌ها نیز مفید بود». <sup>(۴)</sup>

چنان‌که استنباط می‌شود تلاش جدی راهبرد اکتشافی مزبور معطوف به بهسازی روشها و ابزارها با تأکید ویژه بر مقطع پیش دبستانی است.

همان‌گونه که مطالعات مزبور نشان می‌دهند بهسازی روشها با تأکید بر آماده‌سازی تشخیصی معلمان، بهره‌دهی تشخیصی را در حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است.

#### ب) نشانگان اختلالی

وجود برخی اختلالات شناختی و رفتاری در کودکان تیزهوش، نخبگانی آنها را دچار تردید می‌سازد.

«تاکنون نارسایهای یادگیری در حوزه کلامی برای برخی نخبگان یادشده است:

- مشکل در بذل توجه و ناتوانی در تمرکز کلامی، -۲- ضعف در نگهداری و یاددازی،
- نارساخوانی و نقصیه در تلفظ واژه‌ها، -۴- نارسانویسی و ضعفهایی اساسی در تکالیف

کتبی، ۵- مشکلات خاص در برخی موضوعات و موارد درسی<sup>(۱)</sup>.

مطالعات جدید به تشابه رفتاری دانش آموzan بسیار تیز هوش با دانش آموzan دارای ناتوانی یادگیری توجه کرده‌اند.

«ابعاد رفتاری و توجهی و تاریخچه خانوادگی در چهار گروه مورد مطالعه قرار گرفت:

الف) هشتاد و هفت پسر بسیار تیز هوش با هوش بیرون ۱۴۰ تا ۱۵۴؛ ب) یک گروه در طیف هوشی ۱۲۴ تا ۱۳۹؛ ج) یک گروه دارای ناتوانی یادگیری؛ د) یک گروه عادی به عنوان گروه گواه. یافته‌ها نشان داد که پسران با تیز هوشی بالا سطوحی از مسائل رفتاری را نشان دادند که شیوه ناتوانی یادگیری است؛ در حالی که گروه دوم (با هوش بیرون ۱۲۴ تا ۱۳۹) به طرز معنadarی سطوح پایینتری از مسائل رفتاری پسران ناتوان یادگیری را نشان می‌دهند. این یافته از تنوع و گوناگونی جامعه تیز هوشی، حمایت می‌کند».<sup>(۲)</sup>

بنابراین امکان دارد در دانش آموzan بسیار تیز هوش، اختلال یادگیری نیز وجود داشته باشد. محتمل است ریشه این اختلال، از نارساییهایی در امر توجه نشأت یابد که مورد اشاره دسته‌ای از مطالعات قرار گرفته است. در این پژوهشها به پدیده «نارسایی توجه همراه با بیش فعالی<sup>۱</sup> در میان گروهی از تیز هوشان خردسال اشاره شده است:

«برخی از دانش آموzan با ناتوانی فوق العاده بالا برای بروز رفتارهای اجرایی، تکانشی، بیش فعالی و نقیصه‌هایی در امر توجه، ارجاع داده می‌شوند. چنین مسائل رفتاری در میان خردسالان تیز هوش روند روبه افزایشی دارد. به نظر می‌رسد برخی شرایط محیطی در نشأت‌گیری با تأثیر بخشی بر رفتارهای مشابه با «نارسایی توجه همراه با بیش فعالی» در میان دانش آموzan بسیار توانمند مؤثر است».<sup>(۲)</sup>

پدیده «نارسایی توجه همراه با بیش فعالی» اشاره به تحرک شدید و فوق العاده کودک دارد که توأم با نقیصه‌ی در امر توجه است. بی‌تردید ماهیت هوش و نخبگی، اقتضای تحریک پذیری را می‌کند تا جایی که نخستین شاخصهای نخبگی در دوران خردسالی، نوزادی و حتی بارداری جنبه حرکتی دارد. بنابراین شگفت آور نخواهد بود که در میان برخی از تیز هوشان خردسال، بیش فعالی همراه با اختلال توجه را شاهد باشیم.

براساس یافته‌های پژوهشی فوق به نظر می‌رسد که نکات زیر را باید مورد توجه قرار داد:

۱- نارساییهای موجود در امر توجه و یادگیری احتمالاً به نوع نخبگی مربوط می‌شود.

۲- وجود چنین اختلالات و رفتارهای متأثر از آنها ممکن است در امر تشخیص نخبگی بویژه برای مبتدیان امر تشخیص فراهم آورد.

۳- نقایص در امر توجه و یادگیری، احتمالاً جنبه موضوعی دارند و گستره مواد تحصیلی و درسی را تحت شمول قرار نمی‌دهند؛ بنابراین تدابیر آموزشی موضوعی و جبرانی، راهبرد مناسبی برای برطرف سازی نقایص مزبور می‌باشد.

بر این اساس بیشترین نارسایهای تشخیصی مربوط به جوامع اقلیتی می‌شوند که از نخبگان با مشابهتهای رفتاری اختلال یادگیری و علایم اختلال توجه تومأم با پیش فعالی برخوردارند و اگر سه ابهام پیشین (ابهامات مفهومی، سوء تعبیر ارزشی و غفلت از تنوع تیزهوشی) را بر آن بیفزاییم، گستره عظیمی از نخبگان در سنین مختلف در هاله‌ای از ابهام و غفلت قرار می‌گیرند و هیچ گاه شناسایی نمی‌شوند. بنابراین باید بهسازیهایی در جنبه‌های زیر انجام یابد:

۱- تعاریف هرچه روشنتر و دقیقتر باشند، تشخیص را معترضتر می‌سازند.

۲- مبانی مفهومی تشخیص از سوء تعبیر فرهنگی و ارزشی پیراسته شوند و دیدگاههای عموم مردم نسبت به ماهیت پدیده نخبگی و تیزهوشی، بهبود یابد.

۳- این تصور و پندار حاکم از محافل تخصصی و افکار عمومی زدوده شود که صرفاً دو یا تعداد محدودی از نخبگی و تیزهوشی در عالم بشریت وجود دارد. بلکه آمادگی برای پذیرش انواع و اقسام نخبگی به وجود آید که بسیاری از آنها در آینده کشف خواهند شد.

۴- بسیاری از نخبگان در جوامع اقلیت (نژادی، قومی، فرهنگی) نهفته‌اند که با بهسازی شیوه‌ها و ابزارهای تشخیصی، کشف خواهند شد.

۵- این امکان درک شود که برخی از نخبگان، نشانه‌ها و رفتارهایی مشابه افراد نیازمند به خدمات روان درمانی بروز می‌دهند. چنین نشانه‌ها و رفتارهایی، نخبگی افراد مزبور را دچار غفلت و بی توجهی قرار ندهد.

### نخبگی تحصیلی: ویژگیهای، تنگناها و آموزش ویژه

نخبگی تحصیلی به منزله نوعی تیزهوشی، ساختار شخصیتی، نگرشی و گرایشی ویژه‌ای است که توانایی بسیار برجسته‌ای در یادگیری کلیه مواد آموزشی رسمی فراهم می‌آورد.

یکی از ویژگیهای قابل ملاحظه نخبگان تحصیلی، رقابت‌طلبی تحصیلی است. به طور کلی بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش آموzan تیزهوش از محیط‌های یادگیری غیر رقابتی یعنی فضاهای همیارانه استقبال می‌نمایند و حتی آموزش همسالی را نیز ترجیح می‌دهند. چنان که در یکی از

### مطالعات تأکیدگر دیده است که:

«بیشتر تیزهوشان شش تا هجده ساله، تدریس خصوصی توسط همسالان را برای بروز و نمایاندن تفاوت‌های فردی در قابلیت‌های بالقوه، از تسریع تحصیلی و غنی‌سازی، مناسبتر (۱۴) می‌دانند».

از سوی دیگر می‌دانیم که معمولاً یادگیری و تحصیل علم برای نخبگان حتی از سنین پایین از اصالت ذاتی برخوردار است. ارتقا در مقاطع تحصیلی گوناگون اگر از ارزشگذاری درونی بهره داشته باشد، متعلق به نوعی خاص از نخبگی یعنی نخبگی تحصیلی است. آنها با اقدامات منظم و هدفمندیهای ویژه از شرایط رقابت آمیز در محیط تحصیلی استقبال می‌کنند.

بنابراین یادگیری رقابت آمیز در برابر یادگیری تعاونی و همیارانه قرار می‌گیرد. دستاوردهای پژوهشی جدید نیز به میزان نگرش و ارجحیت تیزهوشان به امر یادگیری رقابت آمیز و تعاونی توجه نموده‌اند:

«در یک مطالعه نگرش دانش‌آموزان تیزهوش تحصیلی نسبت به یادگیری همیارانه بررسی شد. نتایج مطالعه در بیست و هشت کلاس از پایه‌های ششم تا هشتم نشان داد که دانش‌آموزان غیر تیزهوش نگرش مثبت‌تری از تیزهوشان تحصیلی نسبت به یادگیری تعاونی دارند. علاوه بر آن در این مورد بسیان بیش از دختران نگرش مثبت نشان می‌دهند. اما این فرضیه تأیید نشد که تیزهوشان بیش از غیر تیزهوشان به کلاسهایی که روش همیاری را به کار نمی‌برند، نگرش مثبت نشان می‌دهند». (۸)

«رقابت نقش مهمی در زندگی نوجوانان تیزهوش ایفا می‌کند. در این مطالعه، یک گروه یازده نفری از دختران بسیار موفق در تحصیل، نقش رقابت را در زندگی تحصیلی و اجتماعی خود توصیف نمودند. آنها یک نیمrix رقابت آمیز را در زندگی تحصیلی نگاه داشته بودند؛ اما در ضمن روابط اجتماعی و دوستیهای خویش را نیز حفظ کرده بودند. رقابت از دیدگاه آنها یک رفتار منفی تلقی می‌شد و آنها ترجیح می‌دادند از واژه و اصطلاح جایگزین برای توصیف فعالیتهای رقابتی بهره گیرند». (۹)

نتایج تلویحی مطالعات فوق حاکی از آن است که گرچه رقابت از دیدگاه گروهی از دختران تیزهوش امری منفی قلمداد می‌گردد، اما آنها یادگیری غیر تعاونی را ترجیح می‌دهند.

از سوی دیگر می‌دانیم که آمادگی دانش‌آموزان نخبه برای ورود به شرایط رقابت آمیز و محیط‌های هماورده طلبانه بستگی به وجود خودبازی نیرومند دارد. ضعف در خودبازی میزان رقابت طلبی را کاهش می‌دهد. بنابراین رقابت‌های تحصیلی وابسته به سطح خودبازی فرد در امر

## تحصیل است. مطالعات آشکار می‌کنند که خودباوری نخبگان در حوزهٔ تحصیلی از لحاظ جنسیت تفاوت دارد:

«در یک مطالعه برداشت دانشآموزان تیزهوش و معلمان آنها از توانایی در ریاضیات، علوم، هنرهای زبانی و مطالعات اجتماعی از لحاظ جنسیت مقایسه گردید. یک نمونه مرکب از پنج هزار و سیصد و هشتاد و پنج دانشآموز پایه چهارم تا هشتم تحصیلی که از دیدگاه معلمانتشان، تیزهوش و مستعد تشخیص داده شده بودند، در یک مطالعه شرکت داشتند. معلمان به طرز استواری به دختران نمره بالاتری در تلاش و کوشش داده بودند. از نظر معلمان، دختران و پسران در همهٔ تواناییها، مشابه بودند؛ جز مهارت‌های زبانی که برتری از آن دختران بود. اما از نظر خود دانشآموزان، تفاوت جنسیتی وجود داشت: دختران دانشآموز به توانایی خویش در هنرهای زبانی بیش از پسران نمره داده بودند. در عوض پسران در ریاضیات، علوم و مطالعات اجتماعی توانایی خود را برتر می‌دانستند.<sup>(۱۳)</sup>

بی تردید خودباوری تحصیلی از نقشی محرز در پیشرفت تحصیلی برخوردار است. براساس دستاوردهای فوق به نظر می‌رسد که پیشرفت تحصیلی برتر پسران در حوزه‌های ریاضیات، علوم محض و مطالعات اجتماعی ناشی از خودباوری برتر آنها در این حوزه‌هاست و از سوی دیگر، نتایج درخشان دختران تیزهوش در قلمرو مهارت‌های کلامی و زبانی ناشی از خودباوری نیرومند آنها باشد.

برای نخبگان مؤنث چنین شرایط روانی و تحصیلی خالی از تنگنا و تشویش روانی نیست. بخشی از تعارض درونی نخبگان مؤنث به همین امر باز می‌گردد؛ از سویی به اقتضای طبیعت جنسیت مؤنث، حساسیت به روابط اجتماعی و عاطفی اولویت می‌یابد؛ اما از سوی دیگر مقتضیات نخبگی آنها را در شرایط هماوردهایی کلامی و زبانی ناشی از خودباوری نیرومند از این رو، امر رقابت برای گروهی از نخبگان مؤنث پدیدهای منفی تلقی می‌گردد.

به نظر می‌رسد که حتی در میان دختران با نخبگی تحصیلی نیز چنین تعارض ذاتی وجود دارد. چنین تعارضهایی گویای آن است که به ویژه نخبگان تحصیلی بدون پرورش خاص از آمادگیهای کافی برای مهارت‌های عملی در زندگی برخوردار نیستند. در حالی که بسیاری از والدین و مربیان نوجوانان تیزهوش می‌پندازند که نخبگی و توانمندی تحصیلی ملازم با قابلیتهای عملی در زندگی واقعی است. حال آن که مهارت‌های عملی در زندگی واقعی نیازمند آمادگیهای خاصی است که باید از طریق تدابیر شایسته پرورشی فراهم آید. یکی از تازه‌ترین دستاوردهای

پژوهشی مجدداً استقلال این دو حیطه را مورد تأکید قرار داده است:

«با استناد بر مفهوم هوش عملی (به زعم اشتربنرگ) تواناییهای عملی نوجوانان تیزهوش در ارتباط با تواناییهای تحصیلی بررسی گردید. نتایج اجرای در پرسشنامه بر روی دویست و نود و شش دانشآموز تیزهوش و عادی پایه هشتم در سنگاپور و مصاحبهای بالینی نشان داد که یک رابطه حاشیه‌ای میان تواناییهای عملی و تحصیلی وجود دارد. به نظر می‌رسد در ورای زندگی تحصیلی، نیل به یک «گشتالت» در معنابخشی به زندگی تیزهوشان، ضرورت دارد.»<sup>(۵)</sup>

بنابراین نظام پرورشی و تربیتی خاص برای نخبگان تحصیلی به منظور نیل به مهارتهای اجتماعی در روابط و رفتارهای اقتصادی با محیطهای گوناگون زندگی، امری اجتناب‌ناپذیر است. این مطالعات شواهدی استوار و مستحکم در حمایت از تفکیک نظام پرورشی نخبگان از رفتار عادی است.

تحقیق این مهارتهای عملی در زندگی واقعی و آمادگیهای مربوطه، تجلی و شکوفایی نخبگی تحصیلی را مساعدتر می‌سازد و کوشش‌های آموزشی ویژه را برای ارتقا و رشد نخبگی تحصیلی ثمریخش تر می‌نماید.

تاکنون نشان داده شده است که تسريع تحصیلی یکی از محبوبترین و مؤثرترین برنامه‌های آموزشی جهت رشد نخبگی تحصیلی است (گرچه برای رشد بیشتر نخبگیها، اقدامی بیهوده و ناکار است). دستاوردهای پژوهشی جدید بر «آماده سازی معلمان به منظور تعديل و انعطاف برنامه آموزش (بویژه تسريع تحصیلی) در کلاسهای همگن» تأکید می‌ورزند:

دگرگونی شیوه کار کلاسهای عادی برای سازگاری با دانشآموزان تیزهوش مقتضی تربیت معلمانی است که مواد درسی متفاوتی را برای تیزهوشان در کلاسهای عادی عرضه کنند. هشت مدیر، هفتاد و چهار معلم، هفده ناظر تعلیماتی و هجده مسؤول اجتماعی تحت تدبیر آماده سازی قرار گرفند. پس از دو سال اجرای آزمایشی، بیشتر معلمان به دگرگونیهای مورد نظر نایل آمدند. تغییرات مربوط به فعالیتهای تخصصی در کلاس از طریق مصاحب، یادداشتهای موردنی، بازدیدهای رسمی و غیررسمی و بررسی نهایی تغیین گردید. شرکت کنندگان در دوره و طرح مزبور، فعالیتهای مربوط به رشد شغلی و حرفة‌ای را فوق العاده مفید قلمداد کردند.»<sup>(۶)</sup>

سیاست اصلاحات انعطافی کلاسهای عادی برای دانشآموزان تیزهوش یکی از راهبردهای آموزشی بدون تفکیک است و آن مبتنی بر آمادگیهای کافی در تغییر مواد درسی، موضوعات،

معلمان، مدیریت و خانواده‌هاست. این سیاست باید به طور آزمایشی و مقطعی و مهار شده به کار رود و سپس در شرایط مقتضی و مناسب تعمیم یابد.

علاوه بر آن فشردگی دوره تحصیلی یکی از سازگاریهایی است که برای نیازهای دانش‌آموzan با توانایی بسیار بالا پیشنهاد شده است:

«در یک مطالعه، اثرات فشردگی دوره تحصیلی بر روی نمرات پیشرفت تحصیلی یک نمونه ملی مرکب از سیصدوسی و شش دانش‌آموز بسیار توانمند در کلاس‌های دوم تا هشتم بررسی شد.

دوره فشرده، یک راهبرد آموزشی برای حذف مواد تحصیلی است که تحت تسلط و چیرگی دانش‌آموز قرار گرفته و جای خود را به فعالیتهای یادگیری مستنابت‌تر می‌دهد. معلمانی از سه گروه مداخله‌ای و گواه در این مطالعه تجربی شرکت داشتند. آنها یک یا دو دانش‌آموز بسیار توانمند برگرداند که پیش از آموزش از تسلط کافی بر محتوا برخوردار بودند. شرایط چنین دانش‌آموزانی به گونه‌ای بود که امکان حذف تا پنجاه درصد محتویات نیز وجود داشت.

پیشرفت تحصیلی قبل و بعد از اجرای آزمایشی با استفاده از «آزمون مهارتهای پایه‌ای آیوا» و یک مقیاس مربوط به یک پایه تحصیلی بالاتر، بررسی گردید. نتایج نشان داد که نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که دوره فشرده را طی کرده بودند با سایر دانش‌آموزانی که این دوره فشرده را نگذرانده بودند، تفاوتی نداشت.

گرچه بیشتر مریان معتقدند که سازگاری با دوره تحصیلی باید برای دانش‌آموzan مسلط بر حیثه انجام گیرد، اما مطالعات پیشین آشکار ساخته‌اند که در اغلب کلاس‌های عادی، سازگاریهای واقعی ناچیزی وجود دارد یا اصلاً یافت نمی‌شود.

فشردگی دوره تحصیلی یکی از سازگاریهایی است که برای نیازهای دانش‌آموzan با توانایی فوق العاده پیشنهاد شده است و مطالعه مزبور، شواهد و مدارک مستند این بهره‌گیری را نشان می‌دهد. نتایج این مطالعه، تردیدهای مریان و دست اندرکاران را در این مورد کاهش می‌دهد؛ تردیدهایی که مربوط به سازگاریهای دوره و مواد تحصیلی برای نمرات آزمون می‌شود. این مطالعه آشکار می‌کند که معلمان می‌توانند فشردگی دوره را با دانش‌آموzan توانمند انجام دهند؛ بدون آن که از نمرات آزمونهای میزان شده در سطح کشوری بیم داشته باشند. براین اساس ممکن است که تا چهل یا پنجاه درصد محتویات آموزشی عادی برای دانش‌آموzan چهرا و مسلط، حذف شود<sup>(۹)</sup>.

تدبیر فشردگی دوره تحصیلی اگر ثمرات درخشانی در پرورش نخبگی تحصیلی داشته است از آن روی بوده که مصدقه از تسريع تحصیلی محسوب می‌شود و می‌دانیم که کوششهای

آموزشی تسریعی معمولاً برای پرورش نخبگی تحصیلی مؤثر و مفید واقع می‌شود.  
یکی از انواع تسریع<sup>(۵)</sup>، جایده‌ی نخبگان تحصیلی خردسال (پیش دبستانی) در مقاطع  
تحصیلی بالاتر است که علی رغم محرومیتهای اقتصادی چنین خردسالانی، تلاشی درخور بوده  
است:

«اثرات جایده‌ی پنج کودک تیزهوش تحصیلی که دچار محرومیت اقتصادی نیز بودند  
در یک مدرسه ویژه دانش آموzan تیزهوش بررسی شد. اطلاعات مبتنی بر آزمونهای  
پیشرفت و استعداد و اطلاعات کیفی طی نخستین سال تحصیل این استباط را تأیید کرد که  
کودکان مذبور به خوبی و شایستگی جایده‌ی شده بودند. آنها خود را از لحاظ تحصیلی،  
اجتماعی و عاطفی سازگار کرده بودند.

اطلاعات پیگیری حاکی بود که خط مشی تحصیلی دانش آموzan، شش سال پس از  
وروود، سیر پیشرفت آمیزی نشان می‌داد. دانش آموzan مذبور علی رغم محرومیتهای تربیتی،  
از موفقیت تحصیلی برخوردار بودند».<sup>(۳)</sup>

کوشش‌های تسریعی را می‌توان در کلاس‌های ویژه همگن نیز تحقق بخشد. منظور از چنین  
کلاس‌هایی وجود شرایطی آموزشی است که یک کلاس به خودی خود و به گونه‌ ذاتی و درونزا،  
سطح بالا و برتر خود را به طور همگن برای کلیه دانش آموzan حفظ می‌کند و تداوم می‌بخشد.  
دانش آموzan ضعیفتر از سطح مذبور به کلاس‌های عادی انتقال می‌یابند.

دستاوردهای پژوهشی، افقهای امیدوارکننده و خواهایندی را در این زمینه نشان می‌دهند:  
«کلاس‌های خودهمگن<sup>۶</sup>، محیطی مناسب برای یادگیری هماوردهای طلبانه در میان  
دانش آموzan بسیار تیزهوش فراهم می‌کنند. این کلاس ویژه، طی نخستین سال فعالیت  
خویش در یک مدرسه از مناطق نیمه غربی ایالات متحده مورد کاوش و بررسی قرار  
گرفت. دانش آموzan شرکت کننده در این کلاس در پایه‌های چهارم و پنجم اشتغال داشتند.  
هوشیار آنها براساس «آزمون تجدیدنظرشده اسلوسون» در طیف ۱۹۳ تا ۱۹۴۸ بود. نتایج  
بررسی با استفاده از مشاهدات، مصاحبه‌ها، مباحث مقایسه‌ای و یک مقیاس هدف محور  
جمع آوری گردید.

نتایج مذبور روشن کرد که کلاس‌های خود همگن، یک محیط یادگیری پویا به وجود  
آورده است؛ اما واکنشهای افراد به این محیط رقابت آمیز بسیار پراکنده و متنوع بود. چنین  
فضایی، واکنشهای هیجانی و اجتماعی متفاوتی طی سال تحصیل فراهم  
ساخت. براین اساس توصیه می‌شود که ارزشیابی برنامه در آینده باید بر سبب‌شناختی این  
واکنشها معطوف شود».<sup>(۷)</sup>

بر پایه آنچه بیان گردید باید نکات زیر را مدنظر قرار دهیم:

- الف) نخبگان تحصیلی نیازمند برخورداری از کوشش‌های آموزشی ویژه‌ای هستند که از عهده معلمان دانش آموزان عادی برنمی‌آید. از این رو لازم است معلمان برنامه ویژه آموزش نخبگان تحصیلی از آمادگیهای تخصصی کافی برخوردار شوند.
- ب) فشردگی دوره تحصیلی با حذف بخشی از محتویات رسمی آموزشی برای دانش آموزان تیزهوش تحصیلی ثمرات درخشنانی نشان می‌دهد.
- ج) جهش تحصیلی به معنای نوعی تسریع را می‌توان بالحاظ شرایط خاصش برای نخبگان تحصیلی خردسال به کار برد.
- د) دانش آموزان بسیار نججه (به ویژه از نوع تیزهوشی تحصیلی) از فضاهای رقابت آمیز و پویای موجود در کلاس‌های خودهمگن به گرمی استقبال می‌کنند.

### یکپارچه سازی آموزشی و پرورشی نخبگی تحصیلی

کلاس‌های همگن چنان که ذکر شدنوعی تدبیر تسریعی در آموزش است که به خودی خود به گونه‌ای پویا، سطح برتر تحصیلی خویش را حفظ می‌کند و دانش آموزان بسیار قوی در نخبگی تحصیلی رانگه میدارد.

به نظر می‌رسد که از این تدبیر آموزشی می‌توان در امر پرورش نخبگان تحصیلی بهره برد و این اقدام مستلزم طی سه مرحله است:

#### الف) تشخیص

شناسایی و احراز نخبگی تحصیلی یکی از مهمترین و سریعترین انواع تشخیص نخبگی محسوب می‌شود. خوشبختانه هیچ یک از ابهامات و نارسانیهای ذکر شده در تشخیص، شامل حال نخبگی تحصیلی نمی‌شود: عموم مردم در نخه شناختن و تیزهوش دانستن دانش آموزان پیش‌رفته تحصیلی تفاهم و توافق دارند؛ مفهوم نخبگی تحصیلی نسبتاً روشن است؛ سوء تعبیر ارزشی و فرهنگی وجود ندارد؛ این تیزهوشی نخستین نوع نخبگی بود که کشف و شناسایی گردید و جایگاه ممتاز و منحصر به فرد خویش را در عرصه تیزهوشی کسب کرد. نخبگان تحصیلی کمتر دچار اختلال در یادگیری و نارسانی در امر توجه می‌گردند و حتی شناسایی آنها در اقلیتهای گوناگون نیز بسیار سهل و سریع است.

براین اساس، شناسایی نخبگان تحصیلی برای آموزش ویژه در کلاس‌های همگن بر پایه چهار شاخص بنیادی آغاز می‌شود: ۱- خودبازی تحصیلی نیرومند - ۲- رقابت‌طلبی شدید در یادگیری ۳- آمادگی روانی کافی برای پیشرفت تحصیلی برتر - ۴- سازگاری آموزشی ویژه در کلاس‌های مزبور

**ب) آموزش**

شکی نیست که کلاس‌های خود همگن سازی مستلزم فشرده‌گی دوره تحصیلی است؛ بخشن قابل ملاحظه از محتویات رسمی آموزشی به سرعت تحت تسلط قرار می‌گیرد و حذف می‌شود. اما این تدبیر حداقل به دو علت نیازمند وجود معلمان ویژه است: ۱- وجود دانش آموزان بسیار توانمند در نخبگان تحصیلی - ۲- آموزش ویژه فوق العاده پویا و سخت این امکان وجود دارد که به نحو اقتضایی از جهش برخی کودکان بسیار توانمند در این کلاسها بهره‌برداری شود.

راهبرد آموزشی کلاس خود همگن سازی را به سه شیوه می‌توان به کار برد:

- ۱- کلاس‌های خود همگن ساز موضوعی برای یک ماده درسی خاص
- ۲- کلاس‌های خود همگن ساز فراگیر برای مواد درسی متعدد در برنامه درسی
- ۳- کلاس‌های خود همگن ساز یکپارچه برای کلیه مواد درسی

در شیوه سوم همه مواد درسی و آموزشی به طور وحدت یافته، ترکیبی و هماهنگ جمع‌بندی می‌شوند؛ بدون نیاز به عرضه اطلاعات و محتویات اضافی و تکمیلی، یکپارچگی مواد درسی تحقق می‌یابد. به عنوان مثال محتویات علوم محض با ریاضیات آمیخته می‌شود و آمیزه مزبور با مطالب کتب درسی زبان و ادبیات فارسی و دانش اجتماعی عجین می‌گردد.

**ج) پرورش**

از تنگناها و نارسايهای اساسی تسریع حتی برای نخبگان تحصیلی، وجود برخی مسائل عاطفی و هیجانی و بروز ناسازگاریهای اجتماعی است که به رشد محیطی آنها آسیب می‌رساند. بنابراین اجتناب ناپذیر است که به موازات تسریع تحصیلی، تسریع در مهارت‌های پرورشی نیز تحقق پذیرد. براین اساس کلاس‌های یکپارچه سازی، مناسبترین تدبیر پرورشی محسوب می‌شود. هنگامی که آموزش یکپارچه می‌گردد، الزاماً به باروری هوش عملی و مهارت‌های اساسی زندگی واقعی می‌انجامد؛ زیرا تجزیه مواد درسی و آموزشی به تفکیک هرچه بیشتر پرورش و تربیت از آموزش منجر شده است. بنابراین وحدت یافته‌گی آموزش و پرورش بستگی به وحدت یافته‌گی

مواد آموزشی دارد و این امر جز از طریق ریشه کنی عنصرگرایی در آموزش حاصل نمی‌گردد. ثمرة این ریشه کنی و از سوی دیگر وحدت یافتنگی، انسجام و هماهنگی و استلزم ذاتی ساختار تعلیم و تربیت است. بنابراین کلاس‌های یکپارچه‌سازی موقعیتی بسیار مناسب برای پژوهش هوش عملی و مهارت‌های زندگی نظری تقویت احساس مسؤولیت و روحیه بردازی است.

○ ○ ○

#### یادداشتها:

- 1- Attention Deficit\Hyperactivity Disorder (ADHD)
- 2- Attitude
- 3- Competition
- 4- Self concept
- 5- Acceleration
- 6- Self-Contained

#### منابع:

- 1- روان‌شناسی کودکان تیزهوش و روشهای آموزش ویژه، کاظمی حقیقی، ناصرالدین، سایه نما؛ تهران ۱۳۷۵
- 2- Baum, Susan et al (1998). Gifted students with attention deficits: fact and / or fiction? or can we see the forest for the trees? *Gifted child Quarterly*, 42 (2).
- 3- Borland, James et al (1999). Economically disadvantaged students in a school for the academically gifted: a postpositivist inquiry into individual and family adjustment. *Gifted Child Quarterly* 44(1).
- 4- Feiring, candie et al (1997). Early identification of gifted minority kindergarten students in Newark, NJ, *Gifted Child Quarterly*, 41 (3).
- 5- Heng, Mary anne (2000). Scrutinizing Common Sense: The role of practical intelligence in intellectual giftedness, *Gifted Child Quarterly*, 44(4).
- 6- Johnson, susan, K. (2000). Changing general education classroom practices to adapt for gifted students, *Gifted Child Quarterly*, 46(1).
- 7- Moon, sidney, M. et al (2002). perception of a self-Contained class for fourth-and fifth-grades students with high to extreme levels of intellectual giftedness, *Gifted Child Quarterly*, 46(1).
- 8- Ramsay, shula G. & Richards, herbert c. (1997). Cooperative learning environments: effects on academic attitudes of gifted students. *Gifted Child Quarterly*, 41(4).

- 9- Reis, sally. M. et al (1998). Curriculum Compacting and achievement test scores: what does the research say? . *Gifted Child Quarterly*, 42(2).
- 10- Rizza, Marry G. & Reis, Sally, M. (2001). Comparing and contrasting: stories of competition, *Gifted Child Quarterly*, 45(1).
- 11- Sarouphim, ketty, M. (2001) Discover: Concurrent validity, gender differences, and identification of minority students. *Gifted Child Quarterly*, 45(2).
- 12- Shaywitz, sally, E. et al (2001). Heterogeneity within the gifted : higher & Boys exhibit behaviors resembling boys with learning disabilities. *Gifted Child Quarterly*. 45 (1).
- 13- Siegle, Del. & Ries, Sally. (1998). Gender differences in teacher and student perceptions of gifted students' ability and effort. *Gifted Child Quarterly*. 42 (1).
- 14- Thorkildson, carol. A. & callahan, carolyn M. (1994). Planning effective evaluations for programs for the gifted, *Roeper Review*, 17(1) 46-51.
- 15- Woods, sadie B. & Achey, virginia H. (1990). Successful identification of gifted racial/ethnic group students without changing classification requirements. *Roeper Review*, 13(1).

○ ○ ○

## جوشش دوازده چشمۀ نور\*

گزارشی از بزرگزاری دوازدهمین کنگره سراسری قرآن کریم سمپاد  
بزرگداشت شهید آیت الله محمد باقر صدر (۲۶-۲۴ تیر / تهران)

رضا گلشن مهرجردی

در شانزدهمین سالگرد پایه‌گذاری مجموعه افتخار آفرین و جریان‌ساز استعدادهای درخشان در آموزش و پرورش میهن اسلامی، و در تداوم مسیر طی شده سراسر عشق یازده ساله مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سمپاد، تیرماه امسال ستاد مرکزی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان مفتخر به شرف پذیرایی از میهمانان گرامی شرکت‌کننده در دوازدهمین کنگره سراسری قرآن کریم سمپاد بود.

نهال نورس مسابقات سراسری قرآن کریم که دوازده سال پیش به همت والای ریاست محترم سازمان و به دست گروهی از فارغ‌التحصیلان جوان آن زمان سمپاد غرس شده بود، در گذر از دوازده بهار پیاپی، درخت پرثمری گشت که جمعی از بهترین فرزندان و دانش آموزان عزیز سمپاد در سایه گسترده آن، به نام مقدس قرآن کریم گرد هم آیند و مصدق این گفته شاعر شوند که:

دو نفر، یک دونفس بهر خدا بنشینند  
آسمان رشک برد، بهر زمینی که در او

\* فانچرْتْ منهُ اثنتا عَشْرَةَ عَيْنًا (بقره، ۶۰)

خاصه که در دوازدهمین بهار، توفیق صد چندان رفیق راه یاران کنگره قرآنی سمپاد شد و دانش آموزان و مدیران و مجریان شرکت کننده این دوره مسابقات، موفق به زیارت و درک محضر شاگرد برگزیده مکتب احیاگر قرآن کریم در جهان معاصر و معلم بزرگ قرآن کریم در روزگار ما، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای - مدظلۀ العالی - شدند.

○ ○ ○

دوازدهمین کنگره سراسری قرآن کریم سمپاد، بزرگداشت شهید مظلوم آیت‌الله سید محمدباقر صدر، روزهای ۲۴ الی ۲۶ تیرماه ۱۳۸۲ به میزبانی ستاد مرکزی سمپاد در پژوهشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

مراسم افتتاحیه کنگره، صبح روز سه‌شنبه ۸۲/۴/۲۴ با پخش سروд ملی جمهوری اسلامی ایران و تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد. پس از عرض خیر مقدم و ارائه گزارشی مختصراً برگزاری مراحل مقدماتی کنگره توسط مدیر فوق برنامه سمپاد، جناب آقای دکتر اژه‌ای، مشاور فرهنگی رییس جمهور و سپرست سازمان به ایراد سخنرانی در جمع دانش آموزان، مدیران مراکز آموزشی و نمایندگی‌های استانی سمپاد پرداختند. ایشان با مروری بر فعالیت‌ها، اقدامات و سرگذشت عمر پربرکت شهید محمدباقر صدر و چگونگی دستگیری و شهادت ایشان و خواهرگرانقدر ش بن‌الهی صدر، از این سرباز راستین اسلام و پیرو صدیق حضرت امام(ره) تجلیل کردند.

عصر آن روز، مسابقات رشته‌های سه‌گانه کنگره آغاز شد و در روز دوم، تا پاسی از شب ادامه یافت؛ مسابقات خواهان در محل نماز خانه کوثر و سالن اجتماعات شهید آوینی پژوهشگاه شهید بهشتی و مسابقات برادران در نمازخانه و کتابخانه مرکز آموزشی راهنمایی فرزانگان تهران برگزار می‌شد. هم‌زمان با آغاز مسابقات، جلسات سمینار مدیران سمپاد با حضور آقای دکتر اژه‌ای، معاونین و مدیران کل حوزه ستدی، مدیران مراکز آموزشی و نمایندگان استانی سمپاد در محل سالن اجتماعات شهدای سمپاد پژوهشگاه شهید بهشتی در جریان بود.

همانند دوره‌های پیشین، در کنار برنامه‌های دیگر کنگره، ریاست محترم سازمان دو جلسه گفت و شنود و پرسش و پاسخ آزاد با دانش آموزان پسر و دختر شرکت کننده در کنگره داشتند. جلسه برادران در روز اول و جلسه خواهان در روز دوم، پس از اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء برگزار شد.

در این جلسات، پس از سخنان آقای دکتر اژه‌ای و پرسش و پاسخ آزاد، دانش‌آموزان هدایای خود را (شامل یک کیف بانشان سمپاد، تی‌شرت، پوشه، مداد و پاک‌کن نشان‌دار سمپاد...) از دست ریاست محترم سازمان تحويل گرفتند.

بهترین و به یاد ماندنی‌ترین لحظات کنگره دوازدهم، در روز دوم برگزاری کنگره به وقوع پیوست. لحظاتی که دانش‌آموزان و مدیران شرکت‌کننده در کنگره، به شوق دیدار با رهبر خویش به سوی حسینیه امام خمینی(ره) به راه افتادند و با اجتماع در حسینیه، با سر دادن شعار «لیک یا خامنه‌ای لیک یا حسین است / خامنه‌ای رهبر، ضیاء هر دو عین است» از رهبر معظم انقلاب استقبال کردند. پس از اقامه نماز ظهر و عصر با امامت مقام معظم رهبری، جناب آقای دکتر اژه‌ای در سخنان کوتاهی به ارائه گزارشی کوتاه از اهداف، تاریخچه و چگونگی برگزاری مراحل مختلف کنگره پرداختند و پس از آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی با سخنان خود، دانش‌آموزان قرآنی سمپاد را مورد عنایت قرار دادند. (متن کامل سخنرانی ایشان، در همین شماره فصلنامه درج شده است). همچنین، شرکت‌کنندگان کنگره دوازدهم، تا هار روز دوم کنگره را میهمان مقام معظم رهبری بودند.

در روز سوم، حضور جناب آقای غندالی، معاون محترم پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش در جلسه سینیار مدیران، موجب تغییر در برنامه‌های صبح شد و دانش‌آموزان توanstند صبح روز سوم را، در غیاب مدیرانشان به استراحت بپردازنند. عصر آن روز، دانش‌آموزان و مدیران به زیارت مرقد امامزاده صالح(ع) و خرید سوغات از بازار سنتی تجویش گذراندند. در همین حین، داوران با جمع‌بندی امتیازات و نمرات، نتایج مسابقات رشته‌های مختلف را معین کرده بودند.

برنامه اختتامیه کنگره، مطابق روال چند سال اخیر، با اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء به امامت ریاست محترم سازمان و قرائت دعای کمیل توسط جناب آقای دکتر آشتیانی، معاون تربیتی سمپاد، در حیاط مرکز راهنمایی فرزانگان تهران آغاز شد. با استقرار میهمانان در محل برگزاری مراسم، پس از استماع گزارش برگزاری کنگره، جناب آقای دکتر اژه‌ای به ایجاد سخنرانی پرداختند و سپس، لوح تقدیر و جایزه نفرات برتر رشته‌های مختلف را اهداء کردند. همچنین در این جلسه، میزبانی دوره سیزدهم کنگره به مراکز سمپاد مشهد و اگذار شد و حاضران دوره دوازدهم کنگره، به شوق زیارت و آستان بوسی مرقد شریف حضرت ثامن‌الحجج، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و شرکت در دوره سیزدهم کنگره، با کوله‌باری پر از آموخته‌ها و اندوخته‌های ارزشمند، به شهر و دیار خود بازگشتند.

## برگزیدگان مرحله نهایی دوازدهین کنگره حفظ، قرائت و معارف قرآن کریم سپاه

یادواره شهید صدر، تهران، تیرماه ۱۳۸۲

راهنمایی پسران - قرائت	راهنمایی دختران - قرائت
شهید بهشتی بیرجند	احسان خراشادی زاده
شهید ازهای اصفهان	محمد مهدی حیدری
شهید صدوqi بیزد	محسن خدابار
شهید هاشمی نژاد مشهد	امین احمدزاده
راهنمایی پسران - حفظ	
علامه حلی (۱) تهران	علی احمدی کیا
شهید بهشتی لارستان	حامد زمانی
راهنمایی پسران - حفظ و بیزه	
میرزا کوچک خان رشت	امیرحسین امیری
شهید ازهای اصفهان	سید محمد هادی موسوی مدنی
شهید دستغیب شیراز	احمدرضا اسکندری
راهنمایی دختران - حفظ و بیزه	
فرزانگان مشهد	فرزانگان شیراز
فرزانگان آبادان و خرمشهر	فرزانگان بندرعباس
فرزانگان شیراز	فرزانگان تهران
راهنمایی دختران - معارف قرآنی	
سید محمد علی شامخی	فرزانگان تهران
ایمان بیدختی	فرزانگان امین اصفهان
حسین کامکار	فرزانگان شیراز
میثم قرباغی	فرزانگان بوشهر
دیپرستان دختران - قرائت	
شهید هاشمی نژاد مشهد	سید محسن موسوی
شهید صدوqi بیزد	محمد رضا میرجلیلی
شهید قدوسی قم	سید محمد علی موسوی
شهید بهشتی شهری	حسین فروغی
راهنمایی پسران - قرائت	
نازیلا ملکیان	فائزه مرادی
زینب منیری	فائزه مرادی
فاطمه عرفانی فر	امینه داوودیان
فاطمه صاحبی	فرشته اسماعیل زاده
فارغه مزارعی	فرشته اسماعیل زاده
طیبه نیکنژادی	سید محمد هادی موسوی مدنی
شیما شاهجویی	مهسا کهنه‌ل
فرزانه درخشان	فاطمه صاحبی
زهرا توجهی	منیره قربان زاده
سمانه عزیزی مشن	ندا مقتدری

دیبرستان پسران - حفظ		دیبرستان دختران - حفظ	
شهید بهشتی شهریاری	مسعود تاجفر	فرزانگان تهران	ریحانه حاجیزاده
شهید بهشتی بجورد	رضا نامجو	فرزانگان لارستان	مریم فاضلی
		فرزانگان همدان	آرزو قیاس صالح
دیبرستان پسران - حفظ و پژوه		دیبرستان دختران - حفظ و پژوه	
شهید هاشمی‌نژاد مشهد	سعید خراشادی‌زاده	فرزانگان امین اصفهان	طیبه ایزدی
شهید بهشتی قائم‌شهر	علیرضا نجفی	فرزانگان کاشان	مصطفه موسویان
دیبرستان پسران - معارف قرآنی		دیبرستان دختران - معارف قرآنی	
شهید بهشتی شهرکرد	وحید حقیقت	فرزانگان تهران	فاطمه رضایی حسین‌آبادی
علامه حلی تهران	علیرضا خوشنویس	فرزانگان مشهد	الهام شرفی
شهید صدوقي بزد	محمدعلی زارعیان	فرزانگان ذوق‌الله	مرضیه بزدی
شهید ازهای اصفهان	میلاد حسینی پور	فرزانگان تبریز	الهام فتحی آذر
علامه حلی تهران	محمد ترک‌یلماز	فرزانگان اردبیل	سیده زهرا حامد

○

○

○

### در حاشیه...

استقبال از جستجوی قرآنی. نخستین مطلب، استقبال وسیع دانش‌آموزان از طرح جستجوی قرآنی و افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در مرحله مقدماتی کنگره است... (که امیدواریم در سال‌های آتی نیز تداوم داشته باشد).

تذکر به مدیران. کم توجهی و عدم پیگیری برخی از مدیران نسبت به انجام فعالیت‌های قرآنی در مراکز آموزشی، موجب گله برگزارکنندگان کنگره شده بود. در این باره، تذکرات جدی از سوی ریاست محترم سازمان و برگزارکنندگان به این مدیران داده شد.

آمارسازان. از سوی دیگر، برخی از مدیران مراکز به دلیل پیگیری بیش از حد فعالیت‌های قرآنی، آمار شرکت‌کننده بیش از صدرصد(!) دانش‌آموزانشان را به ستاد برگزاری ارائه کردند! بدینوسیله از دقت این مدیران تشکر می‌کنیم.

کاهش حجم مسابقات. عدم حضور آقای ناصرزاده، مدیرکل سابق فوق برنامه سمپاد و مسئول برگزاری یازده دوره پیشین کنگره، در روز افتتاحیه کاملاً محسوس بود. آقای گلشن، شاگرد سابق و جانشین فعلی ایشان - که با جثهٔ نحیف خود، هرگز نمی‌تواند جای خالی استاد خود را پر کند! - در آغاز صحبت خود در مراسم افتتاحیه، ضمن اشاره به این نکته از «مجاهدت» و تلاش‌های یازده ساله معلم خود تشکر و تجلیل کرد. خوشبختانه، با توجه و تذکر آقای دکتر اژه‌ای، از روز دوم شاهد حضور جناب آقای ناصرزاده در جمع بچه‌های قرآنی حاضر در کنگره بودیم...

کنگره، بدون پیام. کنگرهٔ دوازدهم، نخستین کنگره‌ای بود که بدون پیام رسمی مقامات رسمی کشور برگزار شد. امیدواریم با پیگیری به موقع مسئولان برگزاری، در دوره‌های آینده شاهد این نقص نباشیم. (ناگفته نماند که فرمایشات گران‌قدر مقام معظم رهبری در جمع اختصاصی بچه‌های قرآنی سمپاد، جای خالی پیام را، هزار باره پر کرد و شاید علت اصلی هم همین امر بود...!)

اتوبوس جهانگردی. گرمای بی‌سابقه هوای تهران در ایام برگزاری کنگره و افاقه‌نگردن کولرهای خوابگاه‌ها و سالن‌های برگزاری جلسات و مسابقات، که موجب دردرس میهمانان و شرمندگی میزبانان شده بود، هیچ ارتباطی به معاون محترم اداری و مالی سازمان نداشت! این ماجرا، یادآور قصه مورجه‌خوار و اتوبوس جهانگردی است، که فقط سالی یک بار...

عدالت خوابگاهی. دانش‌آموzan پسر شرکت‌کننده در کنگره دوازدهم، نسبت به عدم رعایت عدالت در تخصیص خوابگاه به پسران و دختران گله‌مند بودند. علت این گله‌مندی این بود که گمان می‌کردند در خوابگاه دخترانه، همه چیز روبراه است! غافل از این که مدیر مرکز راهنمایی فرزانگان، معاون محترم آموزشی سازمان هم هست و آنجا هم، همین آش است و همین کاسه...!

مسابقه در نمازخانه‌کوثر. در این دوره، برای نخستین بار از نمازخانه تازه‌ساز و (در نوع خود) منحصر به فرد کوثر به عنوان محل برگزاری مسابقات حفظ و قرائت خواهان استفاده شد. ان شاء الله مبارک است.

پدیده «چندساله‌ها». در جلسهٔ پرسش و پاسخ دانش‌آموzan پسر با ریاست سازمان، هنگامی که نام بچه‌ها برای دریافت هدایا خوانده می‌شد و آقای دکتر اژه‌ای از بچه‌ها می‌پرسیدند: «بار چندم است در مسابقات شرکت می‌کنی؟»، کمتر کسی بود که جوابی کمتر از سه یا چهار بدهد. چهره‌ها و نامهای شرکت‌کنندگان کنگره، برای برگزارکنندگان آشنا است!

سطح پایین مسابقات. «سطح مسابقات امسال خیلی پایین است!» این مطلب را یکی از خواهان

شرکت‌کننده در کنگره، در جلسه پرسش و پاسخ با ریاست سازمان مطرح کرد. اما مهم، نحوه استدلال این خواهرگرامی بود که زبان پاسخ‌گویی برگزارکنندگان را بند آورد: «یه دلیلش همین که من تو این مسابقات قبول شدم!»

دیدار در دقیقه‌نود، برنامه دیدار با مقام معظم رهبری، در فاصله زمانی کمتر از دوازده ساعت تا افتتاحیه کنگره قطعی نشده بود. ولی پیگیری مثال‌زدنی آقای دکتر اژه‌ای -که از چند هفته پیش از زمان برگزاری کنگره آغاز شده بود -در آخرین لحظات ثمری بخش شد و با اعلام موافقت شخص مقام معظم رهبری، دیدار ایشان برای قرآنی‌های سمپاد میسر شد. با این وجود، به دلیل کمبود وقت برای اطلاع‌رسانی و نیز کمبود تعداد کارت، تعدادی از دوستان عزیز از برنامه بی‌خبر ماندند و نتوانستند در این دیدار حضور پیدا کنند.

تداخل و ظایف (یا، هر کسی را بهر کاری...). در ایام برگزاری کنگره، برخی از مسئولان به جای رتق و فتق امور کنگره، مشغول هماهنگی برنامه‌های مسابقات مرحله مقدماتی المپیاد ورزشی سمپاد با مدیران مراکز بودند. هرگونه ارتباط این دوستان با دفتر معاونت تربیتی سمپاد مورد تأیید است! شب بیداری معارفی‌ها، بنا به سنت چند ساله، مراحل پایانی مسابقات رشته معارف قرآنی تا پاسی از شب ادامه یافت. این پدیده که به یک روال در کنگره تبدیل شده است، امسال حوصله برخی از برگزارکنندگان یازده دوره پیش مسابقات (!) را سر آورد و ایشان مجبور شدند با توصل به جعبه فیوز برق محل برگزاری مسابقات، بر این مشکل فائق شوند.

«محفل»، به همت فرزانگان. به همت تعدادی از تازه فارغ‌التحصیلان مرکز آموزشی فرزانگان، نشریه روزانه‌ای با نام «محفل» در ایام برگزاری کنگره انتشار یافت. این نشریه توانست، گوششایی از پشت صحنه کنگره را برای حاضران تشریح کند. در یکی از شماره‌های این نشریه، دوستان محفلی عنوان «آرم سازمان» را برای آقای ناصرزاده به کار برداشده که خیلی به دلمان نشست...!

نور، صدا، دوربین... حرکت. پوشش خبری و تلویزیونی امسال کنگره، در مقایسه با دوره‌های پیش فوق العاده بود. بدون شک، مهم‌ترین دلیل این پدیده، پخش مفصل خبر دیدار اختصاصی دانش آموزان قرآنی سمپاد با مقام معظم رهبری، به عنوان خبر اول اخبار سیما بود که خیلی‌ها را متوجه این کنگره کرد.

نشان افتخار خدمتگزاری. در جلسه اختتامیه، آقای دکتر اژه‌ای چهار چفیه متبرک به غبار آستان حضرت سیدالشهداء، اهدایی مقام معظم رهبری را به قید قرعه، به چهار نفر (یک دانش آموز پسر،

یک دانش آموز دختر، یک مدیر مرد و یک مدیر زن) اهدا کردند. همچنین، ریاست محترم سازمان دو عدد از این هدایای پر ارزش را، به عنوان نشان افتخار خدمتگزاری، به نمایندگی از همهٔ زحمت‌کشان برگزاری کنگره به آقای ناصرزاده و آقای گلشن (مسئولان سابق و لاحق برگزاری کنگره) اهدا کردند. انکار بدیهیات. هنگامی که در پایان مراسم اختتامیه، آستان مبارک حضرت ثامن‌الحجج (علیه‌السلام)، مشهد مقدس به عنوان میزبان دورهٔ سیزدهم کنگره معرفی شد، یکی از مسئولان سپاد در سازمان آموزش و پرورش استان خراسان - که گویا از شنیدن این خبر خیلی ذوق‌زده شده بود - پرسید: «إه! مگر حرم حضرت رضا (علیه‌السلام) در مشهد است؟»

○ ○ ○

## اعتراضی از روی اعتقاد

جواد اژه‌ای

### اشاره

«استکبار» در ذات خویش، نادیده انگاشتن کلیه حقوق دیگر ملتها را حک کرده است. در پیروی از آنچه او ارزش می‌داند، اگر اقوامی کورکورانه از او تعیت کنند، آزاد اندیش، منورالفکر و قابل پذیرش هستند. چگونه پوشیدن، چگونه مسکن گزیدن و چگونه تفریح کردن را باید از ارباب آموخت و تو، اگر قرنها پرچمدار دانش بشری هم باشی، باید حالا زیر تیول گاوچران‌های آمریکائی که از برکت ورود به جنگ دوم جهانی در آخرین روزهای جنگ و با استفاده از بمب اتمی به عنوان پیروز جنگ و آسیب نادیده از آن، تمام منابع مادی و معنوی جهان را به انحصار خود درآورد، قرار بگیری.

وقتی «مزدور» باشی، همه چیز را به تو می‌دهند. در مناقصه‌های بین‌المللی هم پروژه‌ها برایت ارزان‌تر تمام می‌شود، ولی چیزی یاد نمی‌گیری، چون نباید توانمند و خودکفا شوی. آنها «همه‌چیز» را به تو می‌دهند، اما در چارچوب قاعده‌ای که به تو حق حرکت داده است. اف ۱۴، هاورکرافت، سی ۱۳۰، نیروگاه اتمی و...، اینها را به شاه دادند، چون هراسی از یک مزدور و همراهانش نداشتند. او باید در ظفار<sup>\*</sup> نقش ژاندارم منطقه‌ای آمریکا را بازی می‌کرد. شاهی که خودش و ژنرالهایش زیر فرمان افسران آمریکایی بودند و ۳۰ هزار مستشار، نفس کشیدن آن ارتش را کنترل می‌کردند. وقتی انقلاب پیروز

\* منطقه‌ای در سلطنت نشین عمان که ارتش شاه به نمایندگی از آمریکا مخالفین حکومت محلی را سرکوب نمود.

شد، حتی طرزکار خیلی از سیستمهای راداری را نمی‌دانستیم. سیلو، نصب کارخانه سیمان و پالایشگاه را آنها انجام می‌دادند، چه رسید که کارخانه‌اش را بتوانیم خودمان بسازیم. مشخص بود تا چه حد یک ایرانی حق دارد به اموری که مربوط به «عقلاء» است دخالت کند. البته می‌توانست و می‌تواند در «ناسا» با حفظ همان حدود کار کند.

انقلاب آمد، استقلال سیاسی را بدنبال آورد. نفوذیها با آمدن دولت شهیدر جاثی، جایشان را به انقلابی‌ها سپردند ولی از بین نرفتند. معلوم بود ریشه کنی انقلاب از نوع دیگری باید شروع شود. آمریکائیها، مزدوری از «تکریت» در عراق را مأمور نابودی انقلاب کردند. همه‌چیز به او دادند، حتی شیمیایی را و هشت سال، یعنی طولانی‌ترین جنگ قرن بیستم را برای به زانو در آمدن ما به کار بردند و ما ماندیم و دوران سازندگی را پایه‌ریزی کردیم. حالا باید استقلال علمی خویش را در این عقب نگهداشته شدن تحمیلی مجدد دوران پس از انقلاب، به خاطر جنگ تحمیلی جوانان می‌کردیم. و این کار را شروع کردیم. و امانده‌های رژیم، صحبت از نابودی دانش در ایران کردند و می‌کنند و شیفتگان انقلاب، بر تلاش خویش افزودند و ما تلاش کردیم، به طوری که سهم تولید مقالات خود در دانش جهانی را در دهه آخر قرن بیستم، نسبت به دهه قبل تا ۳۸۰ درصد افزایش دادیم. این عدد نسبت به آنچه باید می‌بودیم، کم بود، ولی وقتی در دهه آخر نسبت به دهه قبل، مقالات علمی جهان ۳۰ درصد افزایش داشت و ما ۳۸۰ درصد افزایش، پیدا بود حرکتی در ایران شروع شده است. حتی در «تریست»<sup>\*</sup>، کشورهای رشد یافته‌تر از ایران گفتند چشمها در آینده به ایران دوخته شده است. تا اینکه، «البرادعی»<sup>\*\*</sup> آمد. وقتی پیشرفت‌های علمی مان را دید، داشت از شگفتی غشن می‌کرد و گزارش را آمریکائیها، آلمانها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها مجبور بودند باور کنند. باید جلوی پیشرفت علم را در کشوری که دارای ایدئولوژی الهی است، گرفت. باید محاصره‌اش کرد. باید همان‌گونه که به قول یکی از گزارشگران مزدور خودشان، در جنگ عراق بر دهان همه رسانه‌ها «پوزبند» زند<sup>\*\*\*</sup>، اینجا هم سیاست زمینگیرکردن و نابود نمودن را، در حوزه پیشرفت دانش پیش‌گیرند (تروریسم، و سلاح کشتار جمعی). از ۳۵ عضو شورای حکام، ۱۸ نفرشان هم نظر با ایران بودند، ولی با شگفتی قطعنامه‌ای صادر

\* Trieste (ایتالیا) شهری که مرکز بین‌المللی فیزیک نظری که به همت فیزیکدان معروف پاکستانی و برنده جایزه نوبل سال

. ۱۹۷۹، پرسور عبدالسلام با هدف ارتقاء سطح علوم پایه در کشورهای جهان سوم، در آن تأسیس شده است.

\*\*\*\* کریستنا امانبور گزارشگر CNN

\* رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

شد، که رأی‌گیری در آن نبود. «یاسا» چنگیزخان در اروپای به ظاهر مغول ندیده، به کارگرفته شد. و برای ایران، بدون قید و شرط تعیین تکلیف کردند که استفاده صلح آمیز از دانش هسته‌ای حق تو نیست. اینهم شد نوع نانوشه قانون غربی‌ها برای ملتی که می‌خواهد خودش باشد.

متأسفانه قبل از این مصوبه، افراد خودباخته‌ای که با نگاه غربی‌ها جهان هستی را تفسیر می‌کنند، منادی خفت و سازش بودند. ولی ما اطمینان داریم کلام یکسان و واکنش همسوی مدیریت نظام ما (رهبری و رئیس جمهور) آنها را جز به زیر پا گذاشتند مقرراتی که خود واضح آن هستند، نخواهد کشاند. بیست و پنج سال تلاش برای سرافرازی و بیست و پنج سال توطئه برای نابودی تلاش‌ها! در آغاز این جنجالها و قبل از مصوبه حکام!! ۵۰۰ دانشجوی صنعتی شریف، از اینکه فشارهای خارجی تلاش‌های چندین ساله و شبانه روزی جمع کثیری از نخبگان این سرزمین را پایمال کند پشتیبانی علمی و عملی خود را در عدم امصاری پیمان‌نامه‌ای که سد راه دستیابی صلح آمیز به فناوری هسته‌ای است، توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، اعلام نمودند.

بعد از اعلام مصوبه نیز، دهها تشکل دانشجویی، به گردان نهادن دولت ایران به خواسته نامشروع آمریکائیها و دوستانشان تأکید داشتند. در آخرین واکنش، دکتر صالحی نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از همکاری با آژانس و عدم تعهد به قطعنامه صادره خبر داد.

### جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام؛

همان طور که مستحضرید، یکی از چالش‌های مهم پیش روی توسعه اقتصادی، مسئله تامین انرژی است، که در حال حاضر برای جامعه جهانی، به صورت یک بحران فزاینده رخ نموده است. خوشبختانه کشور ما یکی از غنی‌ترین کشورها از نظر منابع برگشت‌ناپذیر انرژی، نظیر نفت و گاز بوده و هست. اما تمامی کارشناسان به این مساله معتبرند که نفت به عنوان یک سرمایه ملی، به دلیل کاربردهای بسیار حیاتی و منحصر به فرد، ارزش‌هایی به مراتب فراتر از یک منبع تامین انرژی دارد.

با توجه به همین واقعیت بوده است که اکثر کشورها، تلاش خود را در جهت دستیابی به انرژی‌های جایگزین که مهمترین آنها «انرژی هسته‌ای» می‌باشد، ساماندهی کرده‌اند. کشور ما

نیز از این قاعده مسلم جهانی مستثنی نیست و لزوم کوشش در این راستا چنان واضح است که هر ایرانی متعهدی، کوتاهی در این زمینه را خیانت به سرمایه‌های ملی و نسل‌های بعدی خواهد دانست.

متأسفانه مدتی است شاهد فشارهای خارجی در جهت متوقف ساختن پیشرفت کشور در زمینه تکنولوژی هسته‌ای هستیم؛ نگرانی ما از این است که تحت این فشارها، نتایج تلاش‌های چندین ساله و شبانه‌روزی جمع‌زیادی از نخبگان این سرزمین، که بسیاری از کارشناسان فناوری هسته‌ای به خیره کننده بودن این نتایج معتبر فند، پایمال شود. ما امضا کنندگان این نامه مصراًنه تقاضا داریم، دولت جمهوری اسلامی ایران، به هیچ وجه از برنامه‌های هسته‌ای خود عقب نشسته و هیچ پیمان نامه‌ای را که سد راه دستیابی ما به این حق مسلم شود، امضا ننماید.

بی تردید، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف نیز از هرگونه پشتیبانی علمی و عملی در راستای سربلندی ایران عزیز دریغ نخواهند ورزید. به امید ایرانی آباد، آزاد و سربلند. والسلام

### امضا کنندگان نامه

مصطفی ابراهیمی، علی ابراهیمی، بهمن ابراهیمی حسین زاده، سید مهدی ابطحی، روح الله انتیانی، علی محمد احمدی، محمد مهدی احمدی، حامد احمدی نژاد، مهران احمدی‌بزاده، کمال اخوان، سعید اخوان آستانه، رضا اخوان بهبادی، جمال ارغوانی هادی، کامران ازدری، مجید استاد رحیمی، کمال اسدی، غضنفر اسدی، حسین اسکاره تهرانی، احمد رضا اسکندری، جعفر اسماعیل خانی، مهدی اسماعیلی، آرین اسماعیلی شریف، علیرضا اسماعیلیان، حسن اشراقی، سعید اشرفی نیا، حسین اطهری فر، مهدی اعتمادی، سید ابوذر افخاری، امید افضلی، محمد اکبرزاده پاشا، جلال اکبریان، رضا الله بداشتی، علی الیاسی، مرضیه امامی، محمد صادق امامیان، محمد امید ایگانه، مریم امیدوار، محمد امیدی نژاد، افشین امیری، محمد صادق امیری، محمد سعید امیری، علی امیری فرد، صدرا امیری مقدم، امین امین‌زاده، امیر امینیان، علی انصاری، سجاد انصاری، روح الله ایزدخواه، هادی ایزدی، محمد ایوبی فر، حمید رضا آخوندزاده، سعید آرین فر، امیر حسین آل اسحاق، عزیز باباپور، اسماعیل بابانژاد، براتعلی باخدا، وحید بازارگان، محمد بازارگان، حمید بازارگان، احسان باصفا، محمد باقری، مجید رضا باقری، محمد علی باقری، ناصر باقری، حامد باقری فراهانی، حمید بامداد، امیر بختیاری، ناصر بدرا، مهرداد بذرپاش، محسن برآتوند، بربا برخوردار، اسماعیل بزرگار، مهدی بزرگی، عظیم بسیا، ابوالفضل بضاعت پور، مهدی بلندی، حسین بنای، سجاد بنای، یاسر بهاری، یوسف بهرام زاده، امیر بهرامی، مصطفی بهشتی سرشت، احسان بهنام طلب، رضا بی‌همتا، بهروز بیدختی، احمد بیرانوند، مهدی پارساییان، عبدالرحیم پدرام، خدامراد پرنو، یاسر پروین درآبادی، حجت پندار، سید مصطفی پور صادق، داوود پور محمد، امین پور محمدی،

مهدی پورافشاری، آیله پورمحمد، محمد پیر فداییان، محمدامین ترابی، مجتبی تعالی پسند، امیر تقی، جواد تقی زاده، جواد تقی زاده نائینی، سید عباس تهمامی، وحید توحیدی نافع، روح الله توکلی، حسین توکلی، سمیه تیمارچی، حسین تیموری، کیوان ثارویی، محمود جعفر قلی، میثم جعفری، محمد حسن جعفری، محمد حسین جعفری، احسان جعفری مقدم، محمد جلال، علی جلالی، ابرآبدین جلالی، ایوب جلالی، سلطانعلی جلالی نژاد، هادی جلالی، محمد مهدی جلالی، جعفر جماعتی، مهدی جمالی، مهدی جمشیدی، مهدی جنتی، حسین جهان خواه، امید جهانیان، عباس جواد طلب، مصطفی چرمی، حمید حاج امینی، سید مصطفی حاجی قاسمی، سمیه حامدی، هاشم حبیبی، سعید حسن زاده، علی حسن زاده، حمید حسنوند، روح الله حسنی زاده، محمد حسینی، ابوالقاسم حسینی، علی حسینی، سید فرید حسینی زاده، مهدی حسینی فرد، مصطفی حسینیان، علی حق دوست، هومن حقیقتی، هادی حکیمی پور، مزدا حمدی، محمد حیدری، احسان حیدری، سیده فاطمه حیدری، زهرا حیدری نژاد، سید هادی خاک بیز، منصوره خاکستانی، علی خان محمدی، اکرم خانی، محمد حسن خبری، رامین خراسانی، شهرام خزائی، محمد خسروی، حسین خسروی، علی خضرابی ویژمههر، سعید خطیبی راد، اسماعیل خلیلی، آرمان خوش قلب، رضا خوش منش، وحید خبراندیش، علی دادو، بردیا دارایی، حسین دریجانی، علی دشتی، محمد دکامیان، رضا دهستانی اردکانی، محسن دهقان، علی دهقانپور، حامد دهقانی آرانی، روح... دهقانی فیروزآبادی، رحمان دوست محمدی، معصومه دولت آبادی، رضا دیانت، روح الله دیانت، مهدی دیرانلو، محمد هادی ذو معتمد اعرابی، ناصر رثوف، محمد رجبی، حکیم رجبی، حسین رجبی، محمد حسن رحمانی، میثم رحمانی، فاطمه السادات رحمتی، هادی رحیم زاده، محسن رحیمی، غلامعلی رحیمی، وحید رحیمیان، محبوبه رستمی، محسن رستمی، سام رسول زاده، مهدی رسولی، محمد حسین رضازاده مهریزی، مجتبی رضانیان، علیرضا رفیعی، علی رفیعی، هادی رمضانی، امیر رمضانی زاده، مهدی رنجبر، امیر رنگین کمان، علی رنگین کمان، حنیف رهبری، یاسر رهروانی، مرتضی روحی، امیر روحی، یاس رودگر، حمیده روزبه‌نیا، عباس روزبه‌نیا، کاظم رosta، محمد زائری امیرانی، محمد زالی، مهدی زاهدی، علی زلفی، نرجس زمانی، علیرضا زهدی، مهدی زینالی، شاهرخ زینلی، محسن زاله، محمد سادات حسینی، عطیه سازور، محسن سالاری، مهیار سالک، حسن سبزواری، محمد ستاری، فواد سجودی، محمد سروری، مسعود سروش، سید محمد مهدی سعادت، مریم سعادتمند، حمید سعدی، یوسف سلامت، مرتضی سلطانی، مرتضی سلمانی، حامد سلیمانی، کریم سلیمانی، رضا سوده مقدم، ابراهیم سوزنچی کاشانی، احسان سید ابریشمی، سعید سیفی، علی سینا، مهدی شادمان، مجتبی شادمان راد، مرتضی شاعری، محمد شامی، فاتح شاه محمدی، سید علی شاهچراغی، علی شجاعی، انسیه شجاعی، زینب شریعت‌داری، نوید شریفی، جواد شعبانی، تهمینه شفیعی، کریم شکری، میثم شکوری، علیرضا شمس، ابوالحسن شمسی، حامد شهمیرزاده، رضا شید پور، فرزاد شیدایی، محمد شیرخانی، مجتبی شیروانی صنایع، رضا شیرین زاده، محمد صاحب‌کار، میثم صافی زاده، احسان صالحی، جلال صالحی میبن، سید محمد مهدی صدر نژاد، علی صدری، محمد صدیق شمسی، مهدی صرامی، حسین صفائی فر، مصطفی صمدی، مهدی صنیعی نژاد، محمد ضامن، مهدی ضرغامی، علی ضیاء، عظیم ضیایی، یعقوب طاری نی، پویا طاهرخانی، پیمان طاهرخانی، سید علیرضا طاهری، سید ماجد طاهری، سید رضا طاهری، سید مهدی طباطبایی، سید ایمان طباطبایی، امیر طوسی، هومن عابدی اصل، سعید عابدین پور، محمد عادلی، سید حمید رضا عادلی، ابوطالب عاملی، طها عباچی، مرتضی

عباس نژاد، محمد جواد عباسی، امامه عبدالرسول، رضا عبداللهی، ناصر عبدالزاده، مهدی عتیق، احمد حسین عدل، زهرا عرفانیان، یوسف عزیزی، عباس عسگری ساری، مهران عظامشنس، میثم عقیلی، مجید علی آبادی، میرزا محمد علی پور، سجاد علی زاده، روح الله علی زاده، مجید علی محمدی اردکانی، مجتبی علیدوست، پوریا علیردانی، بهزاد عنزلی، شهرام غائی، علیرضا غفار خواه، حسن غنی زاده، محمد غیبگو، سلمان فارسی، نرگس فتحعلیان، محمد فتوتز فر، فرزام فتوت، مهدی فخیمی، حسین فدائی، سپهر فلایی، فرزین فردیس، عmad فرشته نژاد، سعید فرهی، احمد فضلی، محمد فلاحتی، مهدی فلاحتی، فرهاد فلاحتی، مهدی فولادگر، محمد جواد فیض اللہی، نسرین قاسم نیا، علی قاسمی، اقتصاد، محمد مهدی قاسمیان، علیرضا قافع، مجید قجاوند، علیرضا قجری، وحید رضا قدیریان، مسعود قدیمی، داریوش قربانی زاده، مقصومه قربانی، سلمان قربانی، عطاء الله قره چاهی، حمزه قطبی نژاد، مهدی قنادی، جعفر قنبری، امیر قوچانی، زینب قیصری مکانیک، احسان کارشنکی، مهدی کارگر، مهدی کاظم پور، ارغوان کاظمیان، علی کبریایی، مظفر کرمیان، سعید کرمیان، علیرضا کشاورز، یاسر کشفی، عصمت کلانه، احمد کلاهی، محمد کمالی، حسام کوثری، خلیل کوهله، ساهده کولوبند، محمد کیانپور، داوود کیانی برق، زینب گائینی، علی گرامی، امین گلگوبی، یاسر گنجی صفار، آزاده گودرزی، مجتبی لشکر بلوکی، حسین لطفی، آرش مجد، حمید محبوی، محمد محبی، حسین محسنی، مجتبی محصولی، حمید رضا محققی، احمد محمد پناه، لیلا محمد حسین فلاخ، نعیمه محمد طاهری، حمید محمدی، سعید محمدی، حسن محمدی، محمد رضا محمدی زاده، حسام محمدی نژاد، مجتبی محمدی نصیری، مسعود محمودی، سید علی مدنی زاده، مقصومه مراد زاده، مهدی مرادمند بدیع، رامین مرادی، محمد مردانی، علی مردی، احمد رضا مرسي، محمد مروج فرشی، علی اکبر مسلمی، احمد مشاعی، محمد مشتری، سمیه مصطفی پور، آیدین مظاہری، مسعود مظلوم، حسین مظلومی، احسان معاذ اللہی، وحید معرفت خلیل آباد، رضا معززات، سعید مقصوم، جواد مقصومی، محمد معینی، صادق معینی فر، سجاد مقتندر، محمد مقدسی، میثم مقصودی، علی مقیم، محمد رضا ملک محمدی، منصور ملکی، علی ملکی، سلمان مهاجر، مصطفی مهاجری، پیام مهاجرین، علی مهتاب روشن، ابوذر مهر منش، سید مصطفی موسوی، سید رضا موسوی، نبی موسوی، سید محمد مهدی موسوی، سید محمود رضا موسوی، سید عباس موسوی، کیاوش موسوی نژاد، خلیل موسویان، سید مرتضی موسویان، محمد جعفر مولا یی، غلامرضا مولا یی منش، زینب مومن، احمد مومنی، بهزاد میتاقیان، علیرضا میر جلیلی، صادق میر شکاریان، سید حامد میر محمدی، حسین میرزاپور، محمد میرزاپی، سید محمد میری، فرهاد میری، امیر حسین نادری، دامون نارنجی ها، محمد نازاری، جواد ناصر بخت، رضا نجفی، علیرضا نسب، سمیه نصر، محمد نصیری، جواد نصیری، محسن نصیری، مسعود نظری، سبحان نظری، علی نعمت الهزاده، ریحانه نقوی زاده، ساناز نقیبی، حسین نمازیان، امین نوذری، میثم نورانی، سعید نوری، کاوه نوشادفر، محمد رضا نوفر، هادی نیا منش، علیرضا نیز خواهان، سید حسین نیری، سودابه نیکدل، علی هاشمی، روح الله هاشمی نژاد، سید علیرضا هدایت زاده، هادی هدایتی، محمد هادی هنرور، احسان هوشفر، مهدی واحدی مقدم، حامد واعظ، ناصر وثوقی، هادی وحدانی، داود و زیری، محمد وصال، حامد وطن دوست، رضا وفاداری، محمد وکیلی، محمد ولپور، محمود یاوری، محمد رضا یزد خواستی، حمید رضا یزدانی، جواد بیزانی، مازیار یعسوی، مسعود یعقوبی، علی یعقوبی.



## گفتگو با استعدادهای درخشان

\* به ما گفتند بر وید صداوسیما آمریکا

- شنیدم که در المپیاد دانش آموزی هم قبول شدید؟
  - کیوانی: من نه، ولی این دو تا قبول شدند.
- با آخرین نفر چقدر اختلاف داشتی؟
  - کیوانی: رتبه کل من ۶۱ بود ولی تارتبه ۴۶ را می پذیرفتند. حدوداً ۱۵ نفر اختلاف.
- و اما اصل مطلب، عنوان پژوهش شما چی بود؟
  - عزیزی: بررسی پدیده شناسی حرکت بیضی های کاغذی به عنوان مدلی از برگ درختان. ایده اصلی طرح ما افتادن برگ درختها در پائیز بود، ما به این فکر کردیم که چه عواملی در نوع حرکت برگ تأثیر دارند.
- ولی صداوسیما طرح شما را «حرکت کاغذ چرخان» عنوان کرده بود؟
  - علیپور: بله، تلویزیون اشتباهاً بیضی را به چرخان ترجمه کرده بود.
- بالاخره افتادن برگ یا بیضی؟
  - کیوانی: ما چندبار آزمایش کردیم و برگ های مختلفی را جمع کردیم و از ارتفاعهای

\* گفتگو با سه فرزانگانی آزاده کیوانی، الهام عزیزی و الهام علیپور برندهای جایزه گامی به سوی نوبل لهستان / کیهان، شماره

مخالف رها کردیم تا بینیم چه جوری سقوط می‌کنند و بتوانیم یک دیدکلی نسبت به حرکت آنها پیدا کنیم. اما دیدیم که روی برگ درخت نمی‌شود کارکرد. چون یکسری عوامل مثل شرایط جوی یا خشک شدن برگها یا رگ برگها یا گوشها و دندانه‌های کناری برگ نوع حرکت را تغییر می‌دادند و تحلیل حرکت را مشکل می‌کردند. آمدیم یک مدل سازی انجام دادیم با کاغذ و یکسری شکل‌های مختلف مثل دایره، مستطیل و بیضی انتخاب کردیم و روی کاغذ A4 بریم و آزمایشها را روی آنها انجام دادیم.

● علیپور: بعد از تکرار آزمایش‌هایمان شکل بیضی را به این خاطر که هم تقارن دارد و هم بیشتر از دایره شبیه به برگ درخت است و هم اینکه عامل گوشها در آن حذف شده‌اند، انتخاب کردیم و آزمایشها را روی بیضی‌ها از سرگرفتیم.

#### ○ در واقع مسئله را ساده کردید؟

● علیپور: بله، به این می‌گویند ساده‌سازی. در یک مدل جدید یکسری پارامترها را حذف می‌کنند و مسئله را حل می‌نمایند، سپس با شرائط ویژه‌ای آن را به حالت اصلی تعمیم می‌دهند.

#### ○ شما هم دست آخر مسئله تان را تعمیم دادید؟

● کیوانی: نه، این پروژه جای کار زیاد دارد اما پروژه ما تا همین جا بود.

#### ○ حالا چرا اصلاً افتادن برگ؟

● علیپور: ما دنبال یک موضوع برای پژوهشمان می‌گشتیم. یک روز توی خیابان که راه می‌رفتیم، دیدیم افتادن برگ‌ها می‌تواند سوژه جالبی باشد.

● کیوانی: ما روی خیلی موضوعات دیگر هم فکر کرده بودیم اما می‌دیدیم با شرائط سنی و امکاناتمان نمی‌توانیم آنها را به سرانجام برسانیم.

● عزیزی: یک مدت زیادی ماروی اشنه گاماکار می‌کردیم اما بعد دیدیم نمی‌توانیم بیشتر از این جلو برویم و کارمان از حالت تجربی در می‌آید و شکل تئوری به خودش می‌گیرد. در صورتی که ما می‌خواستیم حتماً کار تجربی انجام بدیم.

#### ○ در یک جمله، هدف نهایی پروژه شما؟!

● علیپور: بررسی تأثیر مساحت وارتفاع اولیه روی انحراف و شکل مسیر حرکت بیضی.

#### ○ شما پروژه را برای این جشنواره آماده کرده بودید؟

● کیوانی: اصلاً برای جشنواره کار نکردیم، فقط برای خودمان بود.

○ سالهای گذشته هم ایران در این مسابقه شرکت کرده بود؟

- علیپور: ۱۱ سال است که آکادمی علوم لهستان این مسابقه را برای دانش آموزان سراسر دنیا برگزار می کند و ایران ۵ سال است که در آن شرکت می کند. ولی ما اولین پرایز این مسابقات را دریافت کردیم.

○ فقط شما بودید؟

- عزیزی: نه، امسال ۱۳ مقاله از ایران فرستاده شد که ۴ تای آنها دیلم افتخار گرفتند.

○ خب، بیضی ها را با دست رهامی کردید و مشاهدات را ثبت می کردید؟

- علیپور: نمی توانستیم کاغذ را با دست رها کیم چرا که به خاطر نوسان دست، هم ارتفاع تغییر می کرد و هم ممکن بود کاغذ زاویه دار رها شود. به همین خاطر ما خودمان یک وسیله خیلی ساده ساختیم که با یک آهنربای مغناطیسی و مقداری برآده در زیر ورق کاغذ کار می کرد و وقتی آهنربا را به منبع تغذیه وصل می کردیم کاغذ را نگه می داشت و وقتی جریان قطع می شد، کاغذ رها می شد و به زمین می افتد.

- عزیزی: دستگاهمان را به هر کس که نشان می دادیم، از جمله استاد راهنمایمان کلی تعجب می کردند.

○ چند بار این آزمایش ها را تکرار کردید؟

- علیپور: برای داشتن نتیجه مطلوب و رسم نمودارهای مناسب جمعاً ۴۷۶۰ بار آزمایش را انجام دادیم. برای هر ارتفاع هر بیضی را ۱۳۰ بار می انداختیم و با متر انحرافش را اندازه می گرفتیم.

○ انحراف؟

- عزیزی: فاصله نقطه ای که بیضی روی زمین می افتاد تا مرکز فاصله عمود نقطه رهاشدن.

○ مگر فقط همینقدر منحرف می شد؟

- کیوانی: خب بینید ما خودمان آن را تعریف کردیم، این معیار مقیاس و سنجش ما بود.

- علیپور: ما خیلی دنبال نرم افزاری گشیم که بتواند مسیر افتادن بیضی را رسم کند اما به ما گفتند فقط صداوسیمای آمریکا این کار را می تواند انجام دهد اما اینجا نمی شود. بعداً دیدیم که ما می توانیم معیار ساده تری را خودمان تعریف کنیم که با امکاناتمان هم جور در بیاید.

- عزیزی: نتایج بسیار قابل قبول و خوبی را هم به ما داد.

○ چرا در خبرها فقط اسم الهام عزیزی عنوان می‌شد؟!

● علیپور: از قوانین این مسابقه است که هر مقاله‌ای باید به اسم یک نفر باشد. یک نفر می‌تواند دو تا مقاله داشته باشد. اما بر عکسش نه!

● عزیزی: احتمالاً به خاطر صرفه‌جویی در هزینه‌هایشان است. چون الان یک نفر از ما می‌تواند از آبان ماه به لهستان برود و یک ماه در آنجا اقامت کند.

● کیوانی: ما خودمان اسم الهام را دادیم.

○ حالا کدام تان قرار است برود لهستان؟

● علیپور: هنوز مشخص نیست، چون من و الهام که کلاس المپیاد داریم و آزاده هم که پیش‌دانشگاهی و کنکور دارد.

○ یک سؤال و آن هم این که چرا برگزیدگان چنین مسابقاتی معمولاً از یکسری مدارس خاص مثل فرزانگان یا علامه حلی اند؟

● کیوانی: فکر نمی‌کنم اینطور باشد. به خود بچه‌ها برمی‌گردد که تا چه حد فعال هستند.

○ ولی وقتی که اطلاعیه شرکت در چنین جشنواره‌هایی در سایر مدارس اصلاح‌نصب‌نمی‌شود، چه طور یک‌دانش‌آموز فعال می‌تواند شرکت کند؟

● عزیزی: خب این مشکل آموزش و پرورش است که نمی‌تواند درست تبلیغ کند.

● کیوانی: ولی خیلی جاها اعلام می‌شود.

● علیپور: نه، واقعاً اعلام نمی‌شود. هر کس باید خودش دنبال این جور مسائل باشد، من فکر می‌کنم در مدارس دیگر همبستگی علمی بین بچه‌ها نیست.

○ یعنی بچه‌های مدارس شماعلاقمند‌ترند؟

● علیپور: آره، این هست. چون ما امکانات خاصی در مدرسه‌مان نداریم و آزمایشگاه‌هاییمان حتی نسبت به مدارس غیرانتفاعی هم کم تجهیزات‌تر است.

○ ولی لااقل آزادی عمل بیشتری دارید؟

● کیوانی: خب آره، یک چیزی هست به نام آزمون ورودی این مدرسه‌ها. امتحان می‌گیرند و یکسری دانش‌آموز هم فکر دور هم جمع می‌شوند و مسلماً اینها خیلی راحت‌تر می‌توانند تبادل نظر کنند تا آدمهایی که براساس منطقه یا وضع مالی رفته‌اند به یک مدرسه!

● عزیزی: ما مثلاً برای کلاس نرفتن و انجام آزمایشها یمان باید کلی به مدرسه تعهد می‌دادیم.

ما چندان هم راحت و آزاد نیستیم.

- کیوانی: مثلاً هزینه همین پروژه ما حدود ۶۰ هزار تومان شد که حتی یک تومانش را هم مدرسه به ما نداد.

○ فکر می‌کنم تمرکز شما هاروی دروس خود تان کمتر است؟

- عزیزی و کیوانی: نه!

● علیپور: بله ... شما روی ادبیات فکر می‌کنید؟!

- عزیزی: آره، می‌توانی تمرکز کنی.

- کیوانی: البته شب امتحان.

○ در مسابقه گامی به سوی نوبل چه کشورهایی پرايزگرفتند؟

- عزیزی: اسپانیا، امریکا، لیتوانی، کرواسی، سنگاپور و ایران.

○ حالا چرا اصلاً گامی به سوی نوبل؟!

- کیوانی: جایزه نوبل را به ۲۰ سال به بالا می‌دهند. زیر ۲۰ سال را گامی به سوی نوبل می‌دهند.

- علیپور: البته این مسابقه رسماً هیچ ربطی به نوبل جهانی ندارد و مؤسسه آکادمی علوم لهستان کاملاً جداست.

○ تصور می‌کنید بتوانید در سال‌های بعد، خود نوبل را بگیرید؟

- سه نفری: شاید!

### رفيق خوب، روابط مرغوب\*

حامد باستانی و احسان آذر نسب اعضای تیم ربات امدادگر دانشگاه صنعتی اصفهان هستند که توانستند در مسابقه‌های جهانی روپوکاپ ۲۰۰۳ که از ۱۴ تا ۱۸ تیر در یکی از شهرهای جنوبی ایتالیا، پادوا برگزار شد، کنار دیگر تیمهای موفق دانشگاهی ایران به مقام سوم دست پیدا کنند. حامد و احسان هردو ۲۱ سال دارند و در حال حاضر دانشجوی ترم ۸ رشته برق دانشگاه صنعتی اصفهان، گرایش کنترل هستند. آن دو پیش از همکار و

\* گفتگو با حامد باستانی و احسان آذر نسب / جام جم، شماره ۹۳۶ / ۴ مرداد ۱۳۸۲

همکلاس بودن، ۲ دوست کاملاً صمیمی اند. به بیشتر پرسشها یم با هم دیگر پاسخ می‌دهند و فقط در پاسخ یکی دو پرسش شخصی، جداجداً صحبت می‌کنند. مسابقه‌های روبوکاپ اولین تجربه این تیم ۲ نفره به اصطلاح شهرستانی نبوده است، به نظر می‌رسد موفقیت جدید آنها چندان بی‌زحمت به دست نیامده است. نخستین تجربه آنها مسابقه‌های سال ۸۰ موش هوشمند بود که در تبریز برگزار شد و آنها توانستند در میان ۴۶ تیم، دوم شوند سال گذشته نیز در مسابقه‌های بین‌المللی ربات مین روب (Robo Deminer) که از طرف سازمان ملل متحد در تهران برگزار می‌شد با اختلاف امتیاز زیادی نسبت به تیم بعدی، اول شدند. با موفقیت این ۲ نفر در کنار تیم دیگری از دانشگاه صنعتی اصفهان، گویا می‌توان امیدوار بود تیمهای شهرستانی هم پابه‌پای رقبای تهرانی‌شان اوج بگیرند، می‌توانند برای اطلاعات بیشتر درباره آنها به این نشانی اینترنتی مراجعه کنید. [www.ecerc.org/iutmicrobot](http://www.ecerc.org/iutmicrobot)

#### ○ چه احساسی از این موفقیت دارید؟

- خب وقتی آدم زحمت می‌کشد و وقت می‌گذارد، انتظار دارد به موفقیت هم برسد. ما فکر می‌کنیم نتیجه تلاش چند ماهه‌مان را گرفتیم.

#### ○ انتظار چیزی بیشتر از این را نداشتی؟

- ما در خیلی از زمینه‌ها نسبت به بقیه رقبیانمان جلوتر بودیم، اما فکر می‌کنیم به چیزی که حتماً بود، رسیده‌ایم، نه انتظاری بیشتر از این داشتیم و نه کمتر از این.

#### ○ ضعف و قوت کارتان در چه بود؟

- از نظر برنامه‌نویسی و نرم افزار خیلی از بقیه جلوتر بودیم. حتی ماسنسورها و حسگرهای بهتری هم داشتیم، اما در زمینه مکانیک از رقبا عقب‌تر بودیم، اگر یک نفر مشاور مکانیک داشتیم، شاید هم می‌توانستیم اول شویم.

#### ○ از این نظر ناراحت نیستید که اول نشیدید؟

- خب نه، درسی شد برای دوره‌های بعدی که از مشاوران مکانیک هم کمک بگیریم.

#### ○ از استرس‌ها و نگرانی‌هایتان بگویید.

- حامد باستانی: من اپراتور ربات بودم، یعنی باید در طول مسابقه رفتار ربات را کنترل می‌کردم. این بود که تار فتم ایتالیا و برگشتم دور کمرم به اندازه یک سوراخ کمریند کمتر شده بود.

- احسان آذر نسب: اما من هیچ استرسی نداشتم، خیال‌م راحت بود.

○ چطور توانستید به چنین موقعيتی دست پیدا کنید؟

- حامد: اول علاقه است و انگیزه. این ذات آدمی است که از هر چیز، کمال و نهایت آن را می خواهد، در هر زمینه‌ای، چه مادی و چه معنوی.
- احسان: خب چند سال بود که داشتیم به چنین طرحی فکر می کردیم. دوست داشتیم بتوانیم چیزهایی را که یاد گرفته‌ایم، یکجا عملی کنیم.

○ ارتباطر رشته‌ای که در دانشگاه‌می خوانید با کاری که می کنید چه بود؟

- گرایش کنترل رشته برق، یکی از نزدیک ترین گرایش‌های رشته برق به علم ربوتیک است، البته در ساختن یک ربات فقط کنترل نیست که مهم است، الکترونیک و مخابرات و برنامه‌نویسی و مکانیک هم اهمیت دارند. در واقع این گرایش برق، بیشتر از بقیه گرایش‌های این رشته جامع و کامل است.

○ فکر می کنید درس و دانشگاه چه کمکی به موقعيت شما کرده است؟

- نمی شود گفت دانشگاه مؤثر نیست، اما در ایران تحصیلات دانشگاهی نمی تواند چندان کمکی به تحقیق و پژوهش علمی کند. شاید فقط چند درس تخصصی آن هم در ترم‌های پایانی بتوانند چیزی به دانشجو بدهند، البته لزومی هم ندارد در سهایی که می خوانیم به کار مان بیایند، همین قدر که دید علمی و تحقیقی بدهند، مغتنم است.

○ چرا این طور است؟

- شاید چون بیشتر درس‌های دانشگاهی ما درس‌های کلاسیک و نظری هستند.

○ چقدر خود دانشجوها در ایجاد چنین فضایی مؤثر بوده‌اند؟

- خب تا حد زیادی تقصیر خود ما بوده است. بیشتر دانشجوها می خواهند از زیرکار در بروند و درس عادی‌شان را هم به زور پاس می کنند. دانشجو باید خودش هم بخواهد. منع عظیمی مثل اینترنت می تواند پاسخ هر پرسشی را با خود داشته باشد.

○ وضعیت درسی خود تان چطور است؟

- متوسط است. معدل درسی مان از معدل دانشگاه بالاتر است، اما در حد معدل B است.

○ چطور هم‌یگر را پیدا کردید؟

- ما از پیش دانشگاهی با هم بودیم و از اول دانشگاه این فعالیت‌هایمان را شکل دادیم و دنبال کردیم، البته دوستان دیگری هم بوده‌اند که با ما همکاری می کرده‌اند؛ از جمله دوست

خوبیمان آقای شریعتمداری که امسال چون در رشته مخابرات فوق لیسانس دانشگاه صنعتی  
شریف قبول شده بودند، نتوانستند تیممان را همراهی کنند. الان هم ۴ سال است که بیشتر از  
خانواده‌هایمان همدیگر را می‌بینیم. کم کم داریم از قیافه همدیگر خسته می‌شویم.

○ چقدر به کارگروهی اعتقاد دارید؟

● اگر در یک گروه، افراد بتوانند یکدیگر را تحمل کنند و به هم احترام بگذارند و هر کس  
بتواند کار خود را با احساس مسؤولیت انجام دهد، به طور قطع گروه موفقی خواهد بود.

○ با توجه به این که رو بوكاپ به منظور آموزش کارگروهی به داش آموزان نوجوان، بخش ویژه‌ای  
در نظر گرفته است، فکر می‌کنید چقدر در ایران به کارگروهی اهمیت داده می‌شود؟

● خیلی کم. ما در طول مسابقه‌ها با یک گروه ژاپنی همسایه بودیم. این تیم با این که در همان  
روزهای اول از دور مسابقه‌ها حذف شده بود، اما تا آخرین روزها و تانیمه‌های شب با پشتکار  
عجیبی مشغول کار بودند و این فقط به خاطر قوت کارگروهی شان بود. شاید اگر ما ایرانی‌ها هم  
بیشتر از این به کارگروهی اهمیت می‌دادیم، به مراتب جلوتر از این بودیم.

○ یعنی باید چکار کرد؟

● ظرفیت‌های خودمان را بالا ببریم. همدیگر را در کنیم. اینها حرفهایی است که همیشه  
گفته شده است، اما باید به طور جدی به آنها فکر کنیم. آنچاکه بودیم همیشه از تیمهای ایرانی  
صدای داد و فریاد بلند بود که همدیگر را مقصراً می‌دانستند، اما تیمهای دیگر هیچ وقت آرامش  
خود را از دست نمی‌دادند.

○ با توجه به هدف نهایی رو بوكاپ که برگزاری یک مسابقه فوتbal واقعی میان تیم‌رباتهای خودکار  
و یک تیم فوتbal انسانی است، فکر می‌کنید چقدر تا هوش مصنوعی و رباتهای هوشمند فاصله داریم؟

● خیلی نزدیک شده‌ایم. در همین دور مسابقه‌ها، رباتهای رقصنده‌ای ساخته شده بودند که  
براساس موسیقی‌ای که برایشان نواخته می‌شد، می‌رقصیدند. این رباتها باید تعادل خودشان را  
هم حفظ می‌کردند، درحالی که حفظ تعادل یکی از پیچیده‌ترین اعمال انسان است یا رباتهایی  
ساخته بودند که با توجه به حرفهای شما، حالت چهره و لحن صحبت‌هایتان، به شما پاسخ مناسب  
می‌دادند.

به نظر می‌رسد همین حالا هم درگیر هوش مصنوعی شده‌ایم. در تمام نقاط جهان دارند روی  
موضوع هوش مصنوعی کار می‌کنند؛ ولی هرچه باشد مصنوعی است.

○ موقعیت ایران را در این زمینه چطور می‌بینید؟

- در ایران استعدادها، علاقه‌ها، پشتکارها و انگیزه‌ها خیلی زیاد است؛ اما متأسفانه امکانات نیست. ببینید، نمی‌شود به کمترین‌ها راضی شد. درست است که چند تیم از ایران در مسابقه‌های روبوکاپ مقام آورده‌اند، اما اینها فقط یک نمونه است.  
حیف که هم ظرفیت و هم قدرت و توانایی پیشرفت را داریم اما از مدیریت ضعیف رنج می‌بریم. مدیریت ما از ظرفیت جوانان ما خیلی فاصله دارد.

○ درباره جوانی کردن چه فکر می‌کنید؟

- موافقیم. جوانی بهترین و قشنگ‌ترین دوران زندگی آدم است. بیشترین نشاط و بیشترین انرژی در این دوران است. و خب باید از این دوران استفاده کرد، به بهترین وجه.

○ خود شما جوانی می‌کنید؟

- حامد: من آدم تک جنبه‌ای نیستم و می‌کوشم به تمام جوانب زندگی ام برسم؛ اما چون فقط ۲ نفر بودیم، به همین علت کار زیادی داشتیم. شاید نتوانستم در این مدت آنقدر که باید جوانی کنم.

- احسان: من وجه خوب جوانی را می‌بینم. یک جوان ذهن بازی دارد و می‌تواند راجع به موضوعات مختلف، کامل تر و جامع تر فکر کند. جوان چیزهایی را می‌بیند که خیلی‌ها متوجه‌اش نمی‌شوند؛ اما من هم نتوانستم آنقدر جوانی کنم.

○ اگر بخواهید جوانی کنید چطور این کار را انجام می‌دهید؟

- احسان: مسافرت، بهتر از این نمی‌شود؛ البته من تا پیش از این کارهای هنری هم می‌کرم؛ اما حالا مجبور شده‌ام آنها را کنار بگذارم. مگر بعضی وقتها که دوباره باید از آنها می‌کنم.

- حامد: من هم زمانی خیلی نقاشی می‌کشیدم، خطاطی می‌کردم و موسیقی هم کار می‌کردم. الان بعضی وقتها که نقاشی‌ها و خطاطی‌های خودم را می‌بینم، دلم می‌سوزد که ای کاش می‌توانستم بیشتر ادامه دهم.

○ یعنی فکر می‌کنید برای رسیدن به چنین موقفیتی باید از این تفریحات صرف نظر کرد؟

- خب شاید به طور موقت لازم باشد از بعضی چیزها چشم پوشی کنیم؛ اما این که همیشگی نیست.

○ چطور وقت تلف می‌کنید؟

● سعی می‌کنیم وقت تلف نکنیم. در واقع اگر هم کاری می‌کنیم که چندان مفید به نظر نمی‌رسد، برای رسیدن به هدف است. اگر هدف مشخصی داشته باشی، خوابیدنت هم هدفمند و ارزشمند می‌شود؛ اما وقت آزادمان را بیشتر با دوستانمان طی می‌کنیم.

○ رابطه تان با دوستانتان مزاحم کار تان نیست؟

● نه. دوستهای ما خیلی هم به ما کمک می‌کنند. تشویق‌ها و تأییدهایشان در موفقیت ما مؤثر بوده‌اند. الان هم به همه‌شان یک میهمانی بدھکاریم.

○ فکر می‌کنید شهرستانی بودن تان چقدر در کارهای تان مانع ایجاد کرده است؟

● ارتباط‌های زیادی که با دوستانمان در تهران داشته‌ایم، باعث شده این مسئله خیلی نتواند جلوی ما را بگیرد؛ اما هرچه باشد واضح است امکاناتی که در تهران به عنوان یک پایتحت وجود دارد، در شهرستان‌ها نیست. همین طور امکاناتی که در تهران هم پیدا نمی‌شوند و باید از خارج از کشور تهیه شوند.

○ فکر می‌کنید چقدر به کار تان در ایران اهمیت بدهند؟

● خیلی کم. شاید اگر پیگیری و علاقه شخصی مان نبود، این موفقیت را هم نداشتیم. ما هنوز لوح تقدیر و حایزه مسابقه‌های ربات مین‌یاب را که به وسیله سازمان ملل در ایران برگزار شد، دریافت نکرده‌ایم. در حالی که می‌دانیم سازمان ملل مدتی است آنها را برای ما فرستاده اما ۱۱ ماه است که در وزارت علوم مانده است؛ اما در همین مسابقه روبوکاپ، ۱۰ دقیقه پس از آخرین دور مسابقه‌ها، کاپ و لوح تقدیرمان را گرفتیم. بینید برای ورزشکارها یا بازیگران موفق چکار می‌کنند؟ چه امکاناتی در اختیارشان می‌گذارند؟ به هر حال باید خوشحال بود که ایرانی‌ها اینقدر انگیزه و پشتکار دارند. هرچه باشد ایران است. وطن ماست.

○ دوست ندارید خارج از کشور به تحصیلات تان ادامه بدهید؟

● نه. اینجا خیلی چیزها هست که هیچ جای دیگر نیست. خانواده، دوستان، فرهنگ خودمان ... این برخوردها هم بیش از آن که دلسردمان کنند، عزمان را جزم‌تر می‌کند و به ما انگیزه بیشتری می‌دهد.

○ حرف‌تان برای جوانهای هموطن‌تان چیست؟

● خودشان را و ایده‌هایشان را جدی بگیرند. هدفهای بزرگی برای خود انتخاب کنند تا وقتی به هدف‌شان رسیدن، لذت بیشتری ببرند. هدفهای کوچک برای آدمهای کوچک است. دیگر

این که، به رایانه و علوم رایانه اهمیت بدهند. دانستن یک زبان برنامه نویسی رایانه در شرایط فعلی جهان، یک حداقل است.

○ فکر می کنید تفاوت تنان با جوانهای همسن و سالتان چیست که تو انتهای اید به این موقیت بررسید؟

● هدفهایمان را ایده آل گرفتیم. شاید به این علت که به طرحها و ایده هایمان اهمیت دادیم؛ البته شرایط خانوادگی نیز مؤثر بوده است. خانواده های ما با ترتیب دادن یک محیط آرام و سالم خیلی به ما کمک کردند.

○ چه خیالی برای آینده تان دارید؟

● بعضی ها می گویند هر موقیتی را باید در او جشن کنار گذاشت تا نام آدم ماندگار شود؛ اما ما فکر می کنیم تازه اول راهیم و خیلی تا اوج مانده است. تازه هر کاری در اوج آغاز می شود. به یاری خداوند همچنان کنار یکدیگر ادامه خواهیم داد.

### تحویل بگیرید، نمی رویم!\*

فصل، فصل مدالهایست. موسم طلاها و نقره هایی که بر گردن نخبگان علمی جوان کشورمان آویخته می شود و به عادت هرساله بدרכه های با شکوهی پر از تاج گل و لبخند و افتخار به دنبال دارد که چندروزی و فقط چند روزی همه نگاهها را متوجه این برگزیدگان می کند و چه کسی می داند پشت این مدالها چه تلاش های چند ماهه یا حتی چند ساله ای نهفته است؟ و چه امیدواری هایی به آینده که فقط به همین مقامهای چند روزه بسته نشود و راه هموار باشد برای رسیدن به چشم اندازهای وسیعتر و افتخارآفرین تر و البته با نتیجه های بهتر.

امروز به سراغ حسین صادقی اصفهانی، برنده مدال طلای المپیاد شیمی رفته ایم تا بدانیم تا به امروز چه کرده است؟ بخواهیم از خودش بگوییم و از شیمی بگوییم که بیشترین دل مشغولی اش در همه این سالها بوده است. بیاید آرزو کنیم حسین که دیلم ریاضی اش را از مدرسه شهید سلطانی کرج گرفته، تنها یک مدال طلا که روزی برگردن افتخارات ما آویخته شده است، نماند. بیاید دعا کنیم قهرمانان علمی کشور وقتی تب و تاب این روزهای طلایی گذشت، فراموش نشوند و همچنان افتخارآفرین بمانند و بمانند!

\* گفتگو با حسین صادقی اصفهانی، برنده مدال طلای المپیاد شیمی در سال ۹۲۵ / جام جم، شماره ۸ / مرداد ۱۳۸۲

○ المپیاد چقدر برایت مهم بود؟

- خود شیمی بود که برایم مهم بود.

○ المپیاد کی برایت مهم شد؟

● وقتی دیدم اگر قبول نشوم باید برای کنکور درس بخوانم. سال آخر چون خیلی شیمی می خواندم درسهای دیگر را نمی خواندم. بخصوص در درسهای عمومی مشکل داشتم؛ چون نخوانده بودمشان و اگر در المپیاد کشوری انتخاب نمی شدم، باید کنکور می دادم. کنکور هم برایم کابوس بود. برای همین سعی کردم حتماً طلای کشوری را بیاورم تا از کنکور معاف شوم.

○ چرا از کنکور می ترسیدی؟

- خیلی ازش بد شنیده بودم. می گفتند سخت است.

○ کنکور سختتر از المپیاد است؟

● بله. برای المپیاد باید فقط شیمی می خواندم که به آن علاقه داشتم و لازم نبود آن چیزهایی را هم که دوست ندارم مطالعه کنم؛ اما برای کنکور باید همه درسها را می خواندم.

○ به شیمی چطور علاقه مند شدی؟

● همیشه از واکنش‌های شیمیابی خوشم می آمد. بخصوص از آزمایش‌های کتاب علوم بعد هم به فکر افتدام موادی را که در آزمایش‌های کتاب علوم هست بخرم و آزمایشگاه کوچکی را که در خانه‌مان داشتم کم‌کم مجهز کردم و آزمایش‌های مختلفی انجام می دادم.

○ خانواده‌ات نگران عواقب این فعل و انفعالات شیمیابی نبودند؟

● نه. مخالفت نمی کردند. فقط به شوخی می گفتند آخر خانه را می فرستی روی هوا. در واقع نقش مهمی در موقعیت‌های من داشتند و دارند.

○ چقدر به خاطر مقامی که آورده‌ای احساس رضایت می کنی؟

● خیلی. البته نه فقط به خاطر مقام، بیشتر به خاطر تغییرات مثبتی که در زندگی ام به وجود آمده است. این مدت که با دوستانم در اردو بودیم، آنها تأثیرات زیادی روی من داشتند. این دوره باعث فعل و انفعالاتی در وجود من شد که در مجموع احساس مثبت‌تری به زندگی پیدا کرده‌ام.

یکی از این فعل و انفعالات هم لابد این است که موقع حرف زدن از اصطلاحات شیمی برای همه چیز استفاده می کنی!

○ خوب حالا بگو نسبت به اتفاقاتی که دور و برت می‌افتد چه واکنشی نشان می‌دهی؟!

- خیلی سریع در واکنش‌ها شرکت می‌کنم. بهتر است بگوییم قبلًا خیلی سریع واکنش نشان می‌دادم و زود از کوره در می‌رفتم. حتی جاهایی که لازم نبود دخالت کنم، دخالت می‌کردم. حالا ترجیح می‌دهم واکنش‌هایم درونی ترشود و در ظاهر کمتر واکنش نشان بدهم.

○ مдал طلا راضی است کرد؟

- به خیلی چیزهایی که خواسته‌ام رسیده‌ام؛ اما همیشه انتظارم از خودم بیش از اینها بوده است. بیشتر دلم می‌خواهد آدم مفیدی باشم، آن وقت است که احساس رضایت می‌کنم.

○ چطور می‌توانی مفید باشی؟

- وقتی تدریس می‌کنم احساس می‌کنم مفیدم. موقعی هم که در اردوی المپیاد بودیم، جمعه‌ها در دبیرستان خودمان در کرج به بچه‌ها شیمی درس می‌دادم.

○ حقوق هم می‌گرفتی؟

- حقوق نه، ولی چون درس می‌دادم شهریه پیش‌دانشگاهی را ندادم.

○ برای رسیدن به مдал طلا جهانی چه مراحلی را طی کردی؟

- اول در مرحله اول المپیاد کشوری شرکت کردیم و ۵۰ نفر انتخاب شدیم. بعد در مرحله دوم حدوداً ۴۰ نفر پذیرفته شدیم و تابستان سال ۸۱ در دوره‌ای شرکت کردیم که اساتید دانشگاه، یک سری مطالب دانشگاهی را به ما آموزش می‌دادند که بالاتر از سطح کتابهای درسی مان بود و در پایان این دوره ۶ نفر انتخاب شدند که در واقع این ۶ نفر، مдал طلا کشوری را آوردند و بعد هم در یک دوره ۸ ماهه از اوایل آبان ۸۱ تا اواخر فروردین ۸۲ در اردوی آموزشی تیم ملی المپیاد شیمی کشوری بودیم و نهایتاً ۴ نفر از ما به عنوان تیم ملی ایران برای امتحان نهایی به یونان رفیم.

○ آنجا چه مقامی آوردید؟

- رتبه دوم را با ۳ طلا و یک نقره.

○ این رتبه خوب چه پیامدهای جهانی‌ای داشت؟

- ما در المپیادها رتبه‌های خوبی می‌آوریم و همین باعث می‌شود نگاه دنیا به ایران تغییر کند. آنجا اکثر بچه‌ها سعی می‌کردند با ما صحبت کنند و می‌گفتند ما می‌دانیم وضعیت علمی ایران قوی است؛ اما چرا ایران که از نظر علمی این قدر رتبه‌های خوبی می‌آورد از نظر تکنولوژی

ضعیف است؟

○ و شما چه جوابی به آنها می‌دادید؟

● جوابی برای آنها نداشتیم.

○ فکر می‌کنی مشکل کار کجاست؟

● بی توجهی به نخبگان مثلاً به ما که برگزیدگان علمی کشور هستیم، فقط تا چند روز بعد از این که مقام می‌آوریم توجه می‌شود و بعد فراموش می‌شویم. وضعیت آزمایشگاه‌ها در ایران ضعیف است و کمتر کسی پیدا می‌شود که با علاقه درس بخواند.

○ علت این بی‌علاقگی به درس خواندن را می‌دانی؟

● در مدرسه به بچه‌ها خیلی فشار می‌آید. مطالب کتابها خیلی زیاد است. بخصوص در دوره راهنمایی! به نظر من کسی در این دوره اصلاً راهنمایی نمی‌شود. خود من دوران راهنمایی را به زور گذراندم.

○ و چطور شد در دبیرستان به درس خواندن علاقه‌مند شدی؟

● چون در دبیرستان درس شیمی داشتم و من خیلی دوستش داشتم.

○ چه پیشنهادی برای ارتفای سطح علمی و فناوری کشور داری؟

● فکر می‌کنم مهمترینش این است که پست‌های مدیریت علمی به افرادی داده شود که صلاحیت علمی لازم را داشته باشند و خودشان اهل علم باشند.

○ المپیاد غیر از مدارالچهاری برایت داشت؟

● هم افتخار، هم معافیت از کنکور و هم معافیت از سربازی.

○ برای آینده‌ات چه برنامه‌ای داری؟

● ادامه تحصیل می‌دهم. مهندسی مکانیک و شیمی را می‌خواهم همزمان بخوانم. المپیادی‌ها این امکان را دارند که دو رشته درسی را با هم بخوانند.

○ چرا مکانیک؟

● چون به فیزیک و ریاضی هم علاقه‌مندم. البته هنوز تصمیم قطعی نیست، باید بیشتر تحقیق کنم. اگر هم هر دو را در مقطع لیسانس بخوانم برای فوق لیسانس یکی را ادامه می‌دهم.

○ بعد از تمام شدن درست چه کار می‌کنی؟

● دلم نمی‌خواهد این طور باشد، ولی تجربه بقیه المپیادی‌ها نشان داده که بعد از دوره

لیسانس به احتمال زیاد من هم به خارج از کشور می‌روم. چون می‌دانم اینجا امکانات لازم را در اختیار نمی‌گذارند. هر چند این را هم می‌دانم که اگر بروم، حتماً بر می‌گردم. چون اینجا کشورم است.

○ فقط به خاطر نبودن امکانات است که می‌روی؟

● بله. از المپیاد که بر می‌گردیدم، چند روز تحویل مان می‌گیرند بعد کاملاً فراموش می‌شویم تا وقتی که پاییمان را از کشور گذاشتم بیرون آن وقت اسم مان می‌شود «مغز» و کار مان می‌شود «فرار مغزها» و دوباره سوژه می‌شویم.

○ اگر بروم کی بر می‌گردی؟

● وقتی تحصیلاتم تمام شود و وقتی که از نظر مالی این امکان را داشته باشم که راحت بتوانم بین کشور خودم و کشوری که آنجا درس خوانده‌ام رفت و آمد کنم. در نهایت می‌خواهم برای کشور خودم کارکنم.

○ همان اندازه‌ای که المپیاد برای دانش آموzan ایرانی مهم است برای بجهه‌های کشورهای دیگر هم مهم است؟

● هم بله و هم نه. به هر حال آنها راههای موفقیت بیشتری دارند؛ ولی ما در ایران فکر می‌کنیم فقط یک راه موفقیت وجود دارد و آن هم المپیاد است.

○ از خودت بگو چطور جوانی می‌کنی؟

● جوانی نمی‌کنم. آدم خشک و جدی‌ای هستم؛ اما خیلی دلم می‌خواهد شادتر از این باشم. ریشه این شادنبودن را در چه می‌بینی؟

● اگر ریشه‌اش را پیدا کنم بسرعت ریشه‌کنش می‌کنم.

○ تفریحات چیست؟

● صبحها نرمش می‌کنم. کامپیوتر بازی می‌کنم. گاهی هم یک مقاله شیمی می‌نویسم و به فصلنامه باشگاه دانش‌پژوهان جوان می‌دهم. تقریباً شیمی است.

○ به کدام یک از دانشمندان شیمی بیشتر علاقه‌مندی؟

● به «اروین شرودینگر» که البته او را بیشتر به عنوان یک فیزیکدان می‌شناسند. او یکی از دانشمندان کوانتوم است و معادله معروفی هم به اسم خودش دارد و مدل اتمی را خیلی خوب تکمیل کرده و کمک زیادی هم به ارتقای علمی شیمی کرده.

○ دوست داشتی به جای کدامیک از اجزای اتم باشی؟

- دوست داشتم هسته باشم که همه دورم بگردند! البته این را به شوخی گفتم. چون این ظاهر قضیه است که همیشه ثابت است و الکترون‌ها به دور آن می‌چرخند، اما در حقیقت همه اینها دور هم می‌چرخند و هیچ کدامشان ثابت نیستند. درواقع بیشتر دوست دارم خودم باشم، اما بار مثبت داشته باشم. تا دو سال پیش بیشتر منفی باف بودم، اما حالا به این نتیجه رسیده‌ام که بهتر است حتی در حرف زدن عادی ام هم بیشتر از فعل‌های مثبت استفاده کنم مثلاً اگر می‌خواهم از کسی بپرسم آب می‌خواهد یا نه، بهتر است به جای این که بپرسم «آب نمی‌خوری؟» بپرسم «آب می‌خوری؟»

○ ○ ○

**انتظار نفر اول کنکور سراسری از مسئولان\***

○ از خودتان بگویید؟

- در سی ام شهریور ۱۳۶۴ هجری شمسی در روستای قصاب نوشیروانی شهرستان بابل متولد شدم. پدرم جانباز دفاع مقدس و کشاورز است و مادرم خانه‌دار. فرزند بزرگ خانواده هستم و دو برادر کوچکتر از خود دارم. دوره راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی را در مرکز فرانگان بابل (سمپاد) سپری کردم.

○ معدل شما در دوره پیش‌دانشگاهی چند شد؟

● ۱۹/۷۵ صدم

○ حدس می‌زدید رتبه اول کنکور شوید؟

- خیر. فکر می‌کردم رتبه‌ام بین ۱۰ تا ۲۰ شود و به همین دلیل خیلی خوشحالم که تلاش‌های خودم و خانواده‌ام بی‌نتیجه نماند.

○ در دوره پیش‌دانشگاهی شبانه‌روز چقدر درس می‌خوانید؟

\* گفتگو با پریسا یوسف‌پور نفر اول گروه علوم تجربی کنکور سراسری دانشگاهها در سال ۱۳۸۲ از مرکز فرانگان بابل

(سمپاد)/کهان، شماره ۱۷۷۳۲ / ۲۰ مرداد ۱۳۸۲

- روزهایی که به مدرسه می‌رفتم، حدود شش ساعت و روزهای تعطیل بین هشت تا نه ساعت درس می‌خواندم.
  - خسته نمی‌شدی؟
- چرا، ولی لازم بود که تلاش کنم، چون می‌خواستم تکلیف سرنوشت را روشن کنم.
  - عوامل موفقیت خود را در آزمون سراسری چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- لطف خدا، تلاش‌های خانواده، مسئولان مدرسه، معلمان و پشتکار و جدیت خودم اصلی‌ترین عوامل این موفقیت می‌باشند.
  - اولین رشته‌ای که در فرم انتخاب رشته، پرکرده‌اید چیست؟
  - رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
  - بعد از دورهٔ پزشکی عمومی می‌خواهید در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دهید؟
  - رشته قلب یا مغز و اعصاب
  - بعد از اتمام دوران تحصیلات عالی فکر می‌کنید به بابل برگردید؟
    - نمی‌دانم، باید شرایط آن زمان را دید.
  - برای داوطلبان ورود به دانشگاه چه توصیه‌هایی دارید؟
  - آنها باید در درجه اول به خودشان تکیه کنند و اعتماد به نفس داشته باشند و مطمئن باشند که اگر به اندازه کافی فعالیت و تلاش کنند، موفق می‌شوند.
  - به چه نوع ورزشی علاقه مند هستید؟
  - والیبال و بسکتبال
  - چه نوع هنری را دوست دارید؟
  - نقاشی
  - اوقات فراغت خود را چگونه سپری می‌کنید؟
  - کتاب می‌خوانم، نقاشی می‌کنم و برخی اوقات تلویزیون می‌بینم.
  - غیر از کتاب درسی، چه نوع کتاب‌هایی می‌خوانید؟
  - کتاب‌های داستان و یا علمی
  - اشاره کردید که پدر شما جانباز است، ممکن است بفرمایید از چه ناحیه‌ای ایشان جانباز شده است؟

● از ناحیه سر، لگن و ساق پا.

○ با اینکه پدر شما جانباز است، باز کار می کند؟

● بله، به کار کشاورزی مشغول است، زیرا مجبور است. به هر حال باید برای تأمین هزینه زندگی ما تلاش کند، البته مادرم به ایشان خیلی کمک می کند.

○ مگر از طرف بنیاد جانبازان به شما کمک نمی شود؟

● پدرم بعد از مجروح شدن، برای مسائل جانبازی خود دیر مراجعه کرد و به همین دلیل به کارهایش رسیدگی نمی کردند و از این نظر مشکلات زیادی داریم.

○ این نوع مشکلات، مانع رسیدن شما به اهدافتان نمی شوند؟

● به نظر من، آدم اشرف مخلوقات است و مشکلات و سختی ها هر اندازه هم بزرگ باشند، نمی توانند مانع پیشرفت او شوند، زیرا انسان با تلاش و کوشش می تواند بر مشکلات بزرگ هم غلبه کند.

○ بهترین الگو برای شما کیست؟

● مادرم برای من بهترین الگو است. زیرا او همیشه در مقابل سختی ها ایستادگی کرد و هیچ وقت خودش را نباخت. او با پدر جانبازم بهترین همکاری ها را کرد و هیچ وقت طوری رفتار نکرد که ما را نگران سازد.

○ بزرگترین آرزوی شما چیست؟

● اول سلامتی پدر و مادرم و بعد اینکه یک پزشک خوب برای کشور بشوم.

○ چی پیامی برای نسل جوان دارید؟

● پیام من این است که دوران جوانی، دوران بسیار مهم زندگی است. انسان در دوره جوانی توان زیادی دارد، بنابراین باید از این توان به گونه ای استفاده کند که در آینده افسوس گذشته را نخورد.

○ به عنوان آخرین سؤال، انتظار شما از مسئولان کشور چیست؟

● انتظار من این است که اولاً به وضعیت بیماری و جانبازی پدرم رسیدگی و ثانياً به مدارس روستایی کشور توجه بیشتر کنند. مادر روستاهای دانش آموزان با استعداد و پر تلاشی داریم که تلاش های آنها به علت کمبود امکانات آموزشی بخصوص معلمان با تجربه به نتیجه دلخواه نمی رسد.

## شرط موافقیت در آزمون سراسری مطالعه و برنامه‌ریزی صحیح است\*

مطالعه و برنامه‌ریزی صحیح، شرط موافقیت داوطلبان ورود به دانشگاه در آزمون سراسری است.

آقای «رضا پورابوالقاسم» نفر اول آزمون سراسری در گروه علوم ریاضی و فنی، متولد ۱۳۶۴، اهل اردبیل با بیان این مطلب، به سوالات خبرنگار ما پاسخ گفت. متن این گفتگو را با هم می‌خوانیم:

### ○ از وضعیت تحصیلی و خانواده خود بگوئید؟

- در دوران ابتدایی وضعیت تحصیلی مناسبی داشتم. در دوره راهنمایی کمی افت تحصیلی پیدا کردم، اما با ورود به مقطع متوسطه، بینش جدیدی نسبت به تحصیل در من ایجاد شد و با انگیزه و علاقه به مطالعات کتابهای درس می‌پرداختم. از خانواده‌ام نیز باید عرض کنم، پدرم پژوهشک و مادرم خانه‌دار و خواهر ارشدم پژوهشک متخصص می‌باشد. خواهر بزرگترم نیز در حال تحصیل پژوهشکی است و تشویق آنان را قابل تقدیر می‌دانم.

### ○ چه کسی در انتخاب رشته تحصیلی شما نقش داشت؟

- تشویق خانواده و علاقه‌ای که در خود دیدم باعث شد تا به رشته ریاضی در دبیرستان گرایش پیدا کنم. البته انگیزه کافی برای تحصیل در رشته ریاضی را در خود می‌دیدم و تردیدی نداشت. ولی در این راستا حمایت‌های خانواده رانمی توانم انکار کنم.

### ○ توصیه شما به دانش آموzan دبیرستانی برای انتخاب رشته تحصیلی چیست؟

- به دانش آموzan دوره متوسطه که قصد دارند در رشته ریاضی تحصیل کنند، توصیه می‌کنم دیدگاه جامعی نسبت به این رشته کسب کنند و درس ریاضی را با علاقه مطالعه نمایند. باید عرض کنم که یک دانش آموز در رشته‌های مختلفی چون تجربی، انسانی، فنی و حرفه‌ای و کار دانش می‌تواند تحصیل کند و براساس توانایی‌ها بالقوه خویش موافقیت‌های چشمگیری را بدست آورد.

\* گفتگو با رضا پورابوالقاسم، نفر اول آزمون سراسری ۱۳۸۲ دانشگاهها در گروه علوم ریاضی از مرکز شهید بهشتی اردبیل

(سپاد) / جمهوری اسلامی، شماره ۶۹۸۶ / ۲۳ مرداد ۱۳۸۲

اما یک دانش آموز قبل از انتخاب رشته باید معیارهایی را در ذهن خود داشته باشد و با تصمیم‌گیری صحیح، بررسی وضعیت و آینده تحصیلی در دانشگاه، رشته مورد علاقه خود را در دبیرستان برگزیند.

○ وضعیت تحصیلی شما در دوره متوسطه چطور بود؟

● خوب بود، زیرا با مطالعه و استفاده مناسب از فرصت‌ها به تحصیل پرداختم و با همتی که در خود ایجاد کرده بودم توانستم دوره پیش‌دانشگاهی را با معدل ۱۹/۸۲ سپری نمایم.

○ عوامل موافقیت خود را چگونه برگزیند؟

● اول خدا و بعد خودم. انشاء‌الله با رضایتی که خداوند از من داشته، این عنایت را در حرم روا کرده و چنین موافقیتی را کسب کرده‌ام. مطالعات و تلاش‌های مستمر خودم هم در مرتبه بعد قرار دارد و نقش خانواده نیز قابل ستایش است.

○ اوقات فراغت خود را چگونه سپری می‌کردید؟

● مطالعه، عبادت و برنامه‌های متنوعی داشتم و به خانواده نیز اهتمام می‌ورزیدم.

○ در کنار تحصیل برنامه تحصیلی هم داشتید؟

● بله، البته سعی می‌کردم به تحصیل و برنامه مطالعاتی ام لطمه‌ای وارد نشود و در امورات خود هدف داشتم.

○ چه برنامه‌ای برای مطالعات خود تدوین کرده بودید؟

● از دوسال گذشته مطالعات خود را برای کنکور آغاز کردم و تابستان را صرف مطالعه دروس دوم و سوم دبیرستان و کتب پیش‌دانشگاهی نمودم تا پیش‌زمینه‌ای برای دوره پیش‌دانشگاهی ام باشد و پس از آن با تلاشی مضاعف خود را برای آزمون سراسری آماده کردم.

○ آیا برای موافقیت در کنکور به موسسه‌ای می‌رفتید؟

● خیر، معمولاً از کتابهای مختلف برای رفع اشکال بهره می‌بردم و از کتب کمک آموزشی نیز استفاده می‌کردم اما تکیه اصلی مطالعاتی من «کتاب درسی» بود.

○ چه توصیه‌ای به داوطلبان ورود به دانشگاه دارید؟

● داوطلبان ورود به دانشگاه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: کسانی که شرایط انتخاب رشته را کسب کرده‌اند و به دانشگاه راه خواهند یافت و افرادی که نتوانسته‌اند نمره مطلوبی در آزمون سراسری کسب کنند. اول به کسانی که به دانشگاه راه می‌یابند تبریک عرض می‌کنم و از آنان می‌خواهم برای تحصیل در دانشگاه بیشتر همت کنند. ثانیاً به افرادی که در آزمون سراسری

رتبه کسب نکرده‌اند، توصیه می‌کنم افسرده‌گی و ناراحتی را از خود دور سازند و با توکل بر خدا، توان خود را بازیابی کنند و با اطمینان خاطر و اعتماد به نفس به مطالعه پیردادازند و اساس مطالعات آینده خود را با شرایط روحی خوبیش و فقیه دهنده و با یک برنامه حساب شده و تلاش ارزنده موفقیت‌های آتی خود در تحصیلات را تضمین کنند، زیرا شکست پلی است برای پیروزی.

○ انگیزه شما از تحصیل در دانشگاه چیست؟

- کسب افتخار و سرافرازی برای کشور، خدمت به مردم و رشد و ارتقاء علمی.

○ چه رشته‌ای را برای تحصیلات دانشگاهی برگزیدید؟

- برق

○ چه دانشگاهی؟

- دانشگاه صنعتی شریف

### گفت و گو با نفر اول کنکور سراسری در گروه هنر\*

فیروزه شهسوارانی رتبه اول گروه هنر آزمون سراسری دانشگاه‌ها در سال جاری است. او متولد سال ۱۳۶۴ و دوره پیش دانشگاهی را در رشته هنر (گرافیک) در هنرستان سوره شهرستان ساری با معدل ۱۸/۵ سپری کرده است، بقیه مطالب را از زبان وی پی می‌گیریم:

○ کسب رتبه اول کنکور سراسری برای شما غیرمنتظره نبود؟

- خیر، زیرا وضعیت تحصیلی من در هنرستان خیلی خوب بود و معلمان همیشه به من می‌گفتند که شما جزو ده نفر اول کنکور می‌شوی، حتی یکی از معلمان با جرأت به من می‌گفت که شما نفر اول کنکور می‌شوی.

○ چه دانشگاهی و چه رشته‌ای را برای ادامه تحصیل انتخاب کردید؟

- رشته طراحی صنعتی دانشگاه تهران.

○ قصد دارید تا چه مقطوعی ادامه تحصیل دهید؟

- تا آنجاکه امکان داشته باشد. حداقل تا فوق لیسانس، زیرا دکتری این رشته در ایران نیست.

○ عوامل موفقیت خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- بعد از لطف خدا، اعضای خانواده محیط خیلی آرامی برای من فراهم کردند و بخصوص

مادرم که خوب به من مشاوره می‌داد و برایم برنامه‌ریزی می‌کرد. معلمان و محیط مناسب مدرسه که یک محیط کاملاً رقابتی بود، و تلاش خودم هم در این موفقیت مؤثر بوده است.

○ پدر و مادر شما چه کار می‌کنند؟

● پدرم کارشناس بنیاد جانبازان و مادرم مشاور دوره پیش‌دانشگاهی است.

○ چند برادر و یا خواهر دارید؟

● من فقط یک برادر دارم که او دانشجوی رشته روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی است.

○ چطور شد که در رشته هنر ادامه تحصیل دادید؟

● من از اول به کارهای هنری علاقه داشتم، کلاس نقاشی و قالی‌بافی می‌رفتم و اگرچه تا سال دوم دبیرستان در رشته ریاضی درس می‌خواندم، اما از سال سوم با مشاوره مادرم و خاله‌ام که هردو در هنرستان کار می‌کردند، از رشته ریاضی به رشته هنر تغییر رشته دادم و وارد هنرستان سوره شدم.

○ به چه نوع هنرهایی علاقه دارید؟

● هنرهای تجسمی، نقاشی اسلامی و مینیاتورهای ایرانی.

○ تعریف شما از هنر چیست؟

● هنر بهترین وسیله برای نزدیک شدن انسان به خداست، البته باید توجه داشت که هنر دو بعد دارد: یکی به ابتدال می‌رود و دیگری به کمال. منظور من از هنر، هنری است که ما را به کمال ببرد و کمال انسان چیزی بالاتر از رسیدن به خدا نیست.

○ برای آمادگی در کنکور چه کار می‌کردید؟

● من از سال سوم که تغییر رشته دادم، خودم را برای کنکور آماده کردم. متأسفانه دروس عمومی هنر به استثنای بینش که در سال سوم است، در مدرسه تدریس نمی‌شد و مجبور بودم که به آموزشگاه‌ها، آتلیه‌ها و نمایشگاه‌ها بروم و دروس اختصاصی را آنجا یاد بگیرم، حتی کتابهای مرجع، دایرة المعارف‌ها و مطالب هنری مجلات و روزنامه‌ها را می‌خواندم و فیلم‌های هنری را می‌دیدم.

○ شبانه روز چند ساعت مطالعه می‌کردی؟

● شاید در شبانه روز ۱۵ ساعت کتاب دستم بود؛ ولی به صورت مفید حدود ۸ تا ۱۰ ساعت در شبانه روز درس می‌خواندم.

○ خسته نمی شدی؟

- چرا، خسته هم می شدم. واقعاً این اواخر دیگر نمی کشیدم. ولی سعی کردم تحمل کنم و از حداکثر توانم استفاده کنم تا به هدفم برسم.
- چرا این قدر به خودت فشار می آوردی؟

● برای اینکه می خواستم موقفیت بالایی کسب کنم و جزء بهترینها باشم. هدف من این نبود که فقط وارد دانشگاه شوم من می خواستم با وضع خوبی وارد دانشگاه بشوم.

○ در دوران تحصیلی متوجه پیش دانشگاهی با چه مشکلاتی روبرو بودید؟

- یکی از مشکلات ما تهیه کتاب‌های هنر بود که واقعاً به سختی امکان‌پذیر بود، اکثر کتاب‌های مرا پدرم وقتی که به تهران می آمد، برایم می خرید و یا تهیه می کرد. مشکل دیگر ما این بود که کارهای عملی زیادی داشتیم و فرست کافی برای خواندن کتاب‌ها را نداشتیم. سومین مشکل این بود که منابع سوالات کنکور برای ماروشن نبود. مشکل بعدی این بود که ما در هنرستان، امکانات و تجهیزات کافی برای کارهای عملی نداشتیم و مجبور بودیم که خیلی چیزها مانند دوربین عکاسی، مقوا، گواش و ... را خودمان بخریم، و این در شرایطی بود که ما مرتب به برخی از وسایل مانند مقوا و گواش نیاز داشتیم و هرسته گواش را به مبلغ ۱۵۰۰ تومان می خریدیم و تهیه این وسایل برای خیلی از خانواده‌ها امکان‌پذیر نیست.

○ چه انتقادی به نظام آموزش و پرورش کشور دارید؟

- اولین انتقاد من به محتوای کتاب‌های درسی است. محتوای بیشتر کتاب‌های درسی تئوری، ذهنی و غیرکاربردی است و به درد زندگی امروز مانمی خورد و دانش آموزان بعد از ۱۲ سال درس خواندن، هیچ توانایی عملی کسب نمی کنند. دومین انتقاد من به کنکور است. کنکور یک مشکل بزرگ در راه رشد و ترقی دانش آموزان است و دانش آموزان همواره نگران موقیت خود در این کنکور هستند. مسئولان آموزشی کشور باید برای این موضوع چاره‌یابی کنند. به نظر من قبول نشدن بسیاری از داوطلبان در کنکور به معنای این نیست که آنها استعداد و توانایی ادامه تحصیل ندارند، بلکه مشکل اصلی آنها این است که باید ظرف چهار ساعت و زیر فشار شدید اضطراب و استرس کنکور، به تمام سوالات کتاب‌های چهارساله گذشته خود پاسخ دهند و از آنجاکه بسیاری افراد توانایی برخورد و مقابله با استرس و اضطراب ناشی از کنکور را ندارند، نمی توانند در این آزمون موفق شوند. به نظر من با نظام فعلی کنکور نمی توان دانش آموزان مستعد و خلاق را شناسایی و کشف کرد.

### ○ کنکور سراسری امسال چگونه بود؟

- متأسفانه بیش از ۵۰ درصد سوالات کنکور امسال در گروه هنر خارج از منابعی بود که سازمان سنجش و آموزش و پژوهش اعلام کرده بودند و حقیقتاً خود من وقتی سوالات را دیدم، شوکه شدم. انتظار داوطلبان این است که اولاً منابع سوالات کنکور را کاملاً روشن و مشخص کنند و ثانیاً سوالات کنکور را به گونه‌ای طراحی کنند که باعث شوکه شدن داوطلبان نشود.

### ○ ۱۰ گروزیر آموزش و پژوهش بودی، مهمترین واولین کاری که می‌کردید، چه بود؟

- اولین کاری که می‌کردم این بود که کنکور را بر می‌داشتم تا استعدادها و خلاقیت جوانان کشور زیربار آن له نشوند. کنکور تمام انرژی جوانان را می‌گیرد و در زمانی که دانش آموزان باید خلاقیت و استعدادهای خود را بروز دهند، زیر فشار کنکور، تمام این استعدادها و خلاقیت‌ها از بین می‌روند. چون باید خود را برای آزمونی آماده کنند که طرف چهار ساعت باید تمام توان علمی خود را نشان دهند و این کار استرس و اضطراب زیادی برای آنها ایجاد می‌کند. به عقیده روانشناسان، اضطراب و استرس مانع بروز خلاقیت انسان می‌شوند. الان حدود دو ماه است که از تاریخ برگزاری آزمون سراسری می‌گذرد، اما من هنوز هم خسته‌ام.

### ○ چه پیامی برای جوانان کشور داری؟

- مهمترین سخن من این است که جوانان مطمئن باشند که اگر تلاش و پشتکار داشته باشند، می‌توانند به خوبی به اهداف خود دست یابند. به عبارت دیگر تلاش و پشتکار رمز اصلی موفقیت همه افراد و انسان‌های موفق است.

نکته دیگر اینکه کنکور ورود به دانشگاه همه زندگی انسان نیست و به نظر من می‌توان بدون رفتن به دانشگاه هم در زندگی فرد موفقی بود.

کلام بعدی من این است که دوران پیش دانشگاهی، دوران بسیار مهمی در زندگی دانش آموزان است و در این دوره است که انسان استعدادهای خود را شناسایی می‌کند و به یک خودباوری می‌رسد.

ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که تنها با درس خواندن در یک سال آخر، نمی‌توان به موفقیت‌های بزرگی دست یافت. دانش آموزان باید در تمام دوران تحصیل تلاش و کوشش کنند تا از هر نظر موفق شوند.

### ○ به عنوان آخرین سؤال، بزرگترین آرزوی شما چیست؟

- آرزو می‌کنم که فرد موفقی برای جامعه باشم.



## \* نقدی بر ارمیا\*

مهری نصیری

### به نام حضرت دوست

با سلام به پدر عزیز سمپاد و همچنین مسئولین مجله «استعدادهای درخشان»:  
اول از همه از زحمات بی دریغ شما برای فرزندان سمپاد تشکر و قدردانی می کنم. آنچه باعث شد که من نامه ای برای شما بنویسم این بود که من نقد یا بهتر بگویم نظر خود را در رابطه با کتاب «ارمیا» که از انتشارات خود سمپاد است، نوشتام.  
امیدوارم که آن را در مجله ای که از خودمان است و آن را بسیار دوست داریم، چاپ کنید.

با تشکر - مهری نصیری  
مرکز راهنمایی فرزانگان همدان

○ ○ ○

ارمیا، اثر رضا امیرخانی. این اسم اوّلین کتابی است که من تصمیم گرفته ام نظر خود یا بهتر بگوییم نقدی در مورد آن بنویسم. ارمیا، دانشجوی بسیجی ۱۹ ساله ای است که در دوران هشت سال دفاع مقدس به جبهه های نبرد حق علیه باطل می رود و در این فاصله دیدگاه او

\* نقد و نظر یک دانش آموز سمپادی بر نوشته نویسنده ای موفق از سمپاد، اگر آقای امیرخانی نظری داشته باشد در شماره بعد منعکس می نمایم.

نسبت به محیط زندگیش یعنی تهران و همچنین انسانهای اطرافش تغییر می‌کند. او توفیق شهادت را در جبهه نمی‌یابد و شهادت دوست صمیمی و نزدیکش او رایش از پیش بی‌قرار می‌کند. قطعه نامه ۵۹۸ او را از جبهه به تهران و به آغوش خانواده باز می‌گرداند. در این هنگامه که از جنگ برگشته، سری به شمال می‌زند و در آنجا با مردم جدیدی آشنا می‌شود. کم کم به آنجا خو می‌گیرد که فوت امام (ره) او را بی‌قرارتر از پیش می‌سازد و سرانجام وی در مراسم پرشور تدفین امام (ره) به آسمان‌ها می‌پیوندد. آقای رضا امیرخانی توanstه است به نحو بسیار مطلوب حال و هوای جبهه و رزم‌نده‌گان اسلام را توصیف کند. گفتگوها بسیار مناسب است و خواننده می‌تواند از روی گفتارها ماهیت اشخاص را تا حدودی درک کند. سرهمندی زمان‌ها و حالات مختلف و همچنین اشخاصی که در این مکان‌ها وجود دارند نیز بسیار خوب انجام شده است و در کل می‌توان گفت طرح کلی قصه خوب است و خوب نیز نوشته شده است. اما تنها چیزی که فکر خواننده را به خود جلب می‌کند، این است که نویسنده، وجود عقاید مذهبی و دینی را در محله‌های اعیان‌نشین همانند شمال تهران (محل زندگی ارمیا) کمرنگ جلوه می‌دهد و در واقع تا حدودی نفی می‌کند. این موضوع را می‌توان بخوبی در جاهایی از قصه مانند دیدار اول ارمیا با هم‌دانشگاهیهایش پس از بازگشت از جبهه و یا دیدار دکتر حیدری با بستگان برای خدا حافظی حس کرد. رفتن ارمیا برای ثبت نام به یکی از پایگاه‌های جنوب تهران نیز این احساس را در مخاطب بیشتر می‌کند. حتی نویسنده حزب الله شمال تهران را نیز عملاً فقط مخصوص شعارنویسی می‌داند و بس. در حقیقت نویسنده در داستان بیان کرده که کسی که ثروتمند باشد، نمی‌تواند یک بسیجی باشد یا حداقل عقاید مذهبی چندانی داشته باشد. و بدین ترتیب ارمیا یک استثناء تلقی می‌شود و شخصیتی تک پیدا می‌کند. و این احساس نویسنده در انتخاب اسمی برای شخصیت‌های داستان نیز به چشم می‌خورد. «ارمیا»، اسمی عجیب که شاید خیلی‌ها حتی یک بار هم آن را نشنیده باشند. البته آقای امیرخانی در جاهایی از داستان (ماجرای آخرین عملیات ارمیا، همراه با مصطفی و محسن) این نام را شرح داده، اما بدون اغراق باید گفت: خواننده احساس می‌کند که «ارمیا» از سری اسمهایی است که اغلب خانواده‌های مرفه بر روی فرزندان خود می‌گذارند. همچنین اسم مصطفی برای دوست ارمیا انتخاب شده که او از جنوب شهر به جبهه می‌آید.

نکته دیگر اینکه گذاشتن نام «ارمیا» بر روی کتاب چندان مناسب نیست. چون کسی چیزی

از آن دستگیرش نمی‌شود و نمی‌تواند موضوع کتاب را حدس بزند و این یعنی نارسایی در مورد پیام کتاب از روی اسم. در حقیقت مخاطب باید حتماً چند ورق از کتاب را بخواند تا بفهمد ارمیا یعنی چه!

اما نکته‌ای در مورد پایان داستان؛ پایان داستان اگرچه زیبا نوشته شده، اما مخاطب را متقاعد نمی‌کند. چگونه ارمیا شهید می‌شود؟ اصلاً مگر چنین چیزی ممکن است؟ اگر به پایان داستان بیشتر بها داده می‌شد، داستان زیباتر و رساتر پیام خود را بیان می‌کرد.

با وجود این نقاط قوت «ارمیا» بیشتر از نقاط ضعف آن است. برخی از موضوعات و صحبت‌هایی که هم اکنون نیز توسط برخی افراد زده می‌شود، یعنی صحبت‌هایی در رابطه با نفی دولت یا توجیه اعمال خود در مقابله با ارزش‌های اسلامی و بنیادی انقلاب، به نحوی ماهرانه در کتاب گنجانده شده است، مثل: صحبت‌های رؤسای دو دانشگاه و یا صحبت‌های راننده‌ی بنز و مرد مسافر. نویسنده از عهده‌ی تلفیق و ترکیب دو زمان گذشته و حال، یعنی زمانی که مصطفی زنده بود و زمان بعد از آن، به خوبی برآمده است. وی با بیان کردن نشانه‌هایی ارمیا را به یاد گذشته می‌اندازد و خاطرات او را با مصطفی در جبهه و در سنگرگشان مرور می‌کند. نویسنده از تشبیه زیبای ماهی‌هایی که خودکشی می‌کنند، در توصیف حالات ارمیا استفاده می‌کند و این هر خواننده‌ای را به تحسین و امیدارد. همانگونه که در طرح روی جلد کتاب نیز ماهی‌ها به چشم می‌خورند.

«ارمیا» توانسته با هر نوع قشری ارتباط برقرار کند، پیام زیبایش را برساند و تا عمق احساسات نفوذ کند. به هر حال ارمیا کتابی است که انسان از خواندن آن لذت می‌برد و شاید همانند خود من دوبار یا حتی چندبار آن را بخواند.

مهری نصیری، مرکز راهنمایی فرزانگان همدان

## رسانه‌ها و استعدادهای درخشان

### تسهیلات ویژه برای دانشجویان ممتاز کارشناسی ارشد و دکتری\*

آینین نامه تسهیلات آموزشی و پژوهشی برای دانشجویان ممتاز دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری به دانشگاهها ابلاغ شده است و از امسال اجرا خواهد شد. دکتر «جعفر کیوانی» مدیرکل دفتر آموزشی و تحصیلات تکمیلی دیروز در جمع خبرنگاران با اعلام این مطلب، توضیح داد: «اعطای وام تحصیلی به دانشجویان ممتاز کارشناسی ارشد حداکثر تا سه برابر سایر دانشجویان، بورس تحصیلی داخلی به دانشجویان ممتاز دوره دکتری از سوی وزارت علوم، شرکت در کنفرانس‌های علمی خارج کشور برای ارائه مقاله، استفاده از مراکز خدمات رایانه‌ای با سرویسهای ویژه همانند اعضای هیأت علمی، شرکت در کنفرانس‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی داخل کشور از خدمات پژوهشی رفاهی است که به دانشجویان ممتاز داده می‌شود.»

وی دانشجویان ممتاز را شامل برگریدگان آزمون سراسری کارشناسی ارشد در هر رشته آموزشی با معرفی سازمان سنجش که عنوان ممتاز در کارنامه آنان نوشته خواهد شد، دانشجویانی که شرایط ممتاز بودن را تا پایان دوره قبلی تحصیل خود حفظ کرده‌اند، دارندگان رتبه اول در آزمون ورودی

\* ایران / شماره ۳ / ۲۵۰۰ تیرماه ۱۳۸۲

دوره دکترای در هر رشته به شرط شرکت بیش از ۲۰ نفر در آزمون آن رشته، دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دارای دو مقاله و دانشجویان دوره دکترای دارای سه مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور از رتبه‌های اول تا سوم به معرفی سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کرد.

جعفری همچنین ادامه داد: «در صورتی که دانشجویان ممتاز در دوره کارشناسی ارشد معدل ۱۷ خود را حفظ کنند و بتوانند پایان‌نامه خود را با درجه عالی ارائه دهند، دانشگاه مربوط می‌تواند بدون برگزاری آزمون، آن دانشجو را در دوره دکترا پذیرد.»

همچنین براساس آیین‌نامه جدید، دانشجویان ممتاز دوره دکترا می‌توانند از بورس تحصیلی وزارت علوم استفاده کرده و محل کار خود را به دلخواه تعیین کنند.

به گفته جعفری برگزیدگان آزمون سراسری که رتبه آنان کمتر از ۵۰۰ باشد می‌توانند در صورت پذیرش در سه رشته بیوتکنولوژی دانشگاه تهران، ریاضی دانشگاه امیرکبیر و تربیت معلم و فیزیک مرکز تحصیلات تكمیلی زنجان تا مقطع دکترا به صورت پیوسته ادامه تحصیل دهند و حتی ماهانه از ۵۰ هزار تومان کمک تحصیلی برخوردار شوند. پذیرش در این رشته‌ها به صورت محدود و نیمه متمرکز صورت می‌گیرد.

### قبولي با چشمهاي بسته\*

«بدون معلومات وارد دانشگاه شويد» آگهی‌اش را در يكی از روزنامه‌های صبح پیدا می‌کنم. زنگ می‌زنم. می‌گویید: «قواعدی را به شما ياد می‌دهیم که در ۵ جلسه جواب درست را پیدا می‌کنید. احتمال خطا فقط ۱۰ درصد است.» می‌گوییم: «اگر درسی را اصلاً بلد نباشم چه؟» می‌گویید: «تا حدودی معلومات می‌خواهد اما اگر اصلاً هم بلد نباشد، حتماً ۳۵ درصد تا ۵۰ درصد درست می‌زنید.» و البته ۶۰ هزار تومان پول باید بدھیم.

«صورت تست را نگاه کنید. از روش فهمیدن معکوس به جواب درست می‌رسید و از روی رابطه بین گزینه‌ها جواب درست را پیدا می‌کنید و هیچ احتیاجی به حل کردن تست‌ها نیست. يك روش کلی برای همه دروس و يك روش اختصاصی برای هر درس داریم. شما بدون نگاه کردن به صورت

تست، می‌توانید جواب درست را پیدا کنید. ۳ جلسه، ۲ ساعته، ۳۰ هزار تومان.» تندری و سریع همه اطلاعات را می‌دهد.

«گرینه درست زیر دست شما می‌لرزد» کلاسی در شهرک اکباتان برگزار می‌شود و در پایان دوره قرار است داوطلبان کنکور روشنی را یاد بگیرند که دستشان را که روی چهار گرینه می‌گذارند، گرینه درست زیر دست آنها به رقص در آید و خلاصه باهم وجود بگوید «منم». این را یکی از دوستان تعريف می‌کند که خیلی هم به آنچه فکر می‌کند زیر دستش می‌لرزد، مطمئن نیست.

«نمونه سوالات احتمالی کنکور ۸۲» تعداد زیادی از داوطلبان کنکور امسال با این آگهی رو به رو شده‌اند. این نوع آگهی ادعا می‌کند در مجموعه سوالات طراحی شده آنها که البته حجمی چند برابر سوالات کنکور دارد، می‌شود نمونه سوالات کنکور را پیدا کرد. در این آگهی آمده است: «.... این سوالات با همکاری ۱۵۰ نفر از اساتید دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور تهیه و تنظیم شده است ..... لازم به تذکر است که ارتباط با اساتید خارج از کشور از طریق پست الکترونیکی و سایتهاي اینترنتی است ...». این آگهی ضمانت نامه و تعهد کتبی را هم چاشنی خودش کرده است و قسم خورده سوالات کنکور ۸۲ در بین این مجموعه سوالات باشد. در غیر این صورت ۱۸ هزار تومان هزینه سوالات برگردانده می‌شود .... ارسال سوالات یک هفته قبل از کنکور است و نه زودتر.

«هیپنو تیزم، روشنی مؤثر برای قبولی در کنکور»، «با تله‌پاتی فکر طراح سوال را بخوانید و جواب درست را پیدا کنید»، «نوار قبل از شب امتحان» و ... نمونه این راههای مؤثر (!) برای قبولی در کنکور را در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌های مختلف یا روی درودیوار شهرستان حتماً تا به حال دیده‌اید.

بدون شرح!

«اگر اعتماد نمی‌کنی برو بیرون». سعید. م. در یکی از این کلاسها شرکت کرده است و خیلی هم هرچه را که گفته‌اند نپذیرفته است و حتی چند نمونه تست داشته است که جوابش با هیچ‌کدام از این روش‌های غیر معلوماتی (!) پیدا نشده است. او در جواب اعتراضش شنیده است که: «این روشها براساس پسیکولوژی - یعنی همان روان‌شناسی - افراد است و تو باید خودت را در فضای این آموزش قرار دهی و به آن اعتماد کنی تا موفق شوی. اگر اعتماد نمی‌کنی، برو بیرون».

مهندس سامان سلامیان، مدرس با سابقه حساب دیفرانسیل و انتگرال است. او وقتی نمونه این آگهی‌ها را در دست چند تا از شاگرد هایش می‌بیند تصمیم می‌گیرد با آنها در یکی از این کلاسها برود که در حوالی میدان ولی عصر تشکیل می‌شده. او می‌گوید شاگردانش خیلی هم در این کلاس انگشت

به دهان نماندند و پیدا کردن جواب درست براساس شانس و احتمال و مهندسی معکوس را خیلی هم پیشنهاد نمودند. آنها نمونه‌های زیادی برای نقض نمونه روشهای آموزش داده شده داشتند؛ مثلاً وقتی گفته می‌شد اگر در جواب یک سؤال ریاضی سه جواب منفی و یک جواب مثبت وجود دارد، جواب مثبت رد می‌شود و جواب حتماً در بین یکی از سؤالات منفی است، آقای سلامیان نمونه تست کنکوری را از سال گذشته می‌آورد که جوابش همان تنها جواب مثبت یا منفی بود. او می‌گوید: «این کلاسها پایه و اساس علمی ندارد. با چشم خودم دیده‌ام که می‌گوییم».

فصل این شاذان نیشابوری شاگرد کدام امام بود؟

الف) امام سوم (ب) امام چهارم (ج) امام پنجم (د) امام ششم

حالا شما بگویید با روش مهندسی معکوس و حذف گزینه‌های پرت و گشتن بین گزینه‌های مشترک و یا هر روش دیگری به جز «دانستن»، آیا می‌شود به جواب درست رسید؟ این فقط یک نمونه است.

چگونه می‌شود بدون معلومات علمی به سؤالات کنکور پاسخ گفت، وقتی به عنوان مثال جواب یک انتگرال معین را فقط با محاسبه می‌توان به دست آورد؟ این کلاسها به دانش آموز اعتماد به نفس می‌دهند یا آن را به همراه آخرین ریالهایش از او می‌گیرند؟ اصلاً هیچ دانش آموزی با رمل و اسطلاب و این که فلان گزینه پرنگ تر یا خوشگل تر است تا به حال در دانشگاه قبول شده است؟ «این تبلیغات فریب است» مهندس مجتبه؛ مجری طرح گزینه ۲ می‌گوید: «هر کس عقل سليم داشته باشد، می‌داند که بدون معلومات کسی نمی‌تواند در کنکور موفق شود. از نظر اصول طراحی همه سؤالات سازمان سنجش و نوع گزینه‌ها و طراحی سؤالات به صورتی است که کسی شانسی نمی‌تواند جواب بدهد. اگر طراحی سؤالات علمی نباشد، شاید کسی بتواند از این روشهای به جواب برسد، اما در گزینه‌های آزمون‌های سراسری این احتمال از بین می‌رود».

«آنها بی اعتمادی ایجاد می‌کنند تا کاسبی کنند». متعاقی به نام «سؤالات احتمالی کنکور ۸۲» و دریافت پولهای کلان، بازاری که نزدیک شدن به تاب و تاب کنکور آن را داغتر هم می‌کند. این سؤالات که هفت هشت برابر حجم سؤالات کنکور است، با قیمت‌های گراف پیش فروش می‌شود؛ اما مهندس مجتبه معتقد است که با سیستم اینمی و قرنطینه‌ای که سازمان سنجش دارد، مطمئناً احتمال خارج شدن نمونه سؤالات وجود ندارد. اما عده‌ای برای کاسبی کردن تعداد زیادی سؤالات کنکور یا مشابه‌های آنها را از سالهای مختلف جمع آوری می‌کنند و به عنوان نمونه سؤالات احتمالی

می فروشنند. به همه داوطلبان توصیه می شود یک ماه مانده به آزمون سراسری حتماً تستهای سالهای قبل کنکور را بزنند تا با نمونه سؤالات آزمون آشنا شوند. این مسئله بسیار ساده است؛ اما بسیار پیچیده مطرح می شود تا کاسبی کنند.

«چرا دنبال سؤالات احتمالی هستید؟ سؤالات قطعی کنکور در کتابهای درسی است» پس مثل بقیه ۱۰-۱۲ ماه درس بخوانید و با معلومات خود جواب بدهید.

به عدد یک میلیون و چهارصد پنجاه هزار نفر فکر کنید و به جامعه داوطلبی که هر سال بالاتر می رود و به تازههای آن اضافه می شود. هیجان جو کنکور آنقدر بالا است که کسانی هم که فریب می خورند، سال بعد عوض می شوند. پس این جور مؤسسات هرسال مشتری های تازه و امیدوار با نامید خود را خواهند داشت و هر سال به شیوه های نامتعارف افزوده می شود؛ به راههای عجیب و غریب برای شکستن شاخ غول کنکور. رقابت آنقدر فشرده و جمعیت آماری آنقدر بالاست که این انبوه در انتظار رسیدن به دانشگاه، گاهی ناگزیر متسل به هر کاری از جمله روشهای عجیب و غریبی می شوند که شاید یک قدم، یک قدم مورچه‌ای جلوتر بروند. و این چنین است که برخی در این لحظات آخر، آخرین ریالهای خود را هم به کلاهبرداران کنکوری می بخشنند ....

○ ○ ○

### راه حلهایی برای ماندگار شدن مغزها\*

۱۰ کنون سالهایست چنین عنوان می شود که «مغزها» از ایران «فرار» می کنند. اما واقعاً مفهوم «فرار مغزها» را در مورد چه کسانی باید به کار گرفت؟ آیا صرفاً داشتن مدارک عالی دانشگاهی ما را مجاز می کند، فرد را یک «نخبه» یا یک «مغز» بدانیم؟ یا اینکه عنوان «فرار مغزها» برای کسانی است که از مهارت‌ها و قابلیتهای خاصی بخوردار هستند؟

● ما با دو نوع مهاجرت مواجهیم. یکی مهاجرت سرمایه و دیگری مهاجرت نیروی کار. مهاجرت سرمایه خیلی بیشتر و پیشتر از مهاجرت نیروی انسانی وجود داشته است. هر کجا که ساختارهای اقتصادی مناسب و سود مالی بیشتری وجود داشته باشد، سرمایه به آن سمت حرکت می کند.

\* فریال طهماسبی در گفتگو با دکتر محمد مهدی نایبی، دانشیار دانشگاه صنعتی شریف/ ایران، شماره ۲۵۱۹ / ۲۲ تیرماه ۱۳۸۲

در مورد نیروی انسانی هم به این ترتیب است که هر کجا افراد احساس کنند مفیدتر هستند و از دانش خود بهره بیشتری می‌برند، به آن سمت تمایل پیدا می‌کنند. بنابراین مهاجرت نیروی انسانی مجموعه بزرگی را در بر می‌گیرد که صرفاً به نخبه‌ها و یا باهوش‌ترها یا آنانی که از خلاقیت‌های خاصی برخوردار هستند محدود نمی‌شود. آنها که به غرب مهاجرت کرده‌اند، لزوماً «نخبه» به معنی فرد شاخص از نظر هوشی و استعدادی نیستند.

آنها شامل افرادی هستند که برای رفاه، آموزش و زندگی بهتر از کشور خود مهاجرت کرده‌اند. ولی به طور معمول عنوان «فارار مغزها» را به طور محدودتر باید در نظر گرفت و بیشتر به مهاجرت افرادی که از نظر هوشی در رتبه بالایی هستند و برای ادامه تحصیلات به خارج از کشور سفر می‌کنند، اطلاق می‌شود.

#### ○ بنابراین مهاجرت مختلف نیروی انسانی آثار متفاوت بر جای می‌گذارد؟

● بله. اگر برای افراد یک جامعه هرم هوشی ترسیم کنیم، عده زیادی متوسط، بخشی در قاعده هرم و تعداد اندکی در رأس هرم هستند. آنها که در رأس هرم هستند، تأثیرگذاری بیشتری در یک جامعه دارند. در زمینه اشتغال، آنها قادرند با استفاده از خلاقیت و هوش خود، برای تعداد زیادی از بیکاران، کارآفرینی کنند. حال در مهاجرت‌های اخیر، مابسیاری از این افراد را از دست داده‌ایم. در واقع نیروی انسانی کشور ما، مثل ارتشی شده که ژنرال‌های خود را از دست داده است و سربازان این ارتش سردرگم مانده‌اند. ارتشی که ژنرال و هدایتگر نداشته باشد، مسلماً مسیر حرکت خود را پیدا نخواهد کرد. این مثل بدنبال است که هرچقدر هم که سلامت و ورزیده باشد، نیازمند فکر قوی و سالم است.

○ آیا فرار مغزها را باید صرفاً شامل آن دسته از کسانی دانست که از سرزمین مادری مهاجرت می‌کنند، یا اینکه این عنوان رامی توانیم در مورد کسانی هم به کار ببریم که مثلاً در عین اقامت در ایران، با استفاده از اینترنت در خدمت یک سازمان در کشورهای پیشرفت‌هستند؟

● ممکن است شخصی در کشور حضور نداشته باشد و خارج از کشور، مثلاً کارت‌تجارتی انجام دهد، ولی سود حاصل از آن تجارت را به داخل بفرستند که این خود یک صادرات است و به نفع کشور تمام می‌شود.

یا مانند برخی از «چینی»‌ها که خارج از کشور خود اقامت داشتند، ولی مرتب در پی آن بودند که تکنولوژی را به کشور خود انتقال دهند و کمپانیهایی به طور مشترک بین دو کشور تأسیس کردند و به

این ترتیب موجب رشد اقتصادی شدند. این دقیقاً مثل نقش سفیری است که به امورات داخل کشور توجه می‌کند. دسته دیگر افرادی هستند که در ایران حضور فیزیکی دارند و از طریق امکانات کامپیوتری با خارج از کشور در تماس هستند و تجارت می‌کنند و سود اقتصادی آن را در خود کشور خرج می‌کنند که خود دوباره یک صادرات فنی مهندسی محسوب می‌شود.

کما اینکه هند از همین راه منافع اقتصادی خودش را دنبال می‌کند. ولی باید توجه داشت که این سود، لزوماً مادی نیست و می‌تواند انتقال برخی پدیده‌های مثبت به درون کشور باشد. ولی متأسفانه در مورد کشور ما اغلب خلاف چنین چیزی اتفاق می‌افتد. افرادی که از کشور مهاجرت می‌کنند، تمام علقه‌های خود با کشور مادری را از دست می‌دهند و اجیر عوامل کشوری می‌شوند که به آن مهاجرت کرده‌اند. بنابراین، اصولاً فرار مغزاً به آن دسته از افرادی اطلاق می‌شود که سود و منفعتی چه مادی و چه غیرمادی نصیب کشور مادری خود نمی‌کنند. چه در درون کشور اقامت داشته باشند و چه خارج از کشور.

#### ○ مهمترین شرایطی که سبب‌گریز مغزاً از ایران شده، کدام است؟

● یکی از مسائل ذاتی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه که ایران هم به شدت درگیر آن است، این است که نخبگان در این کشورها اصولاً دوست دارند در مرازهای دانستن و ندانستن بشرگام بردارند. به این معنا که می‌خواهند چیزی را که بشریت نمی‌دانند کشف کنند. در حالیکه کشورهای جهان سومی یا حتی در حال توسعه، امکان سرمایه‌گذاری در مرازهای دانش را ندارند. در واقع توان مالی آنها در آن حد نیست که امکاناتی را برای چنان تحقیقاتی فراهم کنند. آنقدر بحران بیکاری و مشکلات اقتصادی در این کشورها بیداد می‌کند، که در درجه اول می‌بایست آنچه جهان اول بدان دست یافته را در کشور خود تئوریزه و پیاده کنند. اما نخبگان کمتر حاضرند چنین شرایطی را پذیرند و بنابراین برای ارضی روح جست و جوگر خود دست به مهاجرت می‌زنند.

از طرف دیگر نظام آموزش عالی کشور ما هم به همان تحقیقات در مرازهای دانش‌بها می‌دهد. مثلاً محققی که در فلان دانشگاه کشور، یک کار شاخص صنعتی انجام داده یا حتی فردی، محصولی را برای اولین بار در کشور تولید کرده، به آن بهایی داده نمی‌شود. ولی اگر مقاله‌ای در یک مجله خارجی بین‌المللی چاپ شود، یک کار تحقیقی در مراز دانش محسوب می‌شود و از آن قدردانی می‌کنند.

در واقع معیارهای ارتقا در کشور همگی بر مبنای این است که کاری برای عوامل خارج از کشور

انجام دهیم. در حالی که در اغلب کشورها تحقیقات دانشگاهی در جهت برآورده کردن نیازهای ملی آن کشور است نه در جهت رفع نیازهای کشورهایی که تکنولوژی پیشرفته دارند. هرقدمی که ما در مرزهای دانش جلو برویم به سود کسانی است که به تکنولوژی دسترسی دارند. بنابراین یکی از اقدامات اساسی ما باید توسعه این فرهنگ در میان نخبگان جامعه باشد که تحقیقات خود را بر روی زمینه‌هایی در درون کشور متمرکز کنند که به موجب آن، چرخه‌ای اقتصادی کشور به حرکت در بیاید. نکته مهم دیگر، جو شدید مدرک‌گیرایی در کشور ماست. والدین، فرزندی را موفق می‌دانند که تحصیلات عالی داشته باشد. در حالی که کشورهای پیشرفته کسی را موفق تلقی می‌کنند که چرخه اقتصادی بزرگی به وجود آورده باشد، ولو کم سواد باشد. مثل فورد در آمریکا یا ماتسوشیتا در ژاپن. یک نکته دیگر این است که براساس آمارگیری در دانشگاه ما ۸۲ درصد از دانشجویانی که برای ادامه تحصیلات به خارج از کشور رفته بودند قول بازگشت داده بودند. ولی عملاً ۸۲ صدم از آنها هم برنگشتنند! طبیعی است که این وضع به علت عدم وجود تجهیزات لازم و کافی در کشور و نبود مؤسسات قوی در بخش خصوصی است. یکی از شروط توسعه یک کشور وجود مؤسسات خصوصی به منظور جذب افراد متخصص در کشور است. و حال این وظیفه دولت است که به رشد بخش خصوصی کمک کند. در اغلب کشورها نگرش عمومی این است که وجود بخش خصوصی به نفع اقتصاد ملی است. در حالی که گرچه صدای خصوصی سازی در کشور ما بلند است، اما در عمل این نگاه وجود ندارد.

#### ○ نقائص سامانه‌آموزش عالی در ایران تا چه اندازه بستر ساز فرار مغزها شده است؟

- فرار مغزها به عدم تعادل در توزیع استعدادهای درخشنان در نظام آموزشی کشور هم مرتبط است. در هیچ جای دنیا، ما چنین عدم تعادلی را نمی‌بینیم. در کشور ما، اکثر دانشجویان با استعداد، باهوش و به عبارتی نخبه، در رشته پزشکی و چند رشته مهندسی متمرکز شده‌اند و این یک فاجعه است. چرا که بسترهای اساسی یک کشور را افرادی می‌سازند که در رشته‌های علوم انسانی، تحصیل می‌کنند. رشته‌هایی چون حقوق که قوانین یک کشور را نظام می‌بخشد، می‌تواند موجب شکوفا شدن بسیاری استعدادها و مهارتها شوند. اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و... هم تا این اندازه مهم است. در کشورهای غربی، اغلب دانشجویانی که از نظر هوشی و استعدادی در رتبه بالایی هستند، جذب رشته‌های علوم انسانی می‌شوند. به این علت که ساختارها و بسترهای مناسب و ضروری یک جامعه، توسط متخصصین در این رشته ساخته و پرداخته می‌شوند. در حالی که در ایران اصلاً به چنین امر

مهمی توجه نمی‌شود و تمام تمرکز و حتی امتیاز برای ادامه تحصیلات عالی به رشته‌های پژوهشی و مهندسی داده می‌شود. وقتی هم که فارغ‌التحصیلان همین رشته‌ها به کشور باز می‌گردند، با بسترهای اقتصادی، اجتماعی آماده نشده‌ای مواجه می‌شوند، بسترهایی که آماده‌سازی آنها بر عهده کسانی باید باشد که در رشته‌های علوم انسانی تحصیل کرده‌اند و همین‌بی توجهی به علوم انسانی در ایران، از بزرگترین معضلات جامعه ماست و تا وقتی که کشور ما برنامه‌ریزی، سازماندهی، طبقه‌بندی اولویتها و در نهایت تدبیر و مدیریت که کلید اصلی توسعه، پیشرفت و موقفيت است را نداشته باشد، همچنان با پدیده «فرار مغزها» مواجه است.

#### ○ فرار مغزها چه زیان‌هایی در کوتاه مدت یا بلند مدت برای ما خواهد داشت؟

● ضرر و زیان‌هایی که ما از این بابت متحمل شده‌ایم، در یک مقوله کلی جای می‌گیرد و همان زمینه اشتغال و بسته اقتصادی در کشور است. اگر نخبگان و نیروهای متخصص و ماهر برای چرخاندن چرخ‌های اقتصادی به کار گرفته شوند، ساختار اقتصادی کل کشور را دگرگون خواهند کرد. در نظر بگیرید که برای گردش موتورهای اقتصادی یک جامعه نیازمند بهترین ابزار هستیم و حال این ابزار همان نخبگان هستند که می‌توانند با مدیریت، سازماندهی و برنامه‌ریزی مناسب گام مهمی بردارند. وقتی جامعه ما با وجود ضعف در بستر شغلی و اقتصادی، که مهمترین ساختار یک کشور را تشکیل می‌دهند، شاهد فرار این مغزها و نخبگان است، دیگر تکلیف روشن است.

○ اکنون از «فرار دستها» در ایران هم نامبرده می‌شود. یعنی گفته‌می‌شود کسانی که مهارت‌های دستی دارند، مثل افراد فنی و تکنسین، به مهاجرت روی آوردند. این وضعیت ناشی از چه شرایطی است و تا چه اندازه نگران کننده است؟

● این وضعیت هم ناشی از همان شرایطی است که ذکر کردم. ولی آنچه بطور اخص در «فرار دست‌ها» اهمیت دارد، مشکل مالی است. خیلی طبیعی است وقتی یک فرد فنی و یا یک کارگر ساده احساس می‌کند می‌تواند در جایی کار کند که از نظر مالی در رفاه باشد به جای دیگری، مهاجرت کند. هنگامی که از دستاوردها و مهارت‌های دستی در کشور ما، قدردانی کافی نشود و آنان دستمزد کافی جهت گذراندن امور زندگی دریافت نکنند، آنها هم از کشور فرار می‌کنند! می‌توان از این وضعیت به همان اندازه نگران بود که از وضعیت «فرار مغزها» نگران هستیم. جامعه‌ای که فاقد نیروهای فنی و مهارت‌های دستی شود، مطمئناً یک پایه مهم خود که همان نیروی عمل و فن در کار است را از دست خواهد داد.

## اختراع صندلی چرخدار بالارونده، نمونه‌ای از خلاقیت دانشجویان ایرانی\*

هر سال صدها هزار تن از جوانان مشتاق ادامه تحصیل، در آزمون سراسری دانشگاهها شرکت می‌کنند تا به آرزوهایشان مبنی بر طی مدارج عالیه تحصیلی و دستیابی به موقعیت مناسب علمی و اجتماعی، عینیت بخشنده.

بسیاری از این جوانان با هدف کسب دانش و علم و ایجاد تحولات عمیق و دامنه‌دار در زندگی هموطنانشان و مردم جهان، به ویژه رشته‌های فنی و مهندسی را بر می‌گزینند و در طول سال‌های تحصیل نیز همواره به پژوهش‌های کاربردی علاوه نشان می‌دهند، که متأسفانه در اغلب مراکز دانشگاهی به این تلاش علمی و عملی درخور تحسین، بهای کافی داده نمی‌شود و بیشتر درس‌ها در قالب تئوری باقی می‌مانند.

در چنین شرایطی، دانشجویان پر تلاش و هدفمند با یاری جستن از استادان دلسوز، تمامی مسایل و مشکلات فعالیت‌های پژوهشی و کاربردی را پشت سر می‌گذارند و به جلو می‌روند که حاصل آن، نوآوری و حتی اختراع بسیاری از ابزار و لوازم مورد نیاز انبوه مردم است، که از جمله به اختراع و ساخت نوعی ویلچر بالا رونده از پلکان مارپیچ و سطوح لغزندۀ و مناطق ناهموار، می‌توان اشاره کرد. گفتنی است که این وسیله مورد نیاز جانبازان و معلولان، به شماره ۲۸۴۴۳ در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی جمهوری اسلامی ایران، به نام آقایان مهندس فرامرز آشنای قاسمی (استاد راهنمای)، یاشار دهقانی، علی لواسانی، فرزین صبوری و یاشار بهتوه (دانشجویان دانشگاه فنی دانشگاه آزاد - واحد تهران جنوب) به ثبت رسیده است و با مساعدت مسئولان ذیربیط، انتظار می‌رود وسیله یاد شده به تولید انبوه بررسد و با شرایط ساده در اختیار جانبازان و معلولان کشورمان قرار گیرد.

### خودبازی فارغ‌التحصیلان دانشگاهها

آقای دهقانی با تأکید بر اینکه یکی از مشکلاتی که دامنگیر جامعه دانشگاهی کشورمان است، کم توجهی به فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی و در نتیجه عدم اجرای پروژه‌های عملی است، می‌گوید: «این موضوع متأسفانه سبب محدود ماندن معلومات و توانایی‌های دانشجویان در مسایل تئوری

می‌شود و در نهایت به کاهش خودبازی و اعتماد به نفس فارغ‌التحصیلان دانشگاهها می‌انجامد. به این ترتیب توسعه و پیشرفت جامعه آهسته می‌شود و در بلندمدت، خسارت‌های جبران ناپذیری را به میهن عزیزان ایران، وارد می‌سازد».

آقای دهقانی اضافه می‌کند: «در حال حاضر، متأسفانه فعالیت‌های پژوهشی و عملی قشر دانشگاهی کشور، چندان محسوس نیست و برای عده قلیلی از دانشجویان هم که به صورت خودجوش به انجام فعالیت‌های ابتکاری و نوآوری می‌پردازند، کمترین امکانات و تسهیلات وجود ندارد، که این موضوع از جمله دلایل مهاجرت دانش آموختگان نخبه، مخترع و مبتکر ایران به سایر کشورها است و سرمایه‌های علمی کشورمان را در اختیار دیگران می‌گذارد».

#### استعدادنوآوری دانشجویان

در ادامه بحث، آقای صبوری آزاد، یکی دیگر از دانشجویان مخترع ویلچر بالارونده از پلکان و مناطق لغزنه و ناهموار، اظهار می‌دارد: «در شرایطی که دانشجویان ایرانی استعدادهای بالقوه بالای برای نوآوری و اختراع دارند، جا دارد مسئولان دانشگاههای کشور بهای بیشتری به فعالیت‌های عملی آنان بدهند و با گنجاندن فعالیت‌های پژوهشی، تحقیقاتی و عملی در برنامه‌های درسی دانشجویان، حداقل امکانات و زمینه‌های مساعد را برای چنین فعالیت‌هایی فراهم سازند، که از جمله به ایجاد آزمایشگاهها و کارگاههای مناسب و مجهز و تأمین بودجه مورد نیاز فعالیت‌های عملی دانشجویان مستعد، می‌توان اشاره کرد».

سپس آقای بهتوته، که با دوستان دانشجویش موفق به اختراع و ساخت «ویلچر بالارونده» شده است، اظهار می‌دارد: «از آنجا که دانشجویان تجربه و مهارت‌های لازم را برای فعالیت‌های عملی ندارند، کمک و راهنمایی‌های استادان می‌تواند بسیار کارساز باشد و زمینه را برای نوآوری دانشجویان مساعدتر کند. کما اینکه در مورد اختراع صندلی چرخدار (ویلچر) با قابلیت عبور از پلکان و مناطق ناهموار، این اتفاق افتاده است».

وی می‌افرادید: «از آنجا که در اغلب مناطق شهری برای رفت و آمد معلومان و جانبازان عزیز از مکان‌هایی که پله وجود دارد، تسهیلاتی در نظر گرفته نشده است و اکثر اماکن عمومی و خصوصی نیز پلکان دارند، ساخت صندلی چرخدار بالارونده از پلکان، ضروری به نظر می‌رسید. به ویژه آن که نمونه خارجی آن، بسیار کمیاب و گران است و امکان واردات آن در سطح وسیع به کشورمان، وجود ندارد».

### ثبت دستگاه به عنوان اختراع

«برای ساخت «ویلچر بالارونده» ابتدا طرح‌های گوناگونی تدوین و ارائه شد و هر یک جدآگانه مورد بررسی قرار گرفت. سپس ضعف‌های هر طرح مشخص و برای رفع آنها، راهکارهای مناسب پیشنهاد شد و در نهایت تمام طرح‌ها با یکدیگر مقایسه شد و طرح نهایی به تصویب رسید». مهندس آشنای قاسمی که راهنمایی دانشجویان را در طراحی و ساخت صندلی چرخدار بالارونده بر عهده داشته است، با بیان مطلب بالا می‌افزاید:

«گروه ساخت، ابتدا شاسی دستگاه را ساختند و سپس سیستم انتقال قدرت و در نهایت، چرخ‌ها را بر روی بدنه اصلی نصب کردند و پس از مشخص شدن کارآیی کامل، ویلچر بالارونده به عنوان یک اختراع به ثبت رسید».

وی سپس از دکتر جوادی، رئیس دانشکده فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به دلیل در اختیار گذاشتن امکانات و استادانی مانند دکتر پایگانه، به سبب ارائه کمک‌های مؤثر فکری، تشکر و قدردانی و اظهار امیدواری می‌کند که با حمایت مسئولان امر، دستگاه یاد شده به تولید انبوه برسد و در اختیار معلولان و جانبازان عزیز قرار گیرد.

### موانع و مشکلات کار

در ادامه گفت‌وگو، آقای لواسانی با اشاره به این که استعدادهای فنی و حرفه‌ای درخشانی در دانشگاه‌های کشورمان وجود دارد، می‌گوید: «در صورت شناسایی و حمایت از دانشجویان مستعد، شاهد نوآوری و اختراع‌های بسیاری در صنعت و ساخت دستگاه‌های مورد نیاز مردم خواهیم بود».

وی می‌افزاید: «طراحی و ساخت پروژه صندلی چرخدار با قابلیت عبور از پله، ابتدا به عنوان یک کارگروهی و کلاسی مطرح و عملیات اجرایی آن آغاز شد. ولی با پیشرفت کار و طراحی و ساخت قسمت‌های مختلف دستگاه، دید کلی گروه به این پروژه تغییر کرد و به صورت عملی جالب و با انگیزه نوآوری و حتی به نوعی اقدامی بشر دوستانه، مورد توجه واقع شد و وجود جانبازان عزیز جنگ تحملی و معلولان کشور، ساخت چنین صندلی چرخداری را با قابلیت عبور از پله و سطوح ناهموار، ضروری کرد».

آقای لواسانی می‌افزاید: «در مسیر ساخت این دستگاه، موانع و مشکلات متعددی قرار داشت که به لطف پروردگار، بر این مشکلات فائق آمدیم و با توجه به بضاعت علمی، فنی، مادی و امکانات موجود، موفق به ساخت صندلی چرخدار شدیم که البته ممکن است در مرحله اول با مشکلاتی همراه

باشد که با لطف خداوند متعال و کمک و همفکری دوستان و اهل فن، امیدواریم در رفع آنها بکوشیم و وسیله‌ای دلخواه تولید کنیم».

### آگاهی‌های کلی در مورد ویلچر بالارونده

□ در قسمت شاسی، تمامی اتصالات به صورت جوش آهن است و از سوراخ و پیچ کردن قسمت‌های مختلف، با توجه به راحت‌تر بودن عملیات و به منظور جلوگیری از تمرکز تنش، پرهیز شده است.

□ ابعاد تقریبی ویلچر ۸۴ در ۱۴۲ سانتیمتر است و ارتفاع صندلی از زمین ۴۰ و تا بالاترین منطقه به ۸۰ سانتیمتر می‌رسد.

□ در این ویلچر اکثریت قطعات به وسیله گروه سازنده، ساخته و مونتاژ شده‌اند و تنها تعداد بسیار محدودی از قطعات، به صورت کامل و آماده، خریداری شده‌اند.

□ ساخت شاسی با توجه به امکانات و ویژگی‌های استحکام، وزن و انعطاف‌پذیری صورت گرفت و شاسی از جنس آهن به ابعاد ۸۰ در ۱۲۵ سانتیمتر است. سپس در مراحل بعدی، به ترتیب صندلی و جک تعادل و سیستم انتقال نیرو شامل یاتاقان‌ها، بلبرینگ‌ها، چرخ دندنه‌ها و زنجیرها نصب شدند. آخرین مرحله طراحی و ساخت چرخها بود که با توجه به استانداردهای پله که از جند شرکت معتبر ساختمانی به دست آمده بود، انجام گرفت و به سیستم اضافه شد.

آقای لوasanی پس از ارائه توضیحات بالا و این که طراح اولیه ویلچر بالارونده، مهندس فرامرز آشنای قاسمی بوده است، می‌گوید: «برخی از دانشجویان رشتۀ مکانیک دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب نیز یاور ما در انجام این پروژه بودند». وی ادامه می‌دهد: «از آنجا که امکانات دانشگاه برای انجام چنین طرح‌هایی محدود است، کارگاهی خصوصی در خارج از دانشگاه برای ساخت دستگاه ویلچر مکانیکی در نظر گرفته شد.

ابتدا «گروه طراحی» با توجه به نمونه‌های مشابه خارجی (نمونه‌های موتوردار با قیمت‌های بسیار گراف در حدود ۱۵ هزار دلار) واستانداردهای پلکان و طرح‌های موجود، طرح نهایی را ارائه داد که پس از تأیید مهندس آشنای قاسمی، گروه شروع به ساخت قسمت‌های مختلف دستگاه کرد.

ساخت هر قسمت نیز با تست همزمان آن قسمت همراه بود و بعد از پاسخ مثبت، ساخت قسمت‌های دیگر شروع می‌شد. بعد از تست قسمت‌های مختلف به صورت مجزا، تمام اجزاء به یکدیگر مونتاژ شد و در مراحل نهایی و پس از مونتاژ کلی، صندلی چرخدار در ۳ مرحله آزمایش شد

که حاصل این آزمایش‌ها، تغییر مکان «جک صندلی» از جلو به عقب آن و تعویض چرخ دنده‌ها و زنجیرها بود که در نهایت در آزمایش سوم، ویلچر به صورت کامل جواب داد و آزمایش‌ها به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. البته در راه ساخت این دستگاه موافع و مشکلات بسیاری از جمله کمبود امکانات و کمبود وقت دانشجویان عضو گروه به دلیل اشتغال و تحصیل بود و در رأس تمامی آنها، مشکل مالی قرار داشت که مانع از پیشرفت سریع کار می‌شد. چرا که بودجه این کار تنها توسط دانشجویان شاغل در پروژه تأمین می‌شد و از این رو بسیار محدود بود. با این که این امر قدرت مانور گروه را بسیار محدود می‌کرد، ولی به لطف خداوند بزرگ و همت دوستان، تمامی مشکلات مرتفع شد و طرح با موفقیت، به اجرا درآمد.».

### استقبال رسانه‌های گروهی

آقای لواسانی سپس در مورد بازتاب ساخت ویلچر بالارونده در رسانه‌های گروهی می‌گوید: «استقبال رسانه‌های گروهی و از جمله روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها از این پروژه چشمگیر بود و همچنین به تصاویر پخش شده از کanal خبر، اخبار جوانه‌ها، شبکه ۳ و شبکه بین‌المللی جام جم - یک، می‌توان اشاره کرد. این پوشش خبری در نهایت منجر به آشنایی بیشتر مردم با این پروژه شده است که می‌تواند باعث دلگرمی بیشتر گروه سازنده و نیز زمینه‌ساز تولید ابوه این وسیله شود.».

### مراحل ثبت دستگاه

وی در مورد مراحل ثبت دستگاه ویلچر بالارونده به عنوان اختراع می‌گوید: «در مرحله بعدی برای این که دستگاه ویلچر مکانیکی حالت رسمی پیدا کند و امکان حرکت هدفمند و اصولی برای تولید ابوه آن به وجود آید، تصمیم به ثبت آن گرفته شد. ابتدا مدارک و استاد مورد نیاز برای انجام این کار فراهم شد و به اداره ثبت مالکیت صنعتی ارایه شد. به این ترتیب در تاریخ تعیین شده، در حضور کارشناسان ذیربط در محل تست دیگری از صندلی چرخدار به عمل آمد که آن نیز موفقیت‌آمیز بود.

همچنین برای اثبات این که در این وسیله نوآوری وجود دارد، نیاز به تأیید سازمان پژوهش‌های علمی صنعتی بود که این کار هم با ارائه مدارک و برگزاری جلساتی با حضور کارشناسان این سازمان و سازندگان ویلچر، تأیید شد و طرح پس از طی مراحل قانونی و چاپ آگهی در روزنامه‌های رسمی کشور، به عنوان «اختراع» به مدت ۲۰ سال در این سازمان ثبت شد. در حال حاضر تصمیم به تکمیل این دستگاه و رفع معایب آن در فاز دوم طرح داریم. معایبی از جمله وزن ویلچر که در صورت امکان

باید تا حدودی کم شود و همچنین ابعاد ویلچر برای استفاده بهتر، مناسب‌تر شود. علاوه بر آن تولید لاستیک‌های این نوع ویلچر که به صورت خاص است و در بازار عرضه نمی‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. آقای لواسانی درباره شروع مرحله دوم طرح می‌گوید: «شروع طرح در فاز دوم و رفع معایب آن منوط به آماده شدن شرایط مالی است که امید است به همت مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی، اعتبار مناسبی برای این پروژه در نظر گرفته شود».

سازندگان این صندلی چرخدار از تمامی کسانی که پیشنهاد، طرح و انتقادی در این مورد دارند، تقاضا می‌کنند آنها را به نشانی پست الکترونیکی Parsan76@135yahoo.com ارسال دارند.

### باشگاه مخ‌های ایران \*

اگر بشنوید ۷۰ نفر از مخ‌های ایران که توانسته‌اند ۶ بار در مسابقات علمی جهان اول شوند، در المپیادهای جهانی ۱۱ بار مدال طلا و ۱۲ بار مدال نقره و ۸ بار مدال برنز به دست آورده‌اند، در المپیادهای کشوری ۶۵ بار مدال طلا و ۲۴ بار مدال نقره و ۲۰ مدال برنز کسب کرده‌اند، ۱۸ بار در جشنواره خوارزمی برتر شده‌اند، ۱۵ بار به رتبه ممتاز دانشجویی در دانشگاه‌های داخل و خارج کشور دست یافته‌اند و در آزمون‌های سراسری (همان کنکور خودمان) در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۲۸ بار رتبه برتر شده‌اند، باورتان می‌شود این ۷۰ نفر هنوز در ایران باشند و دور هم جمع شده باشند تا فکری به حال صنعت و آینده این مملکت کرده باشند؟ بله. گروه «بنیان دانش‌پژوهان جوان» که از سال ۱۳۷۹ فعالیت منسجم‌اش را آغاز کرده است، با این کارنامه شلوغ و طولانی و پر از طلا و نقره و برنز و رتبه ممتاز، در ایران و در دل باشگاه دانش‌پژوهان جوان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. با سه نفر از اعضای هیأت مدیره این گروه گفتگویی کردیم تا آنان را بهتر بشناسیم. شاید شما هم بعد از آشنایی با این گروه و فعالیت‌های متعدد و رنگارنگش حسی آمیخته به غرور و امید داشته باشید.

### وقتی رفتی «مغز» می‌شوی

مدتی است که خیلی به ماجرای فرار مغزها یا فرار نخبگان پرداخته می‌شود؛ اما در میان این همه حرف و حدیث کمتر جایی دیده می‌شود که یک حرف حساب و یک راه حل عملی برای جلوگیری

از هدر رفتن سرمایه‌های فکری کشور مطرح کرده باشند. نکته جالب هم اینجاست که همه آن دانشجویان و تحصیل کردن مستعدی که از دانشگاه‌ها و مراکز علمی آموزشی خارج از کشور پذیرش می‌گیرند و راهی آن سوی مرزها می‌شوند، فقط وقتی که پایشان را آن سوی خط مرزی روی نقشه می‌گذارند، اسمشان می‌شود مغز، می‌شود نخبه. انگار نه انگار که همین مغزها و نخبه‌ها تا قبل از این در خاک خودمان بوده‌اند.

فرزان نیک‌پور از اعضای هیأت مدیره «بنیان دانشپژوهان جوان» است که از نخستین سالهای شکل‌گیری هسته‌های اولیه گروه در آن فعالیت می‌کرده است. او خیلی تند و با عجله حرف می‌زند. انگار که بترسد نوار ضبط صوت من تمام شود: «ما می‌دیدیم چطور دوستان خوب و مستعدمان فقط به این خاطر که فکر می‌کردند در داخل کشور امکانات و زمینه‌های فعالیت پژوهشی وجود ندارد که بهار سفر می‌بستند و تا پایشان را از ایران بیرون می‌گذاشتند، مهم می‌شدند. ما می‌خواستیم برای اینجور افرادی که واقعاً هم زمینه مناسبی برای فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی آنان وجود ندارد، حداقلی از امکانات مورد نیازشان را فراهم کنیم تا بتوانند در داخل کشور خودشان هم خدمت کنند.» گذشت زمان نشان داده است این دیدگاه که باید مرزها را آنقدر سخت و محکم بیندیم تا مغزها نتوانند از دستمان در بروند، نمی‌توانند چندان کارآمد باشد؛ اما با فراهم کردن شرایطی که فرد بتواند آن طور که باید و شاید از استعدادش استفاده کند، می‌توان مغزها را به ماندن امیدوار کرد. فعالیت‌های «بنیان دانشپژوهان جوان» هم در همین جهت است.

### دردرس‌های متفاوت بودن

این که چند نفر دانشجوی نخبه برای این که فکری به حال مسئله فرار مغزها کرده باشند، خودشان فعالیتی را آغاز کرده باشند، یک جورهای غریب به نظر می‌رسد؛ اما این ۷۰ نفر با کلی امید و آرزو کارشان را شروع کرده‌اند و همچنان چشمشان به آینده روشن است. ولی متفاوت بودن و شناکردن در خلاف جریانی که خیلی‌ها به آن دامن می‌زنند، مشکلات و دردرس‌های خودش را هم دارد.

سیدجواد حکیم‌زاده از دیگر اعضای هیأت مدیره «بنیان دانشپژوهان جوان» است که درست برخلاف دوستش فرزان خیلی آرام و با طمأنی‌های صحبت می‌کند، انگار که بترسد، مبادا طرف صحبت‌ش حرفش را درست نفهمیده باشد. جواد، دلپری از سنگاندازی‌ها و نامالایمی‌ها دارد: «خیلی از سازمان‌ها و نهادهایی که با آنها کار کرده‌ایم و هنوز با آنها همکاری داریم، درک درستی از نحوه

برخورد با این طور گروهها ندارند. منظور مان این نیست که مان خیلی با بقیه فرق داریم و اصلاً هم توقع نداریم با ما متفاوت از بقیه برخورد شود. نه! مامی خواهیم همان مراتب اداری و همان ضوابط رسمی را که دیگران طی می‌کنند، پشت سر بگذاریم، اما درخواستمن این است که فرآیند اداری امور را سریع تر کنند. کنند و آهستگی پیشافت کار در ادارات و سازمان‌های دولتی آن قدر خسته کننده و کلافه کننده است که هر کس باشد ممکن است از پیگیری منصرف شود، چه برسد به این که طرف آنها یک دانشجوی ممتاز یا یک برگزیده المپیاد علمی جهانی باشد؛ کسی که شاید با یک برخورد ناصحیح به کلی از ادامه کار مأیوس و سرخورده شود. در تشکیلات ما بخش خاصی برای پیگیری کارهای اداری در نظر گرفته نشده است. همان کسی که روی پروژه کار تحقیقاتی می‌کند، باید دنبال کار هم بدد و این یعنی سرگردان شدن در طبقه‌های متعدد و بالا و پایین دویدن در پله‌های سازمان‌ها» چنین تقایصی باعث می‌شود عده‌ای جوان دلگرم، امیدوار و مستعد از ادامه کار خود پیشیمان شوند. بخصوص وقته می‌شنوی، ۴ نفر از اعضای همین گروه پژوهشی، مهرماه امسال با خاطره‌ای تلخ از سلسله مراتب دست‌وپاگیر اداری در ایران و سرخورده از چوبهایی که لای چرخ آنها گذاشته‌اند، راهی دیار غربت می‌شوند. جواد هم که از چنین ماجراهای خیلی متأسف است، می‌گوید: «همه اعضای گروه خیلی سعی کردیم این ۴ نفر را به ماندن راضی کنیم، اما برخوردي که در یکی از سازمان‌ها با آنها شده بود، آنقدر خسته و دلسوزشان کرده بود که نتوانستیم از این تصمیم منصرفان کنیم. البته این دوستان ما قرار است از همان خارج کشور با ما در ارتباط باشند و مانند خیلی دیگر از همکارانمان در تحقیقات به ما کمک کنند. شاید بودن آنها در آنجا برای ما مفیدتر هم باشد. هدف ما کمک کردن به پیشافت صنعت فناوری ایران است. هر کداممان هم یک گوشه کار را می‌گیریم، از هر جا که باشیم ...»

### خودجوش و پرانرژی

در حال حاضر مراکز زیادی در کشورمان هستند که به فعالیتهای علمی و تحقیقاتی مشغول هستند، اما آفت بیشتر آنها در «تشریفاتی بودن» شان است. اغلب این مراکز به انجام کارهای روزمره و تعیین شده خود اکتفا می‌کنند و به ندرت خلاقیت و ابداعی در فعالیتهای آنها بچشم می‌خورد. اما در خصوص «بنیان دانش‌پژوهان جوان» که به صورت خودجوش و بدون برنامه‌ریزی از بالا توسط عده‌ای دانشجو شکل گرفته است، ماجرا به گونه‌ای دیگر است. آنها خودشان برای آینده گروهشان تصمیم می‌گیرند و تابع سیاست‌هایی که شاید با عوض شدن یک وزیر زیورو و شوند، نیستند. البته نه به

آن معنا که چارچوب مشخصی برای فعالیت خود تعریف نکرده باشند. اعضای هیأت مدیره «بنیان دانش پژوهان جوان»، مدیریت آقای میرزایی در باشگاه دانش پژوهان را عامل اصلی این موفقیت می‌دانند و معتقدند حمایتهای ایشان از فعالیتهای مستقل، خلاق و در عین حال هدفمند مانند گروه «بنیان دانش پژوهان جوان» نقش زیادی در ادامه حیات آنان در شرایطی که عرصه برای چنین فعالیتهایی چندان گشوده و فراخ نیست، داشته است.

### دنیای فردا چه شکلی است؟

آینده‌نگری فناوری: از نام این رشته پیداست زمینه اصلی فعالیت آن وضعیت جهان آینده و فناوری‌های آن است. این رشته مطالعاتی، که چند سالی است در کشورهای توسعه یافته بسیار به آن پرداخته می‌شود، سعی می‌کند حدس بزند جهان آینده چگونه خواهد بود و چه جور فناوری‌هایی در آن جهان اهمیت بیشتری خواهند داشت. از دیدگاه کارشناسان این رشته، آینده‌نگری با پیش‌بینی متفاوت است. در پیش‌بینی به صورتی منفعل، صرفاً آینده جهان برآورد می‌شود و دانسته می‌شود جهان چگونه خواهد بود؛ اما در آینده‌نگری، که مرحله‌ای است پس از پیش‌بینی، مشخص می‌شود در آینده‌ای که می‌توان تصوری از آن داشت چه فناوری‌هایی مفیدتر و قابل ابتکاتر هستند. این رشته بسیار به رشته‌های علوم انسانی نزدیک می‌شود و کارشناسان آن می‌توانند با بررسی وضعیت آینده جهان و انطباق آن با شرایط بومی و منطقه‌ای، مشخص کند کدام یک از شاخه‌های فناوری و بخصوص فناوری‌های جدید، قابلیت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی براساس آنها دارند. به این ترتیب بودجه کشور در زمینه‌هایی که می‌تواند در آینده مفیدتر باشد، خرج می‌شود و در مقابل دیگر بودجه‌ای برای موضوعاتی که سودآور و قابل اعتنا نیستند اختصاص پیدا نمی‌کند.

«بنیان دانش پژوهان جوان» در این زمینه مطالعاتی را به سفارش دفتر ریاست جمهوری انجام داده است که گویا خیلی هم از سوی کارفرما مورد استقبال قرار گرفته است.

### چرخ دنده‌هایی در اندازه‌های ملکولی

نانوتکنولوژی: سطح کاملاً جدیدی از فناوری است که براساس استفاده از مولکول‌ها و آرایش هدفمند و برنامه‌ریزی شده آنها استوار است. دانشمندان نانوتکنولوژیست به جای استفاده از ابزارها و

قطعات ماشینی، از مولکول‌های مختلف استفاده می‌کنند. در این نوع فناوری هر مولکول می‌تواند نقش یک یا چند قطعه ماشینی یا مدار الکترونیکی را بازی کند. با توجه به این که ابعاد مولکول‌ها در جهان طبیعت در حدود یک ده میلیاردیم متر یا یک گانگستروم است، به این نوع فناوری نانوتکنولوژی گفته می‌شود، یعنی نوعی از فناوری که در حد و اندازه‌های نانومتر (یک میلیاردیم متر) است. هرچند دانشمندان نانوتکنولوژیست تصور می‌کنند بتوانند با استفاده از این نوع فناوری، حتی مولکول‌هایی را طراحی کنند که بتوانند به داخل بدن تزریق شوند و درست مانند یک روبات جراح، عمل جراحی انجام دهن، اما این نوع فناوری در مراحل اولیه تحقیقاتی است و بارزترین محصولات آن ریزتراسه‌های بسیار کوچک کامپیوتی با مدارهای نانوتکنولوژیک بوده‌اند، یا الیاف شیمیایی مخصوصی که پرزهای ضدآب نانوتکنولوژیک دارند. یکی از فعالیت‌های تحقیقاتی «بنیان دانش پژوهان جوان»، پژوهش درباره نقش نانوتکنولوژی در صنعت نفت بوده است که با همکاری پژوهشگاه صنعت نفت انجام شده است.

### وقتی آدم آهنی‌ها خانه‌داری می‌کنند

روبوتیک: با توجه به نقش علم روبوتیک در صنایع مختلف، این فناوری اهمیت زیادی در جهان امروز پیدا کرده است. «بنیان دانش پژوهان جوان» توانسته است با تشکیل یک تیم مجبوب و مسلط بر فناوری روبوتیک، پروژه‌های روبوتیک مختلفی را که در صنایع کشور و از جمله صنایع نفت مورد نیاز بوده‌اند، دنبال کند. این تیم توانسته است در مسابقات سال گذشته روبوتیک کانادا که از طرف انجمن هوش مصنوعی آمریکا برگزار می‌شد، به رتبه اول دست پیدا کند، درحالی که همه تیمهای شرکت کننده در مرحله نهایی مسابقات از طرف وزارت دفاع آمریکا حمایت مالی می‌شده‌اند، این تیم همه هزینه‌های پروژه را خودش پرداخت کرده است. تحقیق درباره BMS یا سیستم مدیریت ساختمان نیز یکی از فعالیت‌های این گروه در زمینه روبوتیک بوده است. این سیستم می‌تواند تمامی امور مربوط به یک ساختمان را از ورود و خروج افراد گرفته تا بهینه کردن مصرف انرژی در زمینه تهويه مطبوع و روشنایی ساختمان، مدیریت و راهبری کند. تا قبل از فعالیت‌های این گروه، اغلب این سیستم‌ها به طور کامل از خارج کشور وارد و نصب می‌شده است. یکی دیگر از زمینه‌های تحقیقاتی «بنیان دانش پژوهان» مطالعه روی امواج UWB بوده است. این امواج که از موانعی مانند دیوار رد می‌شوند، می‌توانند در پروژه‌های روبوتیک به تعیین موقعیت روبرویت کمک کنند.

## یک کارخانه عظیم داخل جعبه رایانه

شیوه سازی: تقلیدی است از یک فرآیند طبیعی درگذر زمان. به این صورت که اطلاعات کافی درباره آن فرآیند تهیه می‌شود و سپس با تحلیل این اطلاعات، آینده فرآیند پیش‌بینی می‌شود. این کار صرف نظر از این که با دست یا به وسیله کامپیوتر انجام شود، به طور ساختگی تاریخچه‌ای از آن فرآیند را ایجاد می‌کند و برای شیوه‌سازی نتایج کار از آن استفاده می‌کند. هرچند شیوه‌سازی ایده‌آل نو و طرحی جدید نیست و پیش از این نیز به صورت ریاضی انجام می‌گرفته است، اما با رشد فناوری‌های رایانه‌ای، بخصوص برنامه‌های گرافیکی و بانکهای اطلاعاتی قدرتمند، محیطی برای محققان فراهم می‌کند، تا توانند تصاویری زنده و طبیعی از آینده هر فرآیند مشاهده کنند. کارشناسان شیوه‌سازی از این محیط تعبیر به «گوی بلورین» کرده‌اند که در آن آینده را کشف می‌کنند. با شیوه سازی کامپیوتری می‌توان زمان را چنان فشرده کرد که فعالیت‌های چند ساله در ظرف چند ثانیه شیوه‌سازی شوند. با استفاده از این مزیت، تحلیلگران می‌توانند طرحهای متنوعی را درباره یک مسئله واقعی با صرف زمان ناچیزی اجرا کنند و نتایج مختلف را مقایسه و ارزیابی کنند. به این ترتیب می‌توان مجموعه‌ای را حتی پیش از آن که ساخته شود، شیوه‌سازی کرد و نقاط ضعف آن را شناسایی و رفع کرد. «بنیان دانش پژوهان جوان» با شیوه‌سازی انبار مکانیزه یکی از شرکتهای خودروسازی که بزرگترین انبار مکانیزه خاورمیانه است، در این زمینه هم فعالیت موفقی داشته‌اند. آنها با تشکیل گروهی مختص برنامه‌های شیوه‌سازی، قصد دارند این رشته را به طور جدی به صاحبان و مدیران صنایع کشور معرفی کنند.

○ ○ ○

## هدف از تجمیع، روان‌تر کارها بود

صحبت و گفتگوی معاون محترم پشتیبانی و زارت آموزش و پرورش  
آقای «غندالی» در جمع مدیران ستادی و آموزشی سپاه  
(۱۳۸۲ تیرماه ۲۶)

من ترجیح می‌دهم دوستان بیشتر سؤال کنند تا اگر مطلبی هست، در خدمت شما باشم. ولی ابتدایک مقدمه کوتاه چند دقیقه‌ای را خدمت شما عرض می‌کنم، بعد دوستان اگر سؤال و مطلبی دارند، به هر شکلی که مدیریت جلسه تأیید می‌کنند، در خدمت شما هستیم.  
آنچه که به عنوان مقدمه می‌خواهم بگویم اینست که ما در مدیریت جامعه‌مان یک اشکال اساسی داریم. کارها را براساس برداشت‌هایی که داریم تحریر می‌کنیم. یعنی ساختاری ایجاد می‌کنیم، بعد همه جواب امر را نمی‌سنجدیم و برای عملیاتی شدن و اجرایی شدن یک کار، همه ابعاد را درست تا انتهاش پیش‌بینی نمی‌کنیم. بعد وقتی یک فکر خوب می‌خواهد در جامعه عملیاتی بشود، همه ابعادش را خوب نمی‌بینیم و نمی‌سنجدیم. در نتیجه بین راه خود به خود تلف می‌شود و کارایی اش را لازم دست می‌دهد. آنهایی هم که اهل فکر و اندیشه‌اند با این روش کاری ما ذوقشان کور می‌شود. از جمله این موارد مدارس استعدادهای درخشان است، مدارس نمونه مردمی سابق، مدارس نمونه دولتی، کانونهای فرهنگی تربیتی ما نیز هست. هر کدام از اینها، یک پشتونه فکری درستی داشته است. حالا اگر بعضی‌ها هم معتقدند که پشتونه فکری درستی نداشته و غلط‌بوده، ولی به عنوان یک فکر جریان پیداکرده است، ولی در اجرایکه آمده است، همه ابعاد

کار و ساختار کار تغییر کرده است.

قبل از انقلاب که کاخ جوانان سابق را طراحی کردند، اول بودجه‌اش را دیدند، بعد مکانش را طراحی کردند، که برای جوان جذاب باشد، بعد ساختار تشکیلاتی آن را دیدند، همه اینها را مصوب کردند. به اجرا گذاشتند و موفق هم بودند. از نگاه حاکمیت آن روز، با فرهنگ و هنجارهای خودشان، هرچه بود موفق عمل شد. بعد از انقلاب ما همین کار را کردیم، آمدیم یک کانون فرهنگی تربیتی طراحی کردیم، اولاً فرض کنید به جایی که ۵۰۰ میلیون اعتبار لازم دارد، ۲۰۰ میلیون تومان را دادیم، ۳۰۰ میلیون تومان ندادیم، ...

در ثانی ساختار تشکیلاتی آن را، اساساً بررسی نکردیم تا بینیم. چقدر پست لازم است، چه تعداد نیرو باید داشته باشد، هیچ مطالعه‌ای انجام ندادیم. یک محوطه مشجر را تحویل سرایدار دادیم، نه باغبان برایش تعیین کردیم، نه نگهبان برایش تعیین کردیم. در ارتباط با تشکیلات، مدیر و معاون مرکز و امکانات اصلاً معلوم نیست چگونه باید عمل کرد. بودجه بعدیش را هم نمی‌دانیم چگونه باید تأمین کرد و در مجموع چگونه باید این مرکز اداره بشود.

در استعدادهای درخشنان به اعتقاد من یک چنین گرفتاری برای ما پیش آمده است، البته زحمات آقای دکتر و تلاش خود ایشان باعث شده سازمان تابحال سرپا بماند. و اگر همت ایشان نبود و فردی مثل ایشان بالای سر مجموعه نبود، تا به حال این مجموعه به شکلهای مختلفی صدمه دیده بود و حرکت خودش را، حداقل به شکل صحیح نمی‌توانست ادامه بدهد. این مشکل هم هست. هرکس برداشتی دارد، یکی می‌گوید این عدالت آموزشی نیست، یکی می‌گوید استعدادها را شما جمع می‌کنید می‌برید آنچه بعد مدارس دیگر دچار مشکل می‌شود. هرکسی یک برداشتی دارد، همین طور اجتهاد می‌کند، عمل می‌کند و با توجه به دیدگاهش با مجموعه، به همین شکل برخورد می‌کند. من دو سه نکته را می‌خواهم بگویم:

اولاً تعهدی با هم داشته باشیم، حداقل دوستانی که در آموزش پرورش هستیم و آن اینکه مدیران بی عرضه‌ای نباشیم. فرض کنید یک چیزی را طراحی کردیم، نظامی، تحت عنوان سازمان استعدادهای درخشنان یا هرچیز دیگری، هر فکر دیگری که عملیاتی شد. پشت سرش بایستیم، جلوی اجتهادهای نابجا را بگیریم. بنده به عنوان معاونت پشتیبانی وزارت تحفظ مجاز نیستم که اجتهاد شخصی ام باعث بشود که از یک سازمانی به اسم سازمان استعدادهای درخشنان پشتیبانی نکنم، ولو برداشت شخصی ام این باشد که این سازمان کارایی ندارد. یعنی این فکر با این شیوه

نمی‌تواند اهداف ما را عملی سازد و بگذارد به اهدافمان دست پیدا کنیم. این وظیفه من نیست که در عملیات این حرف را بزنم، در ستاد وزارت‌خانه، در شورای معاونین، یا جایی که برنامه‌ریزی وزارت‌خانه هست، می‌توانم فکرم را ارائه کنم، بازنگری کنم. ولی مدامی که یک فکر، یک حرکتی جریان دارد، واحدهای مختلف وزارت‌خانه وظیفه خودشان را باید در مقابل این جریان کاری، عمل کنند. بنده موظفم تمام مجموعه وزارت آموزش و پرورش را که الان در ساختار، جریان دارد، پشتیبانی کنم. رئیس سازمان استان هم وظیفه‌اش همین است.

هدف ما از تجمعیع در حقیقت روان کردن کارها بوده نه براین اساس که ترمذکار همدیگر باشیم. به جای اینکه ستاد مرکزی در اقصی نقاط کشور بخواهد مدارس را پوشش بدهد، کار سختی است، هزینه‌بر است و دسترسی مقداری مشکل است، سازمانهایی که نزدیک شما هستند مستقیماً پوشش بهتری به شما می‌دهند، امکانات بیشتری در اختیار می‌گذارند و جنبه حمایتی بیشتری پیدا می‌کنند و کار به نحو صحیح تداوم پیدا می‌کند.

من حتماً در جلسه رؤسای سازمان‌ها اشاره خواهم کرد، در جلسه اجلاس رؤسای آموزش و پرورش هم که شنبه ۲۸ تیر ۱۳۸۲ داریم، آنجا هم من تذکر می‌دهم و اشاره می‌کنم. وقتی یک مدرسه‌ای را، یک تشکیلاتی را تعریف کردیم، تابع مقررات و قوانین خاص خودش می‌باشد. ما در مدارس نمونه دولتی، همین گرفتاری را داریم. شما وقتی مدرسه نمونه دولتی را تعریف کردید، ساختارش را هم باید تعریف کنید و در همه جا در دستورالعمل ساماندهی هم ببینید. نه اینکه یادتان برود و بعد روی هوا رهایش بکنیم. الان ما در مدرسه نمونه دولتی همین گرفتاری را داریم، نه معلوم است تعداد معاونهایش چند نفر است، اضافه نیرو را معلوم نیست چکار باید بکنیم. یک بی‌سروسامانی داریم. عملاً از آن چیزی که ما می‌خواستیم و هدفی که از مدارس نمونه دولتی داشتیم بازماندیم. با تجمعیع در استعدادهای درخشان نباید بگذاریم چنین اتفاقی بیفتند. به هر حال یک مجموعه‌ای با یک مأموریت خاصی تعریف شده است و مدامی که این تعریف و این مأموریت سرجایش هست باید همان را پشتیبانی کنند. حق ندارند که انتقادهای شخصی بکنند. باید حمایت بکنند و تحت به اصطلاح قوانین و دستورالعمل ویژه‌ای که هست حرکت بکنند. اگر برای انتصاب یا جایه‌جایی مدیران مراکز باید سازمان مرکزی نظر بدهد، باید دقیقاً برای ما محترم باشد. من که رئیس سازمان استان هستم نباید به من بربخورد، حالا چرا در عزل فلان مدیر باید رئیس سازمان اصلی دخالت داشته باشد. ساختار اینطوری طراحی شده است. به هر حال نیروهایی که

مجموعه وزارتخانه را دارند اداره می‌کنند، یا مجموعه مملکت را اداره می‌کنند، تشخیصشان این بوده است. من نیروی اجرایی هستم، من نیرویی هستم که باید بیایم پشتیبانی کنم، زمینه، موقفيت طرح و برنامه را فراهم کنم. لذا اول مأموریت خودمان را بینیم چیست، وظایف خودمان چیست؟ وظایف خودمان را بشناسیم، با دولستان، رئیس سازمان و دیگران، در میان بگذاریم، که اینجا به این شکل خاص اداره می‌شود، اگر ابهامی دارید، نقطه نظری دارید بفرمائید، پرسید من جواب بدhem. اگر نه از مرکز سؤال کنید، بعد به همان شیوه همراهی کنید. اگر جایی واقعاً، اجتهد شخصی کردن، اشکال خاصی برایتان ایجاد کردن، به جای اینکه درگیر بشوید، بلا فاصله به ستاد منتقل کنید. ستاد وظیفه‌اش هست که بیاید اصطکاک این چینی را در مناطق و استانهای مرتفع بکند، تائزی شما صرف درگیری نشود و این ارزی باید صرف برنامه‌ریزی و کیفیت بخشی به مسائل آموزشی و مسائل دیگر مدرسه بشود. لذا من خدمت دولستان اعلام می‌کنم آنچه که به عنوان یک سیاست در وزارتخانه جریان دارد، حوزه ما وظیفه‌اش پشتیبانی است، وظیفه‌اش آماده کردن مقدمات برای موفق شدن آن برنامه است. متنه‌ی یک انتظار از دولستان داریم، که تو قعاتمان را متناسب با امکاناتمان قرار بدهیم. یعنی اینجور نباشد که از بنده توقعی خارج از توان داشته باشند. این بطور طبیعی باعث می‌شود که وقتی شما در خواستی کردید و مانوانستیم پاسخ بدهیم، مدیرمان از نظر روحی آزرده می‌شود. این مسئله برای ما مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند. اگر بخشهاي مختلف مدام خارج از توان ما، خارج از امکان ما، امکانات بخواهند، آدم از نظر روحی یک مقدار خودش دچار مشکل می‌شود. توان فکر کردن را از دست می‌دهد. توان و امکان وزارت آموزش و پژوهش را بسنجید که چیست؟ متناسب با این، توقعات را تنظیم کنید. ما هم سعی می‌کنیم، همانطور که اینجا تابع مقررات خاص خودش هست، همین شکلی بینیم تا مأموریتی که برایش تعریف شده است به هر طریق دست یافتنی باشد.

نکته بعد اینکه بهر حال ما یک وزارت آموزش و پژوهشی داریم که پایه‌هایش روی یک به اصطلاح زمین سستی بنا شده، چه به لحاظ ساختاری، چه به لحاظ منابع اقتصادی. ما برای اینکه بتوانیم واقعاً موفق بشیم، نیازمند انسانهای خلاق هستیم که بنشینند، فکر کنند، منابع جدید آموزش و پژوهش را برایمان تعریف کنند، تا وقتی که سراغ دولت می‌رویم حق و حقوق آموزش و پژوهش را بتوانیم بگیریم. این وظیفه‌ما هست. الان ۳۷٪ کارکنان دولت، متعلق به آموزش و پژوهش است. سهم اعتبارات آموزش و پژوهش از بودجه جاری دولت کلاً ۱۷٪

است. این دو رقم با هم همخوانی ندارند، یعنی ۳۷٪ جمعیت پرسنلی از ما باشد، ولی اعتبارات ما ۱۷٪ باشد. این دورقم تابه هم نزدیک نشود، آموزش ما را از این فلاکت بیرون نخواهد برد. من اعتقادم این است که رفتن به سراغ دولت و گرفتن امکانات و سهم آموزش و پرورش از منابع ملی وظیفه ماست و باید دنالش برویم. ولی یک نگاه دیگر هم باید داشته باشیم، از توانمندی فکری و خلاقیت داخل مجتمعه بهره بگیریم. از امکان و ظرفیتی که در خود آموزش و پرورش موجود هست به عنوان یکی از منابع مهم استفاده کنیم.

در اینجا انسانهای صاحب فکر می خواهد، تا اقتصاد آموزش و پرورش ما را با یک نگاه دیگر تعریف و برای ما تفهیم کند و اینجاست که سازمان استعدادهای درخشان باید ما را کمک کند. یعنی از یک طرف بnde وظیفه خودم می دانم با شما همراهی کنم، تا مأموریتی که برای سازمان تعریف شده است خوب دست یافتنی و عملیاتی بشود و از طرف دیگر انتظار دارم در این مجتمعه که دوستان خلاق ما، دانش آموزان پرتوان و با استعداد ما هستند، دیلان خوب و پرتوان ما به کمک ما بیایند. به عنوان یک پروژه مهم آموزش و پرورش روی منابع آموزش و پرورش و اقتصاد آموزش و پرورش، فکر، مطالعه و همفکری بکنند، که ببینیم واقعاً با این مجتمعه چکار می شود کرد. من یک سری از دوستانی که در آموزش و پرورش صاحب نظر هستند، در این مدت که در این سمت منصب شده ام خواسته ام که در اقتصاد آموزش و پرورش صاحب نظر هستند را به ما معرفی کنند. دوستان عموماً اعتقادشان این هست کسی که در اقتصاد آموزش و پرورش کار کرده باشد، در کشور ما نیست و این ضعف بزرگی است. کسی که منابع جدیدی را در آموزش پرورش بتواند تعریف بکند، کسی که اقتصاد آموزش و پرورش را تعریف کند نداریم. بعضیها اشاره می کردن در این زمینه باید مشاور خارجی بگیریم و از کشورهای موققی مثل مالزی استفاده کنیم، ولی به هر حال اینجا ما با یک چالش مهمی روبرو هستیم، برای اینکه بتوانیم واقعاً علمی مطالعه کنیم و وضعیت اقتصاد آموزش و پرورش و پتانسیلی که داخل مجتمعه هست به نحو صحیح در جهت رفع مشکل استفاده کنیم. باید از صاحبان اندیشه بهره بگیریم. دوستانی که بهر حال در این مجتمعه هستند، با توجه به دانش آموزان تیز هوشی که در این مجتمعه داریم، اعتقاد ما این هست که ببینید به کمک ما، شما می توانید به ما از نظر علمی و پژوهشی و تحقیقاتی در این زمینه کمک کنید تا بتوانیم واقعاً راهکارهای بهتری را برای حل مشکلات آموزش و پرورش پیدا کنیم و صرفاً نگاه ما به دولت

نباشد و یکطرفه کار نکنیم که مشکلات عدیدهای را برایمان ایجاد کند. بهر حال من امیدوارم که مجموعه آموزش و پرورش بتواند مأموریتی را که شما دارید خوب بفهمد، پشتیبانی کند و زمینه موفقیت را فراهم آورد. و متقابلاً هم دوستانی که در این بخش هستند ما را همراهی کنند در انجام درست مأموریتی که به ما محول شده است، تا انشاء الله با یک تفاهم و تعامل این دو طرفه موجبات موفقیت در آموزش و پرورش فراهم بشود. کلیاتی که می خواستم خدمت دوستان بگویم این بود، حالا در خدمتتان هستم اگر سؤالی هست بفرمائید.

## ○ سازمان استانها در ارتباط با استفاده از فارغ التحصیلان به عنوان حق التدریس برایمان مشکل ایجاد می کنند چه کنیم؟

● ببینید. الان سه چهار مورد هم همکاران در این زمینه به شکل کتبی نوشته اند. من معتقدم یک تیم از خود مدیران و ستاد سازمان تشکیل بشود که قاعده‌تاً آقای دکتر و دوستان این را پیش‌بینی کرده‌اند. مشکلاتی را که دارید دسته بندی کنید. دیگر، الان، وقتی تجمیع انجام شده پرسید این مشکلات چرا وجود دارد؟ قبلش یکسری از مشکلات را داشتید، بعد هم ممکن است یکسری مشکلات دیگر بوجود آید. بهر حال مشکلات دسته بندی شود. یکی از آنها همین فارغ التحصیلان است که الان اجازه نمی‌دهند، شما از آن استفاده کنید. در حالیکه طرح خوبی است، من معتقدم یکی از عوامل موفقیت در نقاط مختلف حوزه کاری خود من در شهرستانهای تهران، تقریباً قبل از اینکه سازمان بیاید در پوشش سازمان آموزش و پرورش استان، این بود که ما مدارس خاصمان را با این شیوه اداره می‌کردیم. دانش آموزان با استعدادهای را که از سیستم رفته و در دانشگاه قبول شده بودند دعوت می‌کردیم، همان جا برای بچه‌ها کارهای ویژه کنکوری و مسائل مختلف انجام می‌دادند. در خیلی از شهرها، مثل رامین، قرچک، اسلامشهر به این شیوه عمل می‌کردیم و موفق هم بود. چون بچه‌هایی که با استعداد بودند و دانشجو هم بودند، جوان بودند، نزدیک به بچه‌ها بودند و با انگیزه کار می‌کردند و بچه‌ها هم به دلیل اینکه آنها جوان بودند و اطلاعات خوبی هم داشتند، علاقه داشتند و سرکلاسشن بهتر حضور پیدا می‌کردند. تجربه خوبی داشتیم. این کار خوبی است. منتهی باید نوشته بشود، باید ما ببینیم، گیرهای کار و مشکلاتش چیست، چرا این امر ممنوع شده و راه کارهایش را پیدا کنیم، حل کنیم، مجوز بدھیم. نمی‌شود که ما یک مأموریت ویژه برای یک مدرسه تعریف کنیم بعد در بخشنامه ساماندهی، او را همپای مدارس دیگر ببینیم.

## ○ وضعیت نمایندگی سمپاد در استانها چگونه است؟

● یکی از موارد مهم وجود نمایندگی (سمپاد) در استانها است. مدیران این بخش، چون شرح وظیفه برایش نوشته نشد و فقط پست دادیم، الان نمی‌دانند، تکلیفسان چیست، ارتباطشان با سازمان استان چگونه است، ارتباطشان با مدارس چگونه است، ارتباطشان با سازمان مرکزی استعدادهای درخشان چیست؟ این شرح وظیفه‌ها چون تعیین و نوشته نشده، یک سرگردانی ایجاد کرده. و هر کس به سلیقه خودش تلاشی می‌کنند. تنظیم شرح وظیفه از وظایف ماست، من به دوستان واحد تشکیلات ابلاغ می‌کنم. تا، با دوستان استعدادهای درخشان بشینند شرح وظیفه نمایندگان سمپاد را تنظیم و به همه ابلاغ کنیم، شرح وظیفه این مدیر در استان این هست. این کارها را باید انجام بدهند و رئیس سازمان مطلع باشد و با او هماهنگ باشد. این نکاتی است که باید کار کنیم، عقب افتاده است، باید یک تیمی روی آن کار کارشناسی بکند. بعد بیاوریم در وزارت خانه و تصمیم بگیریم. لذا من معتقدم تعدادی از دوستان بشینند تمام مشکلاتی که شما در سازمان دارید، حالا چه به صورت کار در یک سازمان اتفاق بیفتد چه بصورت عام در همه جا این گیرها را دارید، اینها مدون شود. من در خدمت دوستان هستم.

## ○ دیلمی (سمپاد گیلان)

● مستحضرید مراکز آموزش استعدادهای درخشان محل آموزش و پرورش بهترین فرزندان میهن اسلامی‌مان اند که بارها مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری تأکید و توجه خاص مسئولان به آموزش و پرورش آنان داشته‌اند و نیز تأکید رهبر معظم انقلاب در دیدار دیروز بادانش آموزان قرآنی و مدیران استعدادهای درخشان در همین زمینه بوده است.

عدالت آموزشی ایجاب می‌نماید، همانگونه که برای دانش آموزان استثنایی امکانات خاص آموزشی تدارک دیده می‌شود، برای دانش آموزان استعدادهای درخشان نیز بی‌شک امکاناتی در خور استعداد و توان آنها باشد. با این تفاوت که دانش پژوهان استعدادهای درخشان بازدهی و نتیجه بسیار مفیدتر و بیشتری در استفاده از امکانات دارند، برای نمونه به اهتزاز در آمدن پرچم پر افتخار ایران اسلامی در المپیادهای جهانی (۲۰ نفر از دانش آموزان امسال از سمپاد بوده‌اند). مواجه شدن با بعضی مشکلات اداری مالی، فعالیت آموزشی مراکز را تحت تأثیر قرار داده است. که اهم آنان در ارتباط با حوزه معاونت پشتیبانی می‌باشد که به شرح زیر تقدیم می‌گردد.

تقاضا می‌شود به منظور ایجاد وحدت رویه در سازمان آموزش و پرورش استانها (با توجه به اینکه همه

استانها یکسان عمل نمی‌کنند، مسائلی که ما خدمتمن عرض می‌کنیم در بعضی استانها انجام شده، در بعضیها انجام نشده و یک ناهمانگی بین مراکز در سطح کشور وجود دارد). این موارد به صورت دستورالعمل اجرایی و بخشنامه به استانها ارسال گردد:

۱- اداره امور مدارس استعدادهای درخشنان براساس مصوبه شورای محترم عالی اداری آموزش و پرورش و سازمان محترم مدیریت و برنامه‌ریزی تحت نظر مستقیم رئیس سازمان آموزش و پرورش و نمایندگی استعدادهای درخشنان استانها می‌باشد.

۲- صدور احکام همکاران مراکز استعدادهای درخشنان براساس مصوبه هیأت محترم امنی استعدادهای درخشنان همچون مراکز تربیت معلم (مصطفوی داریم ولی اجرانی شود در بعضی استانها اجرا نشده و در بعضی اجرا شده). پرداخت حق الرحمه اضافه کاری کارکنان اداری (با اطلاعی که حضر تعالی از نیت مدیران مدارید واقعاً عشق است که این افراد را نگه داشته به عزیزان مادر استانها با رها پیشنهاد قبول مسؤولیتهایی خیلی بالاتر از نظر مادی و ظاهري شده اما عشق آنها به سپاد باعث شده آنها به هیچ وجه این کار را با کارهای دیگر عرض نکنند) ...

۳- پرداخت حق الرحمه اضافه کاری کارکنان اداری تا سقف ۱۲۰ ساعت در ماه و پرداخت حق التدریس کادر آموزشی مراکز مطابق آئین نامه پرداخت حق التدریس، در مراکز تربیت معلم، مصوبه ۶۷/۱۲/۱۹ هیأت وزیران مدیران افزایش ۳۰٪ فوق العاده شغل کارکنان مراکز استعدادهای درخشنان براساس بند «پ» ماده ۱ مصوبه ۶۷/۲/۱۹ هیأت وزیران تاکنون انجام نشده است. پرداخت سرانه دانش آموزی تعمیرات و تجهیزات مانند سایر مدارس.

هزینه کرد حق ثبت دریافتی مراکز (با مصوبه هیأت امناء که حق ثبت باید به چه طریقی هزینه بشود، در برخی از استانها به این شکل هست که اخیراً مشکل پیدا شد). تحت نظر شورای مالی و بر اساس مصوبات هیأت محترم امنی سازمان استعدادهای درخشنان تعیین عامل ذیحساب در نمایندگی استعدادهای درخشنان استانها. رعایت درجه بندی و ضوابط مراکز براساس مصوبه هیأت امنی از سوی آموزش و پرورش استانها و تأمین نیروی استانی مراکز براساس نمودار سازمانی موجود، صدور مجوز جهت استفاده از دبیران بازنشسته، استفاده از فارغ‌التحصیلان و دبیران آزاد، صدور ابلاغ و حکم کارگزینی مسئولان نمایندگی استعدادهای درخشنان در سطح کارشناس مسئول.

#### ● غندالی

اگر ما مدیران بی عرضه‌ای نباشیم، وقتی چیزی در نظام به عنوان یک سازمان تعریف شد

دیگر لازم نیست امام زمان (ع) و مقام معظم رهبری و رئیس جمهور همه را به شهادت بگیریم که به حضرت عباس (ع) فلسفه وجودیش را همه تأیید می‌کنند. این در حقیقت برخورد منفعل است. اگر منفعل برخورد کردید نتیجه نمی‌گیرید، مثل صحنه دعواست در صحنه دعوا وقتی طرف دید نفر مقابل منفعل شده، ترسیده، خودش را پیروز می‌بیند. در نظام اداری ما الان اینگونه است. یعنی شما وقتی منفعل حرکت کردید دیگر میدان به شما نمیدهدند. وقتی کاری در سازمان تعریف شده است، چیز تعریف شده را من چه طوری می‌توانم لغو کنم؟ من به عنوان معاون وزارت خانه یک فکر دارم، یک نظر دارم، شرح و ظایفم هم مشخص است. دیگر برنامه‌های است. وقتی مطمئن آمده بشهده، اینجا جای حرف زدن است. منهم با توجه به گرفتاریهایی که دارم، کمبود منابعی که دارم، می‌گوییم خیلی خوب این را می‌شود از صحنه بیرون کرد. بیرون ش می‌کنیم. این یک نکته. مطلب بعد اینکه مدیران مراکز عشق و علاقه دارند. قطعاً همین بوده است. ولی این معناش این نیست که مأخوذه به حیا باشند، نیایند دنبال کارشان و بگویند، ما چیزی نمی‌خواهیم، ما علاقه به بچه‌ها داریم و کارمان همین است حالانظام هر کاری می‌خواهد انجام دهد یا ندهد - اینجور نباید با قضیه برخورد کرد. همان عشقی که در کار نسبت به بچه‌ها دارد، همان عشق را هم باید اینطرف داشته باشد. محکم بایستید. حرفاًیتان را بزنید. مستدل، منطقی، بنده را مجاب کنید. به اینکه در این مسیر حرکت کن.

موارد دیگری که اشاره کردید قابل حل است. مثل حق ثبت مدارس - که اصل‌آربطی به ما ندارد. شما هر منبعی غیر از منابع دولتی را می‌توانید برای خودتان تعریف کنید. با توجه به اینکه در چارچوب مقررات باشد و مشکلی از نظر کلان مملکتی نداشته باشد با مسؤولیت آقای دکتر اژه‌ای، که حالا که شهریه را گرفتید چطور هزینه کنید، چکار کنید. ایشان با مجموع کارشناسانی که در مجموعه دارند مسئله را حل کنند. شما هم شورای مالی بگذارید. من هم وظیفه‌ام این است که پشتیبانی بکنم مثلاً اگر سرانه به شما می‌دهم، بگوییم که آن سرانه را چطور باید هزینه کنید. ولی شما از مردم کمک بگیرید. برای کیفیت بخشی سازمان استان هم باید برای شما تصمیم‌گیری کند. شما در چارچوب اختیاراتی که دارید می‌توانید عمل کنید و ستاد هم نظارت داشته باشد که درست هزینه بشود. و گرنه اگر یک مرکزی بتواند صحبت کند، مردم را توجیه کرددند، و آنها بایند برای کیفیت بخشی به کمکش و او توانست خارج از توان دولت امکاناتی را

بگیرد، متعلق به خود اوست، و سازمان فقط چارچوبی باید بگذارد که این دریافتی درست هزینه بشود.

به عامل ذیحساب نیز به اعتقاد من نیاز نیست، چون شما در استان ردیف بودجه‌ای ندارید که بخواهید برای حقالثبت‌ها و کمکهای مردمی برای مدیریت یک عامل ذیحساب بگذارند. این جز اینکه دست و پاگیر باشد، فایده‌ای ندارد. عامل ذیحساب به اعتقاد من اصولاً فلسفه وجودی در این مورد ندارد. مگر اینکه ردیف بودجه‌ای برایش تعریف کنیم. که این ردیف بودجه برای استعدادهای درخشان باشد که آنجا بخواهید هزینه کنید عامل ذیحساب نیاز دارید. ولی الان شما ردیف بودجه‌ای ندارید. ما بیشتر جنبه حمایتی و کمک به این مجموعه را داریم، اینجا و سازمانهای دیگری که در آموزش و پرورش دارند فعالیت می‌کنند. سرانه ما کمک به مدرسه است مثل دیگر مدارس. مدارس دولتی مگر عامل ذیحساب دارند. ما یک رقمی را به عنوان کمک به حساب مدرسه می‌ریزیم. وقتی به حساب مدرسه ریختیم و به هزینه گرفته شد، نیاز نیست حتماً اسناد و مدارکش را به ما ارائه بدهند. در مدرسه باید همه اسناد و مدارکش بماند. این مدرسه هم مثل مدارس دیگر، سرانه‌ای به آنها کمک می‌کند و دیگر به عامل ذیحساب نیازی ندارد. هزینه طبق نظر شورای مدرسه انجام می‌شود. اسناد هم همانجا می‌ماند.

نکته بعد هم در ارتباط با دیبران بازنیسته است که ما قانون داریم، قانون هم اجازه نداده بازنیسته‌ها از صندوق دولت دوبار حقوق بگیرند. البته من تعییر و تفسیر این است که صندوق، صندوق دولت نیست. یکی از اشتباهات فاحشی که دارد اتفاق می‌افتد، همین است. صندوق بازنیستگی پول من نوعی است. سالهای سال از حقوق من کم کرده‌اند، گذاشتند آنجا، با آن پول دارند کار هم می‌کنند، بعد من بازنیسته می‌شوم و به من بر می‌گردانند. کجای این پول مربوط به دولت است؟ متأسفانه این از موارد اشتباهات فاحش است که مشکلاتی را به شدت در مملکت ایجاد کرده است بخصوص برای بازنیسته‌ها. ولی علیرغم اینها، این تصور وجود دارد که چون از اینجا حقوق می‌گیرد، نمی‌تواند از جایی دیگر از صندوق دولت هم حقوق بگیرد. حالا روی همین هم باید اشکال کرد، رفت در مجلس عنوان نمود، به چه دلیل یک فرد دوبار از صندوق دولت پول نگیرد؟ من ۸ ساعت کار در روز دارم، یا به عنوان دیبر ۲۴ ساعت موظف هستم و با دولت کار می‌کنم. حالا می‌توانم قرارداد بیندم با یک شرکت دولتی دیگر، کارکنم، در ساعت آزاد خودم، متأسفانه این قوانین دست و پاگیرند. ولی در حال حاضر به بازنیسته طبق قانون

نمی‌توانید از صندوق دولت مجدداً پول بدھید به عنوان حق التدریس. فقط تنها کاری که می‌شود کرد از منابع داخلی خودتان به آنها حقوق بدھید. یعنی ما اجازه بدھیم بازنیسته در این سیستم کار بکند. منتها از منابع درآمدی خودتان، نه از منابع درآمدی که از وزارت آموزش و پرورش به حسابتان واریز می‌شود، از شهریه، یا منابع دیگری که می‌توانید تعریف کنید بلامانع است.

در مورد فارغ‌التحصیلان هم بدینگونه است. فارغ‌التحصیلان را از منابع درآمدی خودتان می‌توانید بکار بگیرید. هیچ اشکالی ندارد. منتهی تشریفات گزینش را رعایت کنید. البته من در مورد فارغ‌التحصیلان معتقدم. در آن بخشنامه ساماندهی باید بیاییم، مشکلاتش را حل کنیم تا بتوانیم حق التدریس هم بگیریم، ولی تا حل نشده به این شیوه می‌توانیم عمل کنیم. بازنیسته‌ها را هم به همان شیوه.

این نکاتی هم که دوستان گفتند، یک تیم کارشناسی در مجموعه معاونت پشتیبانی می‌گذارم، کار کنند، آنچه که مربوط به ما می‌شود تصمیم می‌گیریم. آنها یی که به معاونتهای دیگر بر می‌گردد، با آنها هم رایزنی می‌کنیم. دوستان در سازمان به سراغ ما بیایند. انشاء الله راه کارهایش را مشخص می‌کنیم و قبل از مهرماه خدمتستان اعلام خواهیم کرد.

○ ○ ○

## اساسنامه صندوق حمایت از پژوهشگران کشور

### اشاره

در راستای حمایت از پژوهش و پژوهشگر، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۲۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۷ خود اساسنامه صندوق حمایت از پژوهشگران کشور را تصویب نمود. در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۸۲ این مصوبه به شورای پژوهشتهای علمی کشور توسط رئیس جمهور ابلاغ گردید.

○ ○ ○

با سمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی انقلاب فرهنگی

### اساسنامه صندوق حمایت از پژوهشگران کشور مصطفوب جلسه ۵۲۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۷ به پیشنهاد شورای پژوهش‌های علمی کشور (نامه شماره ۲۳۳۲۵ مورخ ۸۲/۴/۳۱) اساسنامه صندوق حمایت از پژوهشگران کشور را به این شرح تصویب کرد.

### مقدمه

توسعه پایدار و پیشرفت هر کشوری مرهون پرورش، حفظ و نگهداری سرمایه‌های علمی، پژوهشی و فناوری آن کشور است. پژوهشگران موجات ترقی، تعالی،

توسعه علمی و فناوری و در نهایت توسعه پایدار همه جانبه را بری کشور فراهم می سازند، از این رو شناسایی، برقراری ارتباط و حمایت از این قشر توانمند جامعه به منظور استفاده از مشارکت و همکاری های علمی آنان در زمینه های گوناگون در راستای تولید علم و فناوری و توسعه از اولویت ویژه ای برخوردار است. برای نیل به این هدف، در راستای تحقق بند ۴ اصل سوم قانون اساسی و به استناد بند ۱۶ مصوبه «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «صندوق حمایت از پژوهشگران» به منظور رفاه محققان و سامان دهی مناسب برای تولید علم و فناوری و آماده سازی بستر اجرای آنها در جهت سوق دادن منافع تحقیقاتی و فناوری به مردم و در نهایت توسعه پایدار کشور به شرح این اساسنامه تأسیس می گردد:

### ماده ۱: نام

نام صندوق عبارت است از «صندوق حمایت از پژوهشگران کشور» که از این پس در این اساسنامه صندوق نامیده می شود.

**تبصره:** صندوق دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و محل آن در نهاد ریاست جمهوری خواهد بود.

### ماده ۲: هدف

هدف از تأسیس صندوق، ارائه کمک ها و خدمات حمایتی مادی و معنوی به پژوهشگران ایرانی ایرانی اعم از حقیقی و حقوقی برای شکوفایی امور تحقیقاتی در راستای تولید علم و فناوری و بهره مند شدن مردم از نتایج آنها در کشور می باشد.

### ماده ۳: نوع فعالیت

نوع فعالیت صندوق انجام حمایت های مالی و معنوی همه جانبه از پژوهشگران ایرانی «دانشگاهی و غیردانشگاهی در داخل و خارج از کشور» در راستای ارتقای کمی و کیفی تولید علم و توسعه فناوری و فراهم نمودن کاربرد نتایج تحقیقاتی و تولید علمی در سطوح ملی و بین المللی می باشد.

**تبصره ۱:** حمایت مادی عبارت است از تأمین اعتبار و تسهیل مراحل و ساز و گار تخصیص بودجه به محققان درخصوص طرح های مصوب و ارائه شده توسط صندوق، تأمین بخشی از هزینه های شرکت در کنفرانس های معتبر بین المللی و تهیه لوازم تحقیق و مواد مورد نیاز پژوهش که مورد تأیید کمیته علمی صندوق قرار گیرد.

تبصره ۲: حمایت معنوی عبارت است از حمایت اداری، معرفی و تأیید علمی و فراهم آوردن شرایط احترام علمی به محققان و اعطای جوایز.

تبصره ۳: پژوهشگر به اشخاص حقیقی و حقوقی اطلاق می‌شود که دارای دانش، تجربه و مدارج علمی و دستاوردهای پژوهشی بوده و صلاحیت علمی آنان به تأیید کمیته علمی صندوق رسیده باشد.

تبصره ۴: اولویت در استفاده از کمک‌ها با پژوهشگران داخل کشور می‌باشد.

#### ماده ۴: سرمایه

سرمایه اولیه صندوق مبلغ بیست میلیارد ریال است که از محل کمک‌های دولت تأمین خواهد شد.

تبصره: صندوق همچنین می‌تواند نسبت به جذب تسهیلات اعطایی سیستم بانکی، کسب درآمد حاصله از سرمایه‌گذاری‌های وجوده مازاد صندوق، دریافت کمک و هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام نماید.

#### ماده ۵: ارگان صندوق

صندوق دارای ارکان زیر می‌باشد:

(الف) هیئت امنا، (ب) رییس، (ج) کمیته علمی

#### ماده ۶: ترکیب هیئت امنا

هیئت امنای صندوق، اعضای شورای پژوهش‌های علمی کشور می‌باشد که ریس شورا، ریاست هیئت امنا را نیز عهده‌دار خواهد بود.

#### ماده ۷: جلسات هیئت امنا

جلسات هیئت امنا به صورت عادی و فوق العاده تشکیل می‌گردد، جلسات عادی حداقل سالی دوبار بنا به دعوت رییس صندوق تشکیل می‌شود. جلسات فوق العاده در صورت لزوم بنا به پیشنهاد رییس صندوق و با دعوت از هیئت امنا تشکیل خواهد شد و جلسات این هیئت (عادی و فوق العاده) با حضور نصف به علاوه یک اعضا، رسمیت یافته و تصمیمات متخذه با رأی موافق نصف به علاوه یک اعضا حاضر در جلسه معتبر می‌باشد.

#### ماده ۸: وظایف هیئت امنا

هیئت امنا وظایف زیر را عهده‌دار خواهد بود:

- ۱- تعیین سیاست‌های اصولی و خط مشی‌های کلی مربوط به فعالیت صندوق.
- ۲- تصویب آیین نامه داخلی صندوق، آیین نامه اجرایی این اساسنامه و سایر مصوبات لازم.
- ۳- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد پیشنهادهای رئیس صندوق و یا پیشنهادهای ارائه شده توسط حداقل نیمی از اعضای هیئت امنا.
- ۴- تصویب ضوابط مربوط به سرمایه‌گذاری برای ایجاد درآمد و نیل به خودکفایی صندوق.
- ۵- تصویب نمودار تشکیلاتی صندوق.
- ۶- تصویب آیین نامه نحوه ارائه کمک‌های صندوق به پژوهشگران.
- ۷- فراهم نمودن زمینه ارتباط پژوهشگران با مراکز علمی و تحقیقاتی داخل و خارج کشور.
- ۸- حمایت از برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های علمی و پژوهشی پیشرفته در زمینه دانش و فناوری‌های نو در جهت ارتقای علمی و فنی پژوهشگران کشور.
- ۹- نظارت کلی بر حسن اجرای فعالیت صندوق.

#### ماده ۹: رئیس صندوق

رئیس صندوق بالاترین مقام اجرایی صندوق است که پس از تصویب هیئت امنا و با حکم رئیس هیئت امنا برای مدت ۴ سال منصوب می‌شود. انتصاب مجدد وی بلا مانع می‌باشد.  
تبصره: عزل رئیس صندوق با رئیس هیئت امنا است.

#### ماده ۱۰: وظایف رئیس صندوق

- ۱- اجرای کلیه مصوبات هیئت امنا.
- ۲- اداره و هدایت امور اجرایی صندوق در چارچوب اساسنامه و ضوابط و مقررات مصوب هیئت امنا.
- ۳- نصب و عزل کارکنان و مأموران صندوق، تعیین حقوق و دستمزد آنان در چارچوب قوانین و مقررات و آیین نامه‌های مربوط.

- ۴- پیشنهاد اصلاح و با تغییر در مواد اساسنامه به هیئت امنا برای تصویب.
  - ۵- پیشنهاد افزایش یا کاهش سرمایه صندوق به هیئت امنا برای تصویب.
  - ۶- ایجاد و انتشار نشریاتی که صندوق را در رسیدن به هدف‌های خود کمک کند.
  - ۷- حفظ و حراست اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول صندوق.
  - ۸- نمایندگی صندوق در برابر کلیه مراجع اداری و قضایی و اشخاص ثالث با حق توکیل به غیر برای استیفاده حقوق صندوق در حد مقرر است.
  - ۹- تهیه گزارش عملکرد سالانه صندوق و رائه آن به هیئت امنا برای بررسی و تصویب.
- تبصره:** کلیه استاد مالی و اوراق بهادر صندوق با امضای رئیس صندوق و مسؤول امور مالی معتبر است.

#### ماده ۱۱: ترکیب کمیته علمی صندوق

اعضای کمیته علمی صندوق از بین نخبگان جامع الشرایط علمی کشور «دارای آثار و شرح علمی در معیار استاندارد بین‌المللی از قبیل مقالات چاپ شده در مجلات بین‌المللی معتبر، ثبت اختراعات بین‌المللی، کتب چاپ شده مورد استناد ملی و بین‌المللی و دارای سوابق درخشان علمی و اجرایی، آشنا با علوم و فنون روز جهان، آشنا با پژوهشگران و نیازهای علمی، پژوهشی و فناوری کشور»، توسط اعضای شورای پژوهش‌های علمی کشور معرفی و پس از تصویب کمیسیون خاص این شورا با حکم رئیس هیئت امنا به مدت چهار سال منصوب می‌گردد.

تبصره ۱: تعداد اعضای کمیته علمی، ۷ نفر عضو اصلی و ۲ نفر عضو علی‌البدل می‌باشد.

تبصره ۲: انتخاب مجدد اعضای کمیته علمی، فقط برای دو دوره متوالی بلامانع است.

#### ماده ۱۲: وظایف کمیته علمی صندوق

- ۱- تأیید صلاحیت علمی پژوهشگران بهره‌مند از حمایت‌های صندوق.
- ۲- برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های علمی و پژوهشی مصوب هیئت امنا.
- ۳- پیشنهاد اصول سیاست‌ها، خط‌مشی، آین‌نامه‌ها و گزارش‌های علمی و پژوهشی اجرایی به رئیس صندوق.
- ۴- نظارت و ارزیابی بر طرح‌های مصوب صندوق.
- ۵- تعیین کمیته‌ها و یا گروههای نظارت و ارزیابی علمی.

۶- پیشنهاد طرح‌ها و برنامه‌های جدید به ریس برای ارائه به هیئت امنا برای دستیابی به اهداف صندوق.

۷- تصویب و ارزیابی طرح‌های ملی در راستای اولویت‌های مصوب شورای پژوهش‌های علمی کشور و سیاست‌ها و خط‌مشی صندوق تا رسیدن به مراحل اجرایی.

۸- تأمین تسهیلات لازم مربوط به ثبت اختراعات و اکتشافات در داخل و خارج.

### ماده ۱۳: فعالیت‌های مالی صندوق

فعالیت‌های مالی صندوق، زیر نظر ریس صندوق با آین نامه مربوط به تصویب هیئت امنا خواهد رسید اداره می‌شود و از نظر مقررات مالی و معاملاتی تابع مفاد قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی و تحقیقاتی (مصطفوی ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی) خواهد بود.

تبصره ۱: سال مالی صندوق از اول فروردین هر سال لغایت آخر اسفند ماه همان سال است.

تبصره ۲: وجود صندوق در حساب خاصی که در یکی از بانک‌ها افتتاح می‌شود نگاهداری و کلیه پرداخت‌ها با صدور چک از حساب یاد شده صورت می‌گیرد.  
اساسنامه فوق با یک مقدمه و ۱۳ ماده و ۱۱ تبصره در جلسه ۵۲۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

سید محمد خاتمی

ریس جمهور و ریس شورای عالی انقلاب فرهنگی

## گزارش و خبر

### برگزاری دومین دوره المپیاد ورزشی سمپاد

مرحله نهایی دومین دوره المپیاد ورزشی سمپاد (ویژه دانش آموزان مراکز آموزشی استعدادهای درخشان سراسر کشور)، با شعار «ورزش و تندرستی، نهضت خدمت رسانی»، طی مرداد و شهریورماه سال ۱۳۸۲ به میزبانی ستاد مرکزی سمپاد در تهران برگزار شد.

مسابقات بخش پسران، در روزهای شنبه الی دوشنبه (۱۳۸۲/۵/۲۰ الی ۱۳۸۲/۵/۲۵) در محل آکادمی ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران (مجموعه‌ی ورزشی انقلاب) برگزار شد و ورزشکاران در چهار رشته‌ی فوتسال، والیبال، پینگ‌پنگ و شترنج، به تفکیک در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان به رقابت پرداختند.

مسابقات بخش دختران نیز، در روزهای دوشنبه الی چهارشنبه (۱۳۸۲/۶/۳ الی ۱۳۸۲/۶/۵) در محل مجموعه مرکز تربیت معلم نسیبه تهران برگزار شد و ورزشکاران در چهار رشته بسکتبال، والیبال، پینگ‌پنگ و شترنج، به تفکیک در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان به رقابت پرداختند.

گزارش مسروچ برگزاری این دوره المپیاد ورزشی را در شماره آینده فصلنامه استعدادهای درخشان بخوانید.

### یک سمپادی در بغداد

رضا امیرخانی، نویسنده‌ی توانا و فارغ‌التحصیل سمپاد، که در شهریورماه سال جاری (۱۳۸۲) به‌قصد زیارت عتبات عالیات عازم عراق شده بود، در بازگشت از این سفر پربرکت ماجراهایی شنیدنی

از اوضاع و احوال شهرهای عراق، شهر وندان عراقی و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق روایت می‌کند.

شرح یکی از مکالمه‌های او با یک سرباز آمریکایی، (هر چند آمریکائیها از صحبت با غیرآمریکایی و افراد بومی خودداری می‌کنند) به شرح زیر است ...

- (سرباز آمریکایی): هی! تو! کجا می‌روی؟ کجا بیهوده هستی؟

- (امیرخانی): ایرانی هستم.

- اینجا چه کار می‌کنی؟ ویزا داری؟

- تو چطور؟ تو اینجا چه کار می‌کنی؟ خودت ویزا داری؟

### ورودیهای به دیبرستان‌های سمپاد

از میان ۴۶۸۱ دانش‌آموز شاغل به تحصیل در ۸۹ مدرسه راهنمایی سمپاد که با ۴۸۳۱۲ داوطلب از بیرون از سمپاد به رقابت پرداختند، جمماً ۲۶۹ نفر امتیاز لازم را جهت ورود به دیبرستان‌های سمپاد کسب ننمودند. که اگر نسبت به ۲۰۹ کلاس موجود در پایه سوم راهنمایی بسنجمیم (بدون احتساب انتقالی‌ها که احتمالاً تعدادی از آنها در مراکز مقصود مشغول به تحصیل شده‌اند) از هر کلاس به صورت میانگین ۱ نفر به مدارس عادی منتقل شده است.

در عوض از ۶۲۳۲ نفر پذیرفته شده جهت دیبرستان‌های سمپاد، ۱۸۲۰ نفر (درصد) دانش‌آموز جدید هستند که در بین آنها حدود پنجاه نفر انتقالی از مراکز سمپاد هم دیده می‌شوند. براساس آمار داوطلبان واحد شرط جهت دیبرستان‌های سمپاد، حدود  $\frac{3}{7}$  درصد آنها امکان راهیابی به‌این مراکز را داشته‌اند، در صورتی که انتقالی‌ها از مراکز سمپاد به مدارس عادی حدود  $\frac{5}{7}$  درصد بوده‌اند؛ یعنی ۹۴/۲۵ درصد داوطلبان سمپادی به دیبرستان‌های سمپاد راه یافته‌اند.

### جشن فارغ‌التحصیلی در بیرجند و بابل

دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۸۲ همزمان با اعلام نتایج کنکور سراسری، سمپادیهای بیرجند جشن فارغ‌التحصیلی خود را با حضور ریاست سازمان برگزار کردند.

روز چهارشنبه ۱۵ مرداد نیز ریاست سمپاد در جمع فارغ‌التحصیلان شهید بهشتی بابل حضور یافت. در این مراسم از خانم پریسا یوسف‌پور نفر اول کنکور سراسری در رشته علوم تجربی از فرزانگان

بابل نیز تقدیر به عمل آمد.

### طراوتی در «کالبد» سمپاد

به همت دانش آموختگان سمپادی تبریز، در پوشش خانه علوم پزشکی دانشجویان ایران - «کالبد» - با عضویت دانشجویان ۳۸ دانشگاه علوم پزشکی ایران و با حضور حدود ۶۰۰ دانشجو و فارغ التحصیل از سراسر ایران، پنجمین ۳۰ مرداد ۱۳۸۲ اولین اجتماع سمپادیهای پزشکی ایران برگزار شد. گسترده‌گی این گردهمایی مایه مباهات سمپاد است. ریاست محترم سمپاد، در پاسخ به دعوت عزیزان سمپادی ضمن حضور در این گردهمایی دو روزه از زحمات فرزندان سمپاد تقدیر نمود. در این مراسم عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اساتید دانشگاهها و مسئولین ادارات دولتی نیز حضور داشتند. نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهر تبریز نیز در سخنرانی خود تلاش عزیزانمان را ارج نهادند.

ساختار کلی «خانه علوم پزشکی کالبد» در حوزه‌های تحقیقات، آموزش تأثیف و ترجمه، سمینارها و کارسوقها، ارتباطات و تبلیغات، همراه با نشریه «کالبد» می‌باشد.

### با نشریات مراکز

- آراد، گاهنامه دانش آموزی مدرسه راهنمایی فرزانگان امین اصفهان.
- برای فردا، سال سوم، شماره‌های ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت و خرداد ۸۲ دیبرستان علامه حلی تهران.
- بهاریه فرزانگان، ۱۳۸۲ مرکز راهنمایی فرزانگان شیزاد.
- پنجه، (ضمیمه فرهنگی خبرنامه برای فردا) شماره ۶، خرداد ۱۳۸۲، دیبرستان علامه حلی تهران.
- دو دو تا، چهارتا؟، شماره‌های ۲ و ۳، بهمن ۸۱ و فروردین ۸۲، مدرسه راهنمایی فرزانگان امین اصفهان.
- راهیان قلم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۲، کانون دانشجویان و دانش آموختگان بیرونی.
- سپهر، شماره ۸، سال سوم، تابستان ۱۳۸۲، فصلنامه گروه نجوم سمپاد گیلان.
- شمیم بهار، (جمعیت پژوهشگران سمپاد) مدرسه راهنمایی فرزانگان امین اصفهان.
- نبوغ کویر، سال سوم، مرداد ۱۳۸۲، مرکز آموزشی شهید بهشتی بیرونی.

□ والسلام، شماره ۹، تیرماه ۱۳۸۲، نشریه داخلی مجمع فرهنگی شهید ازهار اصفهان.

### پژوهش‌ها و گردآوری‌های شما:

- آسم / فرشته پناهی، شهلا یوسفی / فرزانگان اهواز.
- آمریکا، شیطان بزرگ / سلماز کلهر، فاطمه دیزانی / فرزانگان قزوین.
- اعتیاد / زهرا شش‌پری، مهدیه عادلی / فرزانگان قزوین.
- اینترنت / الهام خلیلی، سیما گلابگیر، محبوبه لطفی / فرزانگان قزوین.
- اینترنت و تأثیرات آن بر زندگی / فرناز ارجمندی، بنفشه کاظمی، نفیسه نمازی‌پور / فرزانگان قزوین.
- برابری تقویم‌ها و ساعتها / راضیه اصلانی، مهسا زارعان اندوانی / فرزانگان بوشهر.
- بررسی علل خودکشی و پیشگیری از آن / مریم احمدی / فرزانگان قزوین.
- به سوی موقتیت / الهه احمدی، مهدیه جدلیها، منیر حاجی آقایی / فرزانگان قزوین.
- تاریخ نشر روزنامه در قزوین / رکسانا شیرخورشیدی / فرزانگان قزوین.
- تالاسمی / مونا حاج فتحعلیان، سیده زهرا علمی، الهام حکمیان / فرزانگان قزوین.
- تصویرگری شاعران زندانی از زندان / مرجان صدقیانی، شادی میرزایی / فرزانگان قزوین.
- جمعیت / زهرا بیات، فائزه منصوری، مرضیه نیکو، سمیه جوادی / فرزانگان اسلامشهر.
- جهان و کیهان / آزاده فاتح، مریم فقیه ایمانی / راهنمایی فرزانگان امین اصفهان.
- چگونگی پیدایش زمان و مکان / مینو حبیبی، ستاره تقدس، رعنا ایازی / فرزانگان قزوین.
- خواص دارویی گیاهان / عاطفه کریمی، مریم یوسفی / فرزانگان قزوین.
- دما / شقایق شریفی / فرزانگان بوشهر.
- دنیای طبیعت / راهنمایی فرزانگان امین اصفهان.
- دوستی‌های دوران جوانی / فاطمه عبدالرزاقي، انسیه رشوند، سیما زرآبادی‌پور / فرزانگان قزوین.
- رابطه وضعیت اقتصادی خانواده‌ها با پیشرفت تحصیلی فرزندان / طاهره احمدی / فرزانگان قزوین.
- راشیتیسم تغذیه‌ای / فروغ السادات امامی، نوشین هادی‌شالیها / فرزانگان قزوین.

- روانشناسی کودک / حمیده روحی‌ها، فاطمه نوری، غزاله واثقی / فرزانگان قزوین.
- روانشناسی کودک / زهرا عاشوری بیرگانی / فرزانگان اهواز.
- زلزله / مونا شریف‌خانی، فاطمه ناظمی جنابی / فرزانگان قزوین.
- زندگینامه سیاسی امام خمینی / محسasadat مهاجری / فرزانگان قزوین.
- ستاره‌ها / مهسا خیر، نسیم محمدی / فرزانگان بوشهر.
- عدسیها، تحقیق فیزیک / راضیه اصلاحی / فرزانگان بوشهر.
- علل و قوع زلزله / شیما افتخاری، زهره حاجی سلیمانی، مهشید معروف‌خانی / دبیرستان فرزانگان؟
- فیزیک / نگار دیسی / فرزانگان بوشهر.
- قطعات الکتریکی والکترونیکی / محبیا نعمتی / فرزانگان قزوین.
- قلب / مریم رحمانی، ناهید توسلی / دبیرستان فرزانگان؟
- لیزر و کاربردهای آن / مهسا حسامی / فرزانگان اهواز.
- مبانی کامپیو تر / سلیمه لشگری، ملیحه کشاورزی / فرزانگان قزوین.
- محیط زیست / زهرا آناهید، غزاله امیرحسینی / فرزانگان قم.
- منظوفه شمسی / سمانه عباسی، رویاسادات محمدی، شیوا توکلی، بهاره سادات هاطلی / راهنمایی فرزانگان امین اصفهان.
- مهدی، انتظار، انقلاب / نفیسه حاجی سید تقیا / فرزانگان قزوین.
- نور / عصمت شیری‌بیگی / فرزانگان اهواز.
- هپاتیت ب / فاطمه محراجی، شکوفه کاظم‌لو / فرزانگان قزوین.
- هم شاگردی / شیرین رفیعیان، شیرین صادق‌پور، شادی احمدی، پوپک احمدی / فرزانگان امین اصفهان.
- هندسه در معماری / شیما کربیمی، شادی آزموده / فرزانگان قزوین.

○

○

○

## صدای سمپادیها

در آداب توت خوری اطراف مدرسه در روزهای تابستان و باقی قضايا...\*

این روزها\*\* سراسر این اطراف از جنوب تا شمال، از شرق تا غرب هر کجا که بگویی پر از درخت توت است، سیاه و سفید. بیاید از این منابع تمام نشدنی خدادادی نهایت استفاده را ببریم و نگذاریم که این توت‌ها روی خیابان‌ها فرش شوند و مثل برگ زیر پای عابران له. آخر می‌دانید آن قدر رسیده‌اند و سنگین شده‌اند که به ضرب تلنگری، یا بادی فرو می‌ریزند.... اگر دهانتان آب افتاده ادامه مطلب را بخوانید تا شما را از کم و کیف کار آگاه کنیم.

درختان توت سفید را فقط در مسیر حرکت بررسی کنید، زیاد هم سرشان وقت تلف نکنید. اگر راه بروید و از هر کدام دوتا بخورید بعد از چند صد متر دیگر دلтан هیچ چیز نمی‌خواهد. اما مسئله اصلی درباره توت سرخ (توت سیاه) می‌باشد. اینگونه درختان پربرکت، نه اینکه کم باشند. ولی به نحوه‌هایی می‌شود گفت پنهان‌اند. پس اول از یک منع موثق و قابل اعتماد آدرس یک درخت

\* حامد شکوری / والسلام / نشریه داخلی مجتمع فرهنگی شهیداژه‌ای اصفهان / شماره نهم، تیرماه ۱۳۸۲

\*\* این مطلب زمانی به دست ما رسید که توت‌ها بر روی درختان به هر عابری چشمک می‌زند و این مطلب، مطلبی کاربردی با درون مایه‌ای طنز بود که می‌توانست اهداف نویسنده را دنبال کند؛ اما به دلایل مختلف این مطلب زمانی به رؤیت شما می‌رسد که احتمالاً توتی بر درختی باقی نمانده است و همه آنها خشک شده بر روی زمین هستند. ضمن عرض پوزش از نویسنده محترم، امیدواریم دیگر چنین اتفاقاتی تکرار نشود. (مدیر مسئول والسلام)

خوب و قشنگ و بالارفتنی! را بگیرید. اگر از ما بخواهید چندتایی در چنته داریم؛ اطراف دانشکده دندانپزشکی در روایتی آمده است که چندتایی درخت توت هست که بهتر است هرچه زودتر بروید و استفاده کنید.

با یادآوری ماجراه قفس و باقی قضایا و ناجوانمردانگی‌هایی که این دانشگاه به سرمان آورده است، سعی کنید توت‌ها را از درخت بکنید طوری که دستتان به خون آنها آلوده شود و بعد زیر دندان آنها را له کرده و بالاخره خون آنها را با نهایت لذت سریکشید. یادآوری اینگونه مسائل لذت توت خوردن رامضاعف می‌کند. قید و بندها و باکلاس بازی‌ها را کنار بگذارید. آن قدر دور درخت توت سرخ چرخیدن فایده‌ای به حال شما ندارد، جز اینکه مهره گردن تان درد بگیرد و آب دهانتان بیهوده هدر رود. مطمئن باشید که اگر دل را به دریا بزنید و بالا بروید، آسمان به زمین نخواهد آمد؛ فقط یکی دو متر نزدیکتر خواهد شد. پیشنهاد اکید ما به شما این است که خودتان را از عالم دیگری که در آن بالاست محروم نکنید، عالم با صفا و چشم نوازی است. مطمئن باشید تا کیلومترها کیلومتر هیچ دیواری نیست که بینند تان. حیوان‌های وحشی هم آن دور و اطراف نیستند که شما به عنوان نماینده نسل انسان پیش آنها، انسانیت را به زیر سؤال برده باشید ... این را بدانید که درخت دوست شماست؛ فقط باید از آن به خوبی استفاده کنید.

آن بالا، کم کم از روی غریزه‌ای که بالقوه در وجودتان هست، با انواع تکنیک‌ها، آویزان شدن‌ها، پرش از شاخه‌ای به آن یکی، استفاده از دو دست برای توت خوردن بدون هیچ تکیه‌گاهی و همه و همه آشنا می‌شوید. خودتان را دست کم نگیرید؛ بگذارید بالای درخت غریزه‌تان هر طور که می‌خواهد شما را بچرخاند و بچراند. اگر یک بار لذت اینگونه کارها را چشیدید دیگر نمی‌توانید تا این کمرکش کوه (مدرسه شهید اژه‌ای) بیایید و از توت سرخ خوری صرف نظر نمایید.

توت‌های کال را هرگز نخورید. به آیندگان هم رحم کنید و اینقدر خودخواه نباشید. آنقدر رسیده هست که ظرفیت شما را تکمیل نماید. فقط سعی کنید روی درخت نرم حرکت کنید و از ورجه‌ورجه‌های زیاد و بی‌مورد جدا خودداری نمایید تا توت‌های رسیده‌ای که به مویی بند هستند را حیف نکنید. همه این‌ها که گفته‌تم تکنیک‌هایی است که از روی غریزه خودتان انجام خواهید داد.

به این نکته توجه داشته باشید که افراط در هر کاری بد است، در این مورد هم از افراط به شدت پرهیز کنید. مرتباً به پشت خود نگاه کنید تا مبادا فراموش کنید که دم ندارید و خدای ناکرده حرکت نابخردانه‌ای از شما سربزند. درست است که شما ریشه در این راه سرخ کرده‌اید، اما از ترکه‌های

نازک آویزان شدن هم کار شما نیست.

امیدوارم این نوشته باعث شود که این توت‌های خدا کمتر روی زمین بریزد و اسراف شود.

### \* انسان، آسمان، معبد\*

وقتی به آسمان می‌نگریم صدای تاریخ را در آن بخوبی حس می‌کنیم. گویی صدای فریاد انسانها در آن جمع شده است. برای لحظاتی خودمان هستیم و خودمان. و در نهاد خود تنها یک چیز را می‌یابیم. تنها و تنها یک چیز. و آن صدایی است که ما را به سمت پروردگار این عالم بیکران سوق میدهد. به سمت چیزی یک‌گانه میل پیدا می‌کیم. و آن خداست. خدایی که، بی‌شک او جهان را آفرید و ما را. تا در آن زندگی کنیم. زندگی نه به معنای زیستن بلکه به معنای زندگی کردن، دوست داشتن و از خود گذشتن. زندگی ای که در آن به خالق عشق بورزیم.

زندگی ای که حکم نربانی را دارد که ما را به خالق می‌رساند. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم جایی پر سرو صدا و شلوغ نیست. دنیای امروز دنیای شکست انسانهای آزاده نیست. دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم عبارتست از، جایی برای ایستادن و یک آسمان پر نور و بیکران. آسمان با ماست و محروم رازهایمان و هم صحبت تنها یهایمان. و شاید زنده نگه‌دارنده‌ی یادمان. در دنیایی که در آن وسیله برای رسیدن به معبد کم است، آسمان وجود دارد. چیزی که ما را مستقیماً به سوی معبدمان می‌راند. آسمانی که درخشندگی و وسعت آن ما را به درخشش و تکامل پروردگارمان می‌رساند. آری، به راستی آسمان بزرگراهی است که به رستگاری ختم می‌شود و این است که همواره منجمان بزرگ «عاصی‌های تاریخ‌اند نه آرام‌های تاریخ».

